

# Arseh Sevom News Archive

---

**Annual volume · 2010 · 22 articles**

Preservation copy · searchable text · original source URLs retained  
Prepared 30 September 2026

## Contents

This volume uses PDF bookmarks for its detailed contents. Each article begins with its original source URL and archive identifier.

## تبعیض علیه اقلیت‌های قومی و دینی/ فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر

2010-08-02 · Archive ID 16488

<https://www.arsehsevom.net/?p=16488>

بنی آدم: فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران در گزارشی با عنوان "رویه پنهان ایران: تبعیض علیه اقلیت‌های قومی و دینی" نابرابری‌های اعمال شده در این حوزه را بررسی کرده‌اند. این گزارش چهار صفحه‌ای را در اینجا بخوانید:

تبعیض ضد اقلیت‌های قومی و دینی در ایران

بازنشر از عرصه سوم



## قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

2010-08-16 · Archive ID 42

<http://www.arsehsevom.net/fa/?p=42>

عرصه سوم:- وزارت علوم و فناوری یکی از مراجع مهمی است که صلاحیت صدور مجوز و نظارت بر فعالیت نهادهای مدنی را که در حیطه آموزشی فعالیت میکنند، بر عهده دارد. قانون اهداف و وظایف و تشکیلات وزارت مزبور که در 13 ماده و 9 تبصره در سال 1383 به تصویب رسیده است، دارای مقرراتی در خصوص مؤسسات آموزشی غیر دولتی میباشد. به همین خاطر، مواد مربوطه را مورد توجه قرار داده‌ایم.

ماده 1- به استناد ماده (99) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب 17/1/1379 و به منظور انسجام بخشیدن به امور اجرائی و سیاستگذاری نظام علمی، تحقیقاتی و فناوری کشور، اهداف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به شرح زیر تعیین میگردد:

الف - توسعه علوم، تحقیقات و فناوری و تقویت روحیه تحقیق و تتبع و ترویج فکر خلاق و ارتقای فرهنگ علم دوستی.

ب - اعتلای موقعیت آموزشی، علمی و فنی کشور.

ج - تعمیق و گسترش علوم، معارف، ارزشهای انسانی و اسلامی و اعتلای جلوههای هنر و زیبایی شناسی و میراث علمی تمدن ایرانی و اسلامی.

د - تأمین نیروی انسانی متخصص و توسعه منابع انسانی کشور.

ه - ارتقای سطح دانش و مهارت های فنی و توسعه و ترویج فرهنگ تفکر علمی در جامعه.

و - حفظ و تحکیم آزادی علمی و استقلال دانشگاهها، مراکز علمی و تحقیقاتی.

ماده 2- ماموریتهای اصلی و حدود اختیارات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به شرح زیر میباشد:

الف - در زمینه انسجام امور اجرائي و سياستگذاري نظام علمي و امور تحقيقات و فناوري...

ب - در زمینه اداره امور دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالي تحت پوشش وزارت علوم، تحقيقات و فناوري:

1- پيشنهاد ضوابط و معيارهاي كلي پذيرش دانشجو به مراجع ذي صلاح.

2- تعيين راهكارهاي لازم و برنامه ريزي و حمايت از ايجاد و گسترش دانشگاهها، مؤسسات آموزش عالي، مراكز تحقيقاتي و فناوري و ديگر مراكز فعاليتهاي علمي- پژوهشي همانند شهرکهاي تحقيقاتي، آزمايشگاههاي ملي، موزههاي علوم و فنون با استفاده از منابع دولتي و غير دولتي و مشارکتهاي مردمي متناسب با نيازها و ضرورتهاي کشور.

3- برنامه ريزي اجرائي، آموزشي و تحقيقاتي متناسب با نيازها و تحولات علمي و فني در جهان.

4- تعيين ضوابط، معيارها و استانداردهاي علمي مؤسسات آموزش عالي و تحقيقاتي، رشتهها و مقاطع تحصيلي با رعايت اصول انعطاف، پويايي، رقابت و نوآوري علمي.

5 - نظارت بر فعاليتهاي دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالي و تحقيقاتي کشور.

6- ارزيابي مستمر فعاليت هرگونه واحد آموزش عالي و يا مؤسسه تحقيقاتي (اعم از دولتي و غير دولتي) و جلوگيري از ادامه فعاليت، تعليق فعاليت و يا انحلال هريك از آنها در صورت تخلف از ضوابط و يا از دست دادن شرايط ادامه فعاليت براساس اساسنامه هاي مصوب.

7- صدور مجوز تأسيس انجمنهاي علمي و حمايت و ارزيابي مستمر از فعاليت آنها بر اساس ضوابط مصوب مراجع ذي صلاح.

8 - تأييد اساسنامه و صدور مجوز تأسيس انجمنها و تشکلهاي دانشجويان و دانش آموختگان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالي و تحقيقاتي و ارزيابي فعاليت آنها و اتخاذ تصميم در مورد امکان ادامه فعاليت آنها بر اساس ضوابط و مقررات مراجع ذي صلاح.

—

## آيين نامه اجرائي قانون مطبوعات

2010-08-16 · Archive ID 45

<http://www.arsehsevom.net/fa/?p=45>

عرصه سوم: هيأت وزيران در جلسه مورخ 17/6/1381 بنا به پيشنهاد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي و به استناد ماده 47 اصلاحي قانون مطبوعات مصوب 1379، آيين نامه اجرائي قانون مطبوعات مصوب 1364 و اصلاحات بعدي آن را به شرح زير تصويب نمود.

فصل اول- تعريف و مشخصات مطبوعات

ماده 1- مطبوعات به لحاظ زمان انتشار منظم ميتوانند با يکي از فواصل زماني زير منتشر شوند:

يکبار- سه ماه يکبار (فصلنامه)- شش ماه يکبار- (سالنامه)

تبصره 1- نشریه الكترونيكي، نشریههاي است که در محيط ديگيتال با همان صورت، شرايط و ظواهر يك نشریه چاپي و طي فرآيند فعاليت مرسوم روزنامه نگاري و تحريریهاي توليد و به طور منظم و با نام ثابت و تاريخ و شماره رديف معيني در يك يا چند زمینه سياسي، اقتصادي و فرهنگي توليد و منتشر ميشود.

تبصره 2- نسخه ديگيتال نشریات چاپي داراي مجوز نياز به اخذ مجوز جداگانه ندارد.

ماده 2- در نامگذاری نشریه باید از کلماتی استفاده شود که با نشریات موجود و یا با نشریاتی که به طور موقت یا دایم تعطیل شده‌اند اشتباه نشود و موجب تداعی نام آنها نباشد. همچنین نام نشریه نباید از کلمات نامأنوس باشد و یا ایجاد شبهه وابستگی به سازمانهای دولتی بنماید. در صورت بروز هرگونه اختلاف مرجع تشخیص وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خواهد بود.

ماده 3- انتشار فوق العاده- ویژه نامه و دیگر ضمایم با همان نام نشریه و منطبق با سایر مشخصات مندرج در پروانه انتشار با رعایت سایر ضوابط قانون مطبوعات مجاز میباشد.

تبصره 1- چاپ هرگونه آگهی نامه به شکل نشریه توسط کانونهای تبلیغاتی ممنوع است.

تبصره 2- چاپ و انتشار ویژه نامه‌های محلی توسط روزنامه‌های سراسری در صورتی مجاز است که حجم آگهی- های آن از سی درصد (30%) صفحات ویژه نامه بیشتر نباشد.

ماده 5- ترجمه تمام یا قسمتی از مطالب مطبوعات دارای پروانه انتشار و انتشار منظم آن به طور جداگانه با رعایت سایر مشخصات مندرج در پروانه انتشار از جانب صاحب نشریه بلامانع می‌باشد.

ماده 6- تکثیر مطبوعات موجود به همان زبان و شکلی که چاپ شده، از طریق چاپ افست یا عکسبرداری یا طرق مشابه بدون اجازه صاحب امتیاز ممنوع میباشد.

ماده 7- مطالب نشریه باید مطابق و متناسب با روشهای مندرج در پروانه انتشار باشد و نشریه مجاز به درج مطالب و مقالات خارج از روشهای مذکور که بر خط مشی کلی نشریه تأثیر بگذارد، نمیباشد.

ماده 8- روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های محلی موظفند ضمن رعایت ماده (2) قانون مطبوعات و متناسب با روش درخواستی، مطالبی پیرامون مسایل اجتماعی و فرهنگی محل انتشار نشریه جهت بالا بردن سطح آگاهی‌های مردم درج نمایند.

ماده 9- نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروه‌های منحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی) به منظور تحقیق، نقد و رد مطالب در صورتی که تبلیغ محسوب نشود، بلامانع است.

تبصره 1- درج شایعات به نحوی که اصل کذب باشد، ممنوع است.

تبصره 2- نقدهای علمی جز در مواردی که انتشار مطلب علیه قانون اساسی باشد از شمول بند 12 الحاقی ماده 6 قانون مطبوعات مستثنا است.

ماده 10- تغییر نام، روش و ترتیب انتشار نشریه بدون اطلاع و تصویب هیأت نظارت بر مطبوعات ممنوع می‌باشد. تغییر در سایر موارد جز در موارد مصرح در قانون و مواردی که در حوزه اختیارات و مسئولیتهای هیأت نظارت باشد با تایید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بلامانع است.

تبصره- هیأت نظارت بر مطبوعات حداکثر ظرف سه ماه به تقاضای تغییر وضعیت رسیدگی و اعلام نظر می‌کند. در صورت انقضای مهلت مقرر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است درخواستهای مزبور را بررسی و مراتب تأیید یا رد تقاضا را به نشریه اعلام نماید. تبدیل ترتیب انتشار روزنامه از مفاد آتی تبصره مستثنا است. [1]

ماده 11 - به نشریهای اجاره‌ای اطلاق میشود که با درخواست کتبی صاحب امتیاز و مدیر مسئول آن و تصویب هیأت نظارت به موجب اجاره نامه‌ای اختیارات قانونی خود را در قبال دریافت وجه به فرد یا مؤسسه‌ای واگذار می‌نماید:

فصل دوم- شرایط صدور پروانه و مجوز انتشار نشریه

ماده 12- متقاضیان پروانه انتشار نشریه میبایست تقاضانامه خود را به همراه نمونه تکمیل شده پرسشنامه‌ای که حاوی مشخصات فردی، سوابق اجتماعی- سیاسی- فرهنگی و شغلی و تعهدات قانونی باشد، به انضمام

مدارك به شرح زیر در تهران به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي و در شهرستانها به اداره كل فرهنگ و ارشاد اسلامي استان مربوط تحويل نمایند.

1- چهار قطعه عكس 4\*6

2- دو برگ فتوكپي شناسنامه از تمام صفحات

3- يك برگ گواهي عدم سابقه محكوميت كيفري [2] بر اساس موازين اسلامي كه موجب سلب حقوق اجتماعي [3] باشد.

4- يك برگ فتوكپي- آخرين مدريك تحصيلي كه به تايد مراكز ذي صلاح رسیده باشد.

تبصره- تشخيص صلاحيت متقاضيان برعهده هیأت نظارت بر مطبوعات است.

ماده 13- چنانچه متقاضي پروانه انتشار نشریه شخص حقيقي باشد، تقاضاي صدور پروانه همراه با معرفي فرد واجد شرایط به عنوان مدیر مسئول باید از سوي بالاترين مقام مسئول باشد. در صورت موافقت، پروانه انتشار به نام مركز درخواستكننده صادر خواهد شد.

ماده 14- احزاب، سازمانها، و جمعيتهاي سياسي و اقليتهاي ديني ايراني [4] در صورتي ميتوانند تقاضاي صدور پروانه انتشار نشریه نمایند كه اجازه فعاليت قانوني را دارا باشند.

ماده 15- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي جهت صدور مجوز انتشار مطبوعات سازمانهاي آزاديبخش اسلامي كشورهاي ديگر در چهارچوب مقررات مربوط به خارجيان مقيم ايران با استعلام از مراكز ذيربط و اخذ مدارك و نيز موافقت وزارت امور خارجه بررسي لازم را به عمل آورده و پس از موافقت راساً اقدام مي نمايد.

ماده 16- انتشار نشریه داخلي يك سازمان، مؤسسه و شركت دولتي يا خصوصي منوط به كسب مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي و با رعايت ضوابط به شرح زیر مي باشد:

1- درخواست انتشار نشریه و معرفي مدير مسئول پيشنهادي از سوي بالاترين مقام مسئول آن مركز باشد.

2- مطالب و اخبار عمدتاً در ارتباط با اهداف و شرح وظائف مركز درخواستكننده و فقط براي استفاده از كاركنان باشد.

3- از درج هرگونه آگهي بازرگاني پرهيز نمایند.

4- تعداد صفحات از 48 صفحه تجاوز ننمايد.

5- رايجان باشد.

تبصره 1- به يك مركز و واحدهاي تابعه آن فقط اجازه انتشار يك نشریه داخلي داده ميشود.

تبصره 2- صدور مجوز انتشار نشریات داخلي سازمانهاي دولتي با رعايت ساير قوانين مربوط خواهد بود.

ماده 17- عدم رعايت ضوابط مندرج در ماده (2) قانون مطبوعات و اين آئين نامه از سوي نشریات داخلي يك سازمان، مؤسسه و شركت دولتي يا خصوصي منجر به صدور تذکر کتبي و در صورت تکرار تخلف، موجب توقيف آن خواهد شد.

ماده 18- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي براي صاحب امتياز، پروانه انتشار و براي مدير مسئول، کارت مدير مسئولی صادر مي نمايد.

ماده 19- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي مي تواند جهت اجراي ماده 11 قانون مطبوعات، تحقيقات لازم را به عمل آورده و در اختيار هیأت نظارت بر مطبوعات قرار دهد. وزارتخانهها و سازمانهاي ذيربط موظفند همكاریهاي لازم را به عمل آورند.

ماده 20- متقاضیانی که صلاحیت انتشار نشریه توسط آنان براساس بند 4 و یا تبصره 5 ماده 9 قانون مطبوعات مورد تأیید هیأت نظارت بر مطبوعات قرار نگرفته است، نمی‌توانند مجدداً تقاضای انتشار نشریه نمایند.

ماده 21- تاریخ رسمی ثبت تقاضای پروانه انتشار نشریه زمانی است که کلیه مدارک مورد نیاز، از سوی متقاضی ارائه شده باشد.

ماده 22- در صورت فوت صاحب امتیاز وارث قانونی واجد شرایط وی در تقاضای صدور امتیاز نشریه مورث خود حق تقدم دارند، مگر اینکه فاقد شرایط لازم باشند. چنانچه ورثه در مهلت قانونی مذکور، در ماده 16 قانون مطبوعات از تقاضای انتقال امتیاز خودداری کنند و یا پس از صدور امتیاز اقدام به انتشار نشریه ننمایند، پروانه انتشار لغو می‌گردد.

#### فصل سوم- تکالیف صاحبان پروانه و مدیران مسئول مطبوعات

ماده 23- مطبوعاتی که به شکل روزنامه منتشر می‌شوند مکلف به درج نام به‌طور کامل، ترتیب و تاریخ انتشار، شماره ردیف مسلسل و شماره صفحه در بالای تمام صفحات و نیز قیمت در صفحه اول می‌باشند. همچنین مطبوعاتی که به شکل مجله منتشر می‌شوند موظف به درج نام به‌طور کامل، ترتیب و تاریخ انتشار، ردیف مسلسل، تعداد صفحات و قیمت بر روی جلد و نیز قید شماره هر صفحه در تمام صفحات می‌باشند.

تبصره- اضافه کردن هرگونه کلمه و یا عبارت به نام و یا آرم نشریه به جز آنچه که در پروانه انتشار و یا مجوز چاپ نشریه ذکر شده است ممنوع می‌باشد.

ماده 24- هر يك از مطبوعات موظف به داشتن محلی به عنوان دفتر نشریه می‌باشند. صاحب پروانه نشریه موظف است نشانی محل دفتر نشریه را پس از اخذ پروانه انتشار کتباً به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام نماید.

تبصره 1- صاحب امتیاز نشریه موظف است در صورت تغییر نشانی محل دفتر نشریه، مراتب را کتباً به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و در شهرستانها به اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مربوط اطلاع دهد.

تبصره 2- توزیع نشریه خارج از محدوده جغرافیایی شخص حقوقی (صاحب امتیاز) بلامانع است. [5]

ماده 25- کلیه مکاتبات مطبوعات با امضای صاحب پروانه یا مدیر مسئول نشریه و شخص دیگری که قبلاً از طرف مدیر مسئول کتباً معرفی شده باشد معتبر می‌باشد. مکاتبات شخص معرفی شده در مواردی که قانون مطبوعات و آیین‌نامه اجرایی، را از وظایف صاحب پروانه و یا مدیر مسئول شناخته است، اعتبار ندارد.

ماده 26- کلیه مطبوعات موظفند تیراژ خود را طبق نمونه‌ای که حاوی تعداد نسخ چاپ شده و تعداد برگشتی است، به تفکیک محل توزیع به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام نمایند.

ماده 27- مدیر مسئول نشریه موظف است نام چاپخانه طرف قرارداد چاپ نشریه را کتباً به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام نماید.

ماده 28- مدیران چاپخانه‌ها می‌بایست همزمان با خروج هر شماره نشریه از چاپخانه دو نسخه در تهران به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و در شهرستانها به اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مربوط تحویل و برگ اعلام وصول دریافت دارند.

تبصره- ناشران نشریات داخلی سازمانها و موسسات نیز باید دو نسخه از نشریه خود را به محض انتشار به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مربوط تحویل دهند و برگ اعلام وصول دریافت دارند.

ماده 29- در صورت لغو پروانه انتشار نشریه با اعلام کتبی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صاحب پروانه موظف است مدارک دریافتی از قبیل پروانه انتشار، کارت مدیر مسئولی و کارتهای خبرنگاری را ظرف مدت ده روز مسترد نماید. با سوء استفاده کنندگان از این مدارک برابر قانون رفتار خواهد شد.

#### فصل چهارم- سایر مقررات

ماده 30- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بررسی و ارزیابی نشریات (تخصصی) از همکاری مراکز ذیصلاح استفاده می‌نماید.

ماده 31- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سه ماه قبل از اتمام دوره هیأت نظارت بر مطبوعات، ضمن درج آگهی در نشریات کثیرالانتشار، دعوتنامه‌ای به منظور اعلام نامزدی به مدیران به مدیران مسئول مطبوعات ارسال نموده و پس از تایید صلاحیت نامزدها توسط هیأت موضوع تبصره 4 الحاقی ماده 10 قانون مطبوعات مصوب 1365، مجدداً از کلیه مدیران مسئول جهت برگزاری انتخابات دعوت می‌نماید. جلسه با حضور اکثریت مطلق مدیران مسئول رسمیت می‌یابد و اخذ رای با ورقه و به صورت مخفی خواهد بود و نماینده انتخابی می‌بایست اکثریت مطلق آرای حاضران را بدست آورد.

تبصره 1- چنانچه در مرحله اول اکثریت حاضر نشوند جلسه بعد پس از دو هفته تشکیل و با رای اکثریت حاضران نسبت به انتخاب نماینده مدیران مسئول اقدام می‌شود.

تبصره 2- هر مدیر مسئول حتی اگر مدیر مسئولی چند نشریه را بر عهده داشته باشد دارای یک رأی خواهد بود.

تبصره 3- آن گروه از مدیران مسئولی که یکسال قبل از برگزاری انتخابات حداقل یک شماره از نشریه خود را منتشر کرده باشند و پروانه انتشار نشریه‌شان به دلیل حکم قطعی دادگاه و یا ماده 16 قانون مطبوعات توسط هیأت نظارت بر مطبوعات ابطال نشده باشد، می‌توانند در انتخابات شرکت کنند.

ماده 32- چنانچه هر یک از اعضای هیأت نظارت بر مطبوعات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا سایر مراجع رسمی، در مورد موضوع تبصره 8 الحاقی ماده 9 قانون مطبوعات- مصوب 1379- ادعایی داشته باشند، مدارک و مستندات خود را به اطلاع هیأت نظارت بر مطبوعات می‌رسانند. هیأت یاد شده در صورت احراز تخلف، در مورد رفع آن به مدیر مسئول نشریه اخطار می‌دهد. در صورت عدم رفع تخلف، موضوع جهت رسیدگی به محاکم دادگستری ارجاع می‌شود.

تبصره- متخلف در صورت محکومیت تا پایان مدت محکومیت از فعالیت مطبوعاتی محروم خواهد بود.

ماده 33- فعالیت مطبوعاتی مندرج در تبصره 8 الحاقی ماده 9 قانون مطبوعات- مصوب 1379- شامل فعالیت‌های تحریری خواهد بود که در مقابل آن حق الزحمه ثابت دریافت شود. [6]

ماده 34- در کلیه مواردی که هیأت نظارت بر مطبوعات، اختیار توقیف موقت یا لغو پروانه نشریات را دارد، باید قبل از هرگونه اتخاذ تصمیم موارد تخلف را کتباً به مدیر مسئول نشریه با قید حداقل یک هفته مهلت پاسخگویی ابلاغ نماید. [7]

ماده 35- جلسات شور و اتخاذ تصمیم هیأت منصفه، بدون حضور رئیس دادگاه برگزار خواهد شد.

تبصره- در صورتی که رئیس دادگاه حضور در برخی از موارد را ضروری بداند با تصمیم اکثریت اعضای هیأت منصفه رئیس دادگاه صرفاً برای همان موضوع در جلسه حاضر خواهد شد. [8]

ماده 36- این آیین نامه جایگزین آیین نامه اجرایی قانون مطبوعات مصوب اسفند ماه 1364، موضوع تصویب نامه شماره 111648/ت 49 مورخ 5/2/1366 و کلیه اصلاحات و الحاقات بعدی آن می‌گردد.

[1] این تبصره توسط رأی شماره 114-115 دیوان عدالت اداری مورخ 22/4/1384 ابطال شده است.

[2] بنگ. به پاورقی شماره 22

[3] بنگ. به پاورقي شماره 23

[4] بنگ. به پاورقي شماره 5

[5] اين تبصره توسط رأي شماره 114-115 ديوان عدالت اداري مورخ 22/4/1384 ابطال شده است.

[6] اين ماده توسط مصوبه شماره 63642/ت32085 هـ مورخ 1/11/1383 نسخ گرديده است.

[7] اين ماده توسط رأي شماره 114-115 ديوان عدالت اداري مورخ 22/4/1384 ابطال شده است.

[8] اين ماده همراه با تبصره‌هاش توسط رأي شماره 114-115 ديوان عدالت اداري مورخ 22/4/1384 ابطال شده است.

—

## اصولی از قانون اساسی مصوب 1358 و اصلاحی 1368

2010-08-16 · Archive ID 49

<http://www.arsehsevom.net/fa/?p=49>

عرصه سوم: قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران به مانند قانون اساسي مشروطه توجهي خاص به انجمنها و تشکلهای مدني مبذول داشته است. بارزترین جلوه این توجه را میتوان در اصول 24، 26 و 104 مشاهده نمود. بدیهي است ماهیت قوانین اساسي به گونهای است که بدون تصویب قوانین عادي در خصوص اجرايي نمودن اصول آن، ماهیت شعاري داشته و نتایج چندانتي در بر نخواهند داشت. در زیر متن این اصول را آورده ایم .

اصل 24- نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مباني اسلام یا حقوق عمومي باشد. تفصیل آن را قانون معین میکند.

اصل 26- احزاب، جمعیتها، انجمنهای سياسي و صنفی و انجمنهای اسلامي یا اقلیتهاي ديني شناخته شده[1] آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادي، وحدت ملي، موازین اسلامي و اساس جمهوري اسلامي را نقض نکنند. هیچ کس را نمیتوان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در يکي از آنها مجبور ساخت.

اصل 104- به منظور تأمین قسط اسلامي و همکاری در تهیه برنامهها و ایجاد هماهنگي در پیشرفت امور در واحدهای توليدي، صنعتي و کشاورزي، شوراهای مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران و در واحدهای آموزشی، اداري، خدماتي و مانند اینها شوراهای مرکب از نمایندگان اعضاي این واحدها تشکیل میشود. چگونگی تشکیل این شوراها و حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون معین میکند.

اصل 168- رسیدگی به جرایم سياسي و مطبوعاتي علني است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستري صورت میگیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سياسي را قانون بر اساس موازین اسلامي معین میکند.[2]

[1] بر اساس اصل سیزدهم قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران "ایرانيان زرتشتي، کليمي و مسيحي تنها اقلیتهاي ديني شناخته میشوند که در حدود قانون، در انجام مراسم ديني خود آزادند و در احوال شخصيه و تعلیمات ديني، بر طبق آئین خود عمل میکنند"

[2] با تأخيري قابل توجه، قانون تشکیل هیأت منصفه بالاخره در تاریخ 24/12/1384 به تصویب مجلس شورای اسلامي رسید.

—

## آئین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیر تجاری

2010-08-16 · Archive ID 51

<http://www.arsehsevom.net/fa/?p=51>

عرصه سوم: مواد 584 و 585 قانون تجارت وظیفه رسیدگی به ثبت تشکیلات و مؤسسات غیر تجاری را به عهده وزارت عدلیه- وزارت دادگستری کنونی- نهاده بود. وزارت مزبور در تاریخ 20 مرداد ماه 1315 هجری شمسی آئین نامهای را در این باره تصویب نموده بود ولی به خاطر برخی نواقص، مجدداً آئین نامه زیر را در سال 1337 به تصویب رسانید. این آئین نامه به علاوه مواد فوق الذکر قانون تجارت و علی الخصوص مادتين 584 و 585 مهمترین منابع حقوقی است که امروزه بر مبنای آنها عمل می‌شود.

ماده 1- مقصود از تشکیلات و مؤسسات غیر تجاری مذکور در ماده 584 قانون تجارت کلیه تشکیلات و مؤسساتی است که برای مقاصد غیر تجاری از قبیل امور علمی یا ادبی یا امور خیریه و امثال آن تشکیل می‌شود اعم از آن که مؤسسين و تشکیل دهندگان قصد انتفاع داشته یا نداشته باشند.

تبصره- تشکیلات و مؤسسات مزبور میتوانند عناوینی از قبیل انجمن، کانون یا بنگاه و امثال آن اختیار نمایند، ولی اتخاذ عناوینی که اختصاص به تشکیلات دولتی و کشوری دارد از طرف مؤسسات مزبور ممکن نخواهد بود.

ماده 2- تشکیلات و مؤسسات مزبور از لحاظ انطباق با مقررات این آئین نامه به دو قسمت میشوند:

الف- مؤسساتی که مقصود از تشکیل آن جلب منافع و تقسیم آن بین اعضای خود نباشد.

ب- مؤسساتی که مقصود از تشکیل آن ممکن است جلب منافع مادی و تقسیم منافع مزبور بین اعضای خود یا غیر باشد. مانند کانونهای فنی و حقوقی و غیره.

ماده 3- ثبت تشکیلات و مؤسسات مزبور در تهران در اداره ثبت شرکتها و در شهرستانها در اداره ثبت مرکز اصلی آن به عمل خواهد آمد.

تبصره- ثبت مؤسسات و تشکیلات غیر تجاری که در خارج از کشور به ثبت رسیده است فقط در تهران در اداره ثبت شرکتها به عمل خواهد آمد.

ماده 4- مؤسسات و تشکیلات غیر تجاری ثبت نشده که در ایران دارای فعالیت هستند موظف میباشند از تاریخ تصویب این آئین نامه ظرف دو ماه طبق مقررات مربوطه تقاضای ثبت نمایند.

تبصره- اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی به محض وصول تقاضای ثبت این قبیل مؤسسات و تشکیلات مراتب را با ذکر خصوصیات به وزارت امور خارجه اعلام میدارد و پس از موافقت آن وزارتخانه طبق مقررات اقدام به ثبت آنها خواهد نمود. [1]

فصل اول- در تسلیم اظهار نامه و ثبت مجامع و مؤسسات غیر تجاری

ماده 5- اظهار نامه ثبت تشکیلات و مؤسسات مزبور باید در دو نسخه به زبان فارسی تنظیم شده و دارای تاریخ و امضا حاوی نکات ذیل باشد:

الف- اسم و اقامتگاه و تابعیت و موضوع مؤسسه و مراکز و شعب آن.

ب- اسم و اقامتگاه و شهرت اشخاصی که برای اداره کردن مؤسسات و تشکیلات معین شده‌اند.

ج- اسم و اقامتگاه و تابعیت وکیل در صورتی که اظهار نامه وسیله وکیل تنظیم شده باشد.

د- تاریخ ثبت و محل و شماره ثبت نام کشوری که مؤسسه در آن به ثبت رسیده در صورتی که مؤسسات یا تشکیلات مذکور در خارج از ایران به ثبت رسیده باشد.

ه- تعیین ضmann اظهار نامه

ماده 6- اظهار نامه باید دارای ضمائم زیر باشد:

الف- نسخه اصلی یا رونوشت وکالتنامه در صورتی که تقاضا به توسط وکیل داده شده باشد.

ب- رونوشت گواهی شده تصدیق کشوری که مؤسسات یا تشکیلات مزبور در آنجا به ثبت رسیده به انضمام ترجمه مصدق آن به فارسی.

ج- دو نسخه اساسنامه و دو نسخه ترجمه مصدق آن در صورتیکه اصل اساسنامه به زبان خارجی باشد.

د- در صورت مجلس مجمع عمومی مبنی بر انتخاب هیأت مدیره و معرفی کسانی که حق امضا دارند.

ه- يك نسخه اجازه نامه حاصله از شهربانی [2] در صورتیکه موضوع ثبت طبق مدلول ردیف الف از ماده 2 این آئین نامه باشد.

ز- رسید پرداخت حق الثبت.

ماده 7- در صورتیکه ظرف 15 روز بعد از وصول اظهار نامه معلوم گردد که تقاضای ثبت دارای نواقصی می باشد، دفتر اداره ثبت شرکتها به متقاضی اخطار میکند که نواقص را ظرف مدت پانزده روز رفع کند و چنانچه در ظرف مدت مذکور اقدامی برای رفع نواقص نکند و یا اصولاً تقاضای ثبت غیر قابل قبول باشد، رئیس اداره ثبت شرکتها اقدام به رد آن خواهد کرد. در شهرستانها این اقدام بر عهده ادارات ثبت میباشد.

ماده 8- در صورتی که تقاضای ثبت قبول شود، مراتب در دفتر مخصوصی ثبت و ورقه حاکی از تصدیق ثبت به تقاضا کننده داده میشود و خلاصه آن نیز به خرج متقاضی در روزنامه رسمی و یکی از روزنامههای کثیر الانتشار برای اطلاع عموم منتشر خواهد گردید.

ماده 9- مؤسسات و تشکیلات مذکور باید کلیه تغییراتی که در مواد اساسنامه و یا اشخاصی که حق امضا دارند و یا اقامتگاه قانونی آنها پیدا میشود، ظرف يك ماه به اداره ثبت شرکتها اطلاع دهند و مادام که اطلاع نداده اند استناد به آن تغییرات در مقابل اشخاص ثالث معتبر نخواهد بود.

فصل دوم- در انحلال تشکیلات و مؤسسات غیر تجاری

ماده 10- در صورت انحلال مؤسسات و تشکیلات مذکور در این آئین نامه، هرگاه انحلال اختیاری باشد تصفیه امور آن توسط مدیر آن بر طبق شرایط مقرر در اساسنامه به عمل میآید و در صورتیکه در اساسنامه متصدی امر تصفیه و ترتیب آن معین نشده باشد مجمع عمومی باید در موقع تصمیم به انحلال يك نفر را برای تصفیه انتخاب کرده و حدود اختیارات او را معین کند.

ماده 11 - در صورتیکه مؤسسه به موجب حکم محکمه منحل گردید و در اساسنامه متصدی امور تصفیه معین نشده باشد محکمه در ضمن حکم انحلال يك نفر را برای تصفیه معین میکند و در این قبیل موارد، تصفیه امور مربوطه بر طبق قانون تجارت و تصفیه امور شرکتها خواهد بود.

فصل سوم- حق الثبت تشکیلات و مؤسسات غیر تجاری

ماده 12- حق الثبت تشکیلات و مؤسسات غیر تجاری مطابق تعرفه ذیل خواهد بود:

الف- تشکیلات و مؤسساتی که هیچ عایدی ندارند 750 ریال

ب- تشکیلات و مؤسساتی که دارائی آنها به موجب اساسنامه يك میلیون ریال یا 1500 ریال کمتر باشد

ج- مؤسساتی که دارائی آنها از يك میلیون ریال زیادتیر باشد 3000 ریال

ماده 13- برای ثبت هر تغییری نصف حق الثبت اولیه دریافت و سایر مقررات این آئین نامه رعایت خواهد شد.

تبصره- بر کلیه حقوقی که به موجب این آئین نامه دریافت میشود، صدمی بیست و پنج موضوع ماده 135 قانون ثبت اسناد و املاک [3] علاوه میگردد.

ماده 14- این آئین نامه پس از ده روز از تاریخ انتشار در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی قابل اجرا خواهد بود و آئین نامه شماره 15409 مورخ 20 مرداد 1315 نسخ میشود.

[1] این تبصره در تاریخ 13/11/1347 به تصویب وزارت دادگستری رسیده و به آئین نامه الصاق شده است.

[2] بر اساس قانون تشکیل نیروی انتظامی مصوب 27/4/1369 شهربانی جای خود را به نیروی مزبور داد.

[3] بنگ. به پاورقی شماره 7

—

## قانون تجارت مصوب سیزدهم اردی بهشت ماه 1311

2010-08-16 · Archive ID 52

<http://www.arsehsevom.net/fa/?p=52>

عرصه سوم- قانون تجارت ایران نخستین قانون عادی میباشد که به موضوع مؤسسات غیر تجاری پرداخته است. اهمیت این قانون از این رو است که اولاً آغازگر تدوین قوانین و مقررات مربوط در ایران بوده و ثانیاً در فقدان قانونی که مستقیماً به موضوع مؤسسات غیر تجاری بپردازد، به عنوان قانون مادر هنوز در دادگاهها قابل استناد است. در زیر مواد مربوط را عیناً نقل می کنیم:

ماده 584- تشکیلات و مؤسساتی که برای مقاصد غیر تجاری تأسیس بشوند از تاریخ ثبت در دفتر ثبت مخصوصی که وزارت عدلیه [1] معین خواهدکرد، شخصیت حقوقی پیدا میکنند.

ماده 585- شرایط ثبت مؤسسات و تشکیلات مذکور در ماده فوق به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد. حق الثبت مؤسسات و تشکیلات مطابق نظامنامه از پنج ریال طلا تا پنج پهلوی و به علاوه مشمول ماده 135 قانون ثبت اسناد و املاک [2] است.

ماده 586- مؤسسات و تشکیلاتی را که مقاصد آنها مخالف با انتظامات عمومی یا نا مشروع است نمیتوان ثبت کرد.

ماده 588- شخص حقوقی میتواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد، مانند حقوق و وظایف ابوت، بنوت و امثال ذلك.

ماده 589- تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که به موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند، گرفته میشود.

ماده 590- اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجا است.

ماده 591 - اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است.

[1] وزارت دادگستری کنونی

[2] قانون ثبت اسناد و املاک مصوب 26/12/1310. ماده مزبور اشعار میدارد: "بر کلیه حقوقی که اداره ثبت به موجب مواد فوق [مواد فصل هفتم آن قانون] مأخوذ می دارد به استثنای حق الاجرا صدمی بیست و پنج اضافه می شود.

عواید حاصله از صدمی بیست و پنج فوق الذکر در حساب مخصوص گذارده شده و سرمایه ذخیره خاصی را تشکیل خواهد داد. سرمایه مزبور منحصرأ و به ترتیب ذیل به مصرف خواهد رسید:

الف - براي تکميل تشکيلات و توسعه اداره ثبت اسناد و املاک در مملکت منتها سي درصد.

ب - براي تکميل تشکيلات عدليه و توسعه آن در مملکت هفتاد درصد.

صرف ذخيره فوق الذكر در غير موارد مذکور فوق، ممنوع است."

—

## قانون فعاليت احزاب، جمعيتها و انجمنهای سياسی و صنفی و انجمنهای اسلامی

2010-08-16 · Archive ID 55

<http://www.arsehsevom.net/fa/?p=55>

### فصل اول- تعاريف

ماده 1- حزب، جمعيت، انجمن، سازمان سياسی و امثال آنها تشکيلاتی است که دارای مرامنامه و اساسنامه بوده و توسط يك گروه اشخاص حقیقی معتقد به آرمانها و مشی سياسی معين تأسيس شده و اهداف، برنامهها و رفتار آن به صورتی به اصول اداره کشور و خط مشی کلی نظام جمهوری اسلامی ايران مربوط میباشد.

ماده 2- انجمن، جمعيت، اتحادیه صنفی و امثال آن تشکيلاتی است که به وسیله دارندگان کسب یا پیشه یا حرفه و تجارت معين تشکیل شده، اهداف، برنامهها و رفتار آن به گونهای در جهت منافع خاص مربوط به آن صنف باشد.

ماده 3- انجمن اسلامی هر واحد اداری، آموزشی صنفی، صنعتی و یا کشاورزی تشکيلاتی است مرکب از اعضای داوطلب همان واحد که هدف آن شناختن و شناساندن اسلام، امر به معروف و نهی از منکر و تبلیغ و گسترش انقلاب اسلامیباشد.

ماده 4- انجمن اقلیتهای دینی موضوع اصل 13 قانون اساسی[2] تشکيلاتی است مرکب از اعضای داوطلب همان اقلیت دینی که هدف آن، حل مشکلات و بررسی مسائل دینی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی ویژه آن اقلیت باشد.

ماده 5- منظور از کلیه گروههای مذکور در مواد بعدی این قانون، احزاب، جمعيتها، انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده موضوع اصل 26 قانون اساسی[3] میباشد.

### فصل دوم- حقوق گروهها

ماده 6- فعاليت گروهها آزاد است مشروط بر اینکه مرتکب تخلفات مندرج در بندهای ماده 16 این قانون نگردند.

تبصره 1- کلیه گروهها موظفند مرامنامه، اساسنامه، هویت رهبری خود و تغییرات بعدی آنها را به اطلاع وزارت کشور برسانند.

تبصره 2- برگزاری راهپیمایی با اطلاع وزارت کشور بدون حمل سلاح در صورتی که به تشخیص کمیسیون ماده 10 محل به مبانی اسلام نباشد و نیز تشکیل اجتماعات در میداين و پارکهای عمومی با کسب مجوز از وزارت کشور آزاد است.

ماده 7- کلیه اعضای ساواک منحل، فراماسونها، کسانی که در فاصله 28 مرداد 1332 تا 22 بهمن 1357 به وزارت رسیده و یا به عضویت مجلس سنا یا شورای ملی در آمدهاند، گردانندگان رژیم سابق و حزب رستاخیز و کسانی که به موجب احکام دادگاهها طبق موازين اسلامی از حقوق اجتماعی محروم شده و یا میشوند، از حق تأسيس جمعيت و حزب سياسی و یا شرکت در هیأت رهبری آن محرومند.

ماده 8- به وزارت کشور اختیار داده میشود با رعایت این قانون نسبت به ثبت گروهها و صدور پروانه برای آنها اقدام نماید.

ماده 9- پرونده مربوط به تقاضای صدور پروانه که طبق آئین نامه اجرایی این قانون تنظیم میشود حداکثر ظرف یک ماه به وسیله وزارت کشور به کمیسیون ماده 10 این قانون احاله و پس از تصویب کمیسیون، ظرف 10 روز پروانه گروهها با امضای وزیر کشور صادر خواهد شد.

ماده 10- به منظور صدور پروانه جهت متقاضیان و نظارت بر فعالیت گروهها و انجام وظایف مطروحه در این قانون، کمیسویی به شرح زیر در وزارت کشور تشکیل میگردد:

1- نماینده دادستان کل کشور

2- نماینده شورای عالی قضایی[4]

3- نماینده وزارت کشور

4- دو نماینده به انتخاب مجلس شورای اسلامی از بین داوطلبانی که از داخل مجلس و یا خارج آن به معرفی یکی از نمایندگان، حداکثر تا یک هفته قبل از انتخابات کتبی به کمیسیون داخلی معرفی شده باشند. تاریخ انتخابات حداقل 15 روز قبل توسط رئیس مجلس در جلسه علنی اعلام خواهد شد.

تبصره 1 - نمایندگان مذکور باید ظرف یک ماه از تاریخ تصویب این قانون انتخاب و به وزارت کشور معرفی شوند و وزیر کشور حداکثر تا ده روز پس از آن موظف به تشکیل اولین کمیسیون میباشد.

تبصره 2 - نمایندگان فوق الذکر برای مدت دو سال انتخاب میشوند.

تبصره 3 - کمیسیون میتواند از نمایندگان سایر سازمانها و افراد صاحب نظر جهت مشاوره دعوت به عمل آورد. جلسات کمیسیون با حضور دو سوم اعضا رسمیت یافته و تصمیمات آن با اکثریت مطلق مجموع اعضای کمیسیون معتبر خواهد بود.

تبصره 4 - هزینه کمیسیون از محل اعتبارات وزارت کشور (برنامه امور سیاسی و اجتماعی) تأمین میگردد.

ماده 11 - اساسنامه و مرامنامه گروهها پس از صدور پروانه باید به هزینه مؤسسين در روزنامه رسمي چاپ و منتشر گردد.

ماده 12 - کمیسیون مذکور در ماده ده موظف است به پروندههای رسیده به نوبت رسیدگی نماید و در صورتی که پس از رسیدن نوبت ظرف سه ماه بدون ارائه دلیل اعلام نظر ننماید، وزارت کشور موظف است پروانه درخواست شده را صادر کند.

ماده 13 - مرجع رسیدگی به شکایات گروهها از کمیسیون موضوع ماده 10 محاکم دادگستری با رعایت اصل 168 قانون اساسی[5] میباشد و رأی صادره قطعی است.

ماده 14 - گروههای متقاضی پروانه باید در اساسنامه و مرامنامه خود صراحتاً التزام خود را نسبت به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان کنند.

ماده 15- هرگونه تغییری در هیأت رهبری، مرامنامه و اساسنامه گروهها باید به کمیسیون موضوع ماده 10 اعلام و توسط آن مورد رسیدگی قرار گیرد.

تبصره 1- چنانچه تغییرات اعلام شده موضوع ماده 15 موجب مغایرت اساسنامه و یا مرامنامه گروه با ماده 14 بشود یا بعضی از اعضای هیأت رهبری مشمول ماده 7 گردد، کمیسیون ماده 10 پروانه گروه را توقیف خواهد نمود.

تبصره 2- ظرف يك ماه از تاريخ ابلاغ توقيف و يا اعلان آن در يكي از روزنامه‌هاي كثير الانتشار، گروه‌ي كه پروانه او توقيف شده است مي‌تواند به دادگاه شكايه كند. دادگاه ظرف سه ماه رسيدگي نموده رأي قطعي صادر خواهد نمود.

ماده 16- گروه‌هاي موضوع اين قانون بايد در نشريات، اجتماعات و فعاليتهاي ديگر خود از ارتكاب موارد زير خودداري كنند:

الف) ارتكاب افعالي كه به نقض استقلال کشور منجر شود.

ب) هر نوع اطلاعات، مبادله اطلاعات، تباني و مواضعه با سفارتخانه‌ها، نمايندگي‌ها، ارگان‌هاي دولتي و احزاب کشورهاي خارجي در هر سطح و به هر صورت كه به آزادي استقلال، وحدت ملي و مصالح جمهوري اسلامي ايران مضر باشد.

ج) دريافت هرگونه كمك مالي و تداركاتي از بيگانگان.

د) نقض آزاديهاي مشروع ديگران.

ه) ايراد تهمة، افترا و شايعه پراكني.

و) نقض وحدت ملي و ارتكاب اعمالی چون طرح ريزي براي تجزيه کشور.

ز) تلاش براي ايجاد و تشديد اختلاف ميان صفوف ملت با استفاده از زمينه‌هاي متنوع فرهنگي و مذهبي و نژادي موجود در جامعه ايران.

ح) نقض موازين اسلامي جمهوري اسلامي.

ط) تبليغات ضد اسلامي و پخش كتب و نشريات مضله.

ي) اختفا و نگهداري و حمل اسلحه و مهمات غير مجاز.

ماده 17 - در صورتي كه فعاليت تشكيلاتي يك گروه منشأ تخلفات مذکور در ماده 16 باشد، كميسيون مي‌تواند بر حسب مورد به تفصيل زير عمل نمايد.

1- تذکر کتبي

2- اخطار

3- توقيف پروانه

4- تقاضاي انحلال از دادگاه

ماده 18- بوجه گروه‌ها بايد از طريق مشروع و قانوني تأمين و به شكل مشروع و قانوني صرف گردد.

تبصره- درآمد و هزينه گروه‌هاي پروانه دار بايد در دفاتر قانوني ثبت گردد و در پايان سال مالي براي بررسي در اختيار كميسيون ماده 10 قرار گيرد.

ماده 19- شوراي عالي قضايي [6] موظف است ظرف يك ماه از تاريخ تصويب اين قانون لايحه تشكيال هيأت منصفه محاکم دادگستري [7] موضوع اصل 168 قانون اساسي [8] را تهيه و با رعايت اصل 74 قانون اساسي [9] تقديم مجلس نمايد.

قانون فوق مشتمل بر نوزده ماده و نه تبصره در جلسه روز شنبه هفتم شهريور ماه يک‌هزار و سيصد و شصت به تصويب مجلس شوراي اسلامي رسيده است.

[1] کنوانسیون مزبور دارای يك مقدمه، 4 بخش و 21 ماده بوده و توسط اکثریت کشورها به تصویب رسیده است. ایران به این کنوانسیون ملحق نشده است.

[2] بنگ. به پاورقي شماره 5

[3] بنگ به همین مجموعه ص 14

[4] مقام ریاست قوه قضائیه در بازنگری قانون اساسی مورخ 1368 با هدف ایجاد تمرکز در امور قضایی کشور جایگزین شورای عالی قضایی شد.

[5] اصل مزبور اشعار میدارد: "رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت میگیرد. نحوه انتخاب، شرائط و اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی تعیین میکند".

[6] بنگ. به پاورقي شماره 14

[7] بنگ. پاورقي شماره 6

[8] بنگ. به پاورقي شماره 15

[9] بر اساس اصل 74 قانون اساسی "لوائح قانونی پس از تصویب هیأت وزیران به مجلس تقدیم میشود و طرحهای قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان در مجلس شورای اسلامی قابل طرح است".

—

## آئین نامه اجرایی فعالیت احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی و اقلیتهای دینی مربوط به قانون احزاب

2010-08-16 · Archive ID 56

<http://www.arsehsevom.net/fa/?p=56>

عرصه سوم: قوانین برای اینکه به مرحله اجرا برسند باید تبدیل به آئین نامه و بخشنامههای اداری بشوند. اصل 138 قانون اساسی مقام تصویب آئین نامه را حسب مورد هیأت وزیران و نیز هر يك از وزرا قرار داده است. بر این اساس، هیأت وزیران در جلسه مورخ 30/3/1361 بنا به پیشنهاد شماره 43/4/2006 مورخ 31/1/1361 وزارت کشور، آئین نامه اجرایی قانون فعالیت احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی و اقلیتهای دینی مربوط به قانون مصوب 7/6/1360 مجلس شورای اسلامی را به شرح ذیل تصویب نمود. در هر حال آئین نامههای اداری نباید مغایر با قوانین (مقررات برتر) باشند.

### فصل اول- تشکیل گروهها

ماده 1- در این آئین نامه به جای احزاب، سازمانها و جمعیتها و انجمنهای سیاسی کلمه گروهها یا گروه به کار برده میشود.

ماده 2- تأسیس کنندگان گروه (هیأت مؤسس) اشخاص حقیقی هستند که دارای شرایط زیر میباشند:

الف: نداشتن سوابق سوء مندرج در ماده 7 قانون احزاب[1]

ب: داشتن حداقل 25 سال تمام

ج: التزام به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

د: تابعیت ایران[2]

ه: نداشتن سوء پیشینه کیفری [3] و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی [4]

تبصره 1- حداقل تعداد اعضای هیأت مؤسس و یا رهبری 3 نفر می باشد.

ماده 3- متقاضیان تشکیل گروه باید این مدارک را در تهران و شهرستانها به فرمانداری محل تسلیم نمایند و رسید دریافت دارند:

الف ( برگ درخواست طبق فرم وزارت کشور در 5 نسخه

ب) برگ مشخصات هیأت رهبری و اجرایی کشور در 5 نسخه

ج) مرامنامه اساسنامه و آئین نامه انضباطی- مالی گروه در 2 نسخه

د) فتوکپی مصدق شناسنامه اعضای هیأت مؤسس، رهبری و اجرایی هر یک در 4 برگ

ه) گواهی عدم سوء پیشینه [5] برای هر یک از اعضای هیأتها، مؤسس، رهبری و اجرایی

و) عکس جدید تمام رخ 4×6 شش قطعه

تبصره 1- هیأت رهبری به مجموعه افرادی اطلاق میشود که اجرای تصمیمات متخذه در هیأت رهبری و سایر کارهای اجرای گروه را به عهده دارند.

تبصره 2- مرامنامه گروه باید مبین این نکات باشد:

الف) آرمانها، نوع بینش نسبت به ادیان رسمی، مسائل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، نظامی، اداری، قضایی و نظام قانون گذاری.

ب) هدف از تشکیل گروه.

ج) خط مشی که برای رسیدن به هدف انتخاب میشود.

تبصره 3- اساسنامه باید حاوی این نکات باشد:

الف- نوع تشکیلات

ب- ارکان تشکیلات و تعریف و شرح وظایف و نحوی فعالیت و حدود اختیارات و مسئولیت هر رکن.

ج- نحوی تصویب مرامنامه و اساسنامه و تغییر و یا تجدید نظر در آنها.

د- نحوه تصویب آئین نامه های اجرایی و دستور العملها.

ه- نحوه تعیین هیأت رهبری و مسئولین اجرایی.

و- منابع مالی.

ز- شرایط عضویت.

ح- نحوه انحلال.

تبصره 4- تشخیص صلاحیت مسئولین ارکان به عهده کمیسیون ماده 10 می باشد.

ماده 4 - تقاضای تشکیل دفاتر فرعی در هر شهرستان باید به فرمانداری محل تسلیم شود. فرمانداری با در نظر گرفتن مسائل امنیتی، سیاسی و اجتماعی محل نسبت به درخواست واصله اظهار نظر مینماید و نتیجه را

به استناداري ارسال و استاندار ضمن اظهار نظر صريح مراتب را جهت اتخاذ تصميم به وزارت كشور اعلام مي-  
كند.

تبصره 1- محل انبار، چاپخانه، تشكيل كلاس و نمايشگاهها و كتابخانهها و نظاير آن مشمول ماده فوق ميگردد.

تبصره 2- گروهها به جز محلهاي مذكور در ماده 4 و تبصره 1 ماده 4 دفاتر خود در جاي ديگر بدون اطلاع و  
اجازه وزارت كشور حق فعاليت ندارند. در صورت مشاهده تحت تعقيب قانوني قرار ميگيرند.

ماده 5- هرگونه تغيير در اساسنامه و مرامنامه بايد لااقل 1 هفته قبل از اين كه به موقع اجرا گذاشته شود از  
طريق فرمانداري مربوط به اطلاع وزارت كشور برسد.

تبصره 1- اساسنامه و مرامنامه و تغييرات آن پس از تأييد كميسيون ماده 10 با هزينه گروه بايد در روزنامه  
رسمي كشور جمهوري اسلامي چاپ شود.

تبصره 2- اساسنامه و مرامنامه تغيير يافته پس از چاپ در روزنامه رسمي كشور جمهوري اسلامي ايران  
رسميت يافته و قابل اجرا ميباشد.

ماده 6- هرگونه تغيير هيأت رهبري و كادر اجرايي بايد كتباً طي نامه رسمي و مهور به مهر گروه ظرف 1 هفته  
به فرمانداري محل اطلاع داده شود.

تبصره - اعضاي هيأت رهبري يا اجرايي جديد بايد با در دست داشتن معرفي نامه رسمي از گروه مربوطه  
شخصاً در فرمانداري محل حضور يافته و برگ مشخصات مربوط به خود را تكميل نمايد.

ماده 7- كليه كارهاي مقدماتي لازم براي تصميم گيري كميسيون ماده 10 (دريافت تقاضاي تكميل فرمهاي  
مربوطه، تحقيقات لازم و نظاير آن) به عهده وزارت كشور ميباشد.

ماده 8- پس از تسليم كليه مدارك مذكور در قانون توسط متقاضي، وزارت كشور ظرف مدت يك ماه تحقيقات  
لازم پيرامون هيأت مؤسس و ساير مسئولين را انجام داده و پرونده تسليم شده را به كميسيون ماده 10 احاله  
و شماره ردیف مربوطه را به متقاضي خواهد داد.

فصل دوم - كميسيون ماده 10 قانون احزاب

ماده 9 - محل تشكيل جلسات كميسيون در وزارت كشور ميباشد.

ماده 10 - كميسيون حداقل با حضور 4 نفر از اعضاي خود رسميت پيدا ميكند.[6]

ماده 11- وزير كشور فردي را به عنوان دبیر كميسيون انتخاب مينمايد.[7]

تبصره - اگر دبیر كميسيون از بين اعضاي كميسيون نباشد، حق رأي ندارد.

ماده 12 - افراد مورد نیاز براي دبیرخانه كميسيون از طرف وزارت كشور در اختيار كميسيون قرار داده ميشود.

تبصره - اعتبار لازم براي تأمین هزینههاي كميسيون در برنامه سياسي و اجتماعي بودجه وزارت كشور منظور  
ميگردد.

ماده 13 - اداره جلسات كميسيون به عهده نماينده وزارت كشور ميباشد.

ماده 14 - كليه مكاتبات و يا دعوتنامهها با امضاي دبیر انجام ميگيرد.

ماده 15- مسئوليت برنامه ريزي و تنظيم جلسات و دعوت از ساير اعضاي كميسيون به عهده دبیر كميسيون مي-  
باشد.

ماده 16- کمیسیون به منظور مشورت میتواند از نمایندگان سایر دستگاهها و افراد صاحب نظر دعوت بعمل آورد.

تبصره 1- کسانی که به منظور مشاوره دعوت میشوند حق رأی ندارند.

ماده 17 - دعوت از سازمانها و یا افراد صاحب نظر میتواند به پیشنهاد هر يك از اعضاي کمیسیون و موافقت دو نفر دیگر از اعضا صورت گیرد.

ماده 18 - مصوبات کمیسیون با حداقل 3 رای معتبر و قابل اجرا خواهد بود.

ماده 19- اتخاذ تصمیم در مورد صدور و یا عدم صدور پروانه متقاضیان تشکیل گروه به عهده کمیسیون میباشد که پس از ارائه پرونده کامل که حاوی نظریه وزارت کشور باشد انجام خواهد شد.

ماده 20 - کمیسیون موظف است تاریخ شروع رسیدگی به هر پرونده را به وزارت کشور و متقاضی اعلام دارد.

ماده 21- کمیسیون ماده 10 رسیدگی به تخلفات گروهها را خارج از نوبت قرار میدهد.

ماده 22- توقیف پروانه گروه کتباً به گروه ابلاغ و در روزنامههای کثیرالانتشار آگهی میشود.

ماده 23- کمیسیون مکلف است قبل از طرح هر پرونده نتیجه رسیدگی به پرونده نوبت قبل را اعلام دارد.

ماده 24- تدوین هر نوع روش کار یا نظامنامه داخلی و هرگونه تغییر در آنها با توافق اکثریت مطلق اعضاي کمیسیون مورد تصویب قرار میگیرد.

ماده 25- هر يك از اعضاي کمیسیون در صورتی که استعفا دهند مکلف است تا تعیین جانشین در جلسات کمیسیون کما فی السابق شرکت کند.

ماده 26- حداکثر يك ماه قبل از خاتمه دوره نمایندگی اعضاي کمیسیون وزارت کشور مراتب را جهت تعیین نمایندگان جدید به مراجع مربوطه اعلام میکند.

ماده 27- پس از تصویب آئین نامه اجرایی کمیسیون در اولین جلسه رسمی خود روش کار و نظامنامه داخلی خود را تنظیم مینماید.

[1] بنگ. به همین مجموعه ص 25

[2] برای کسب اطلاع دقیق از مفهوم تابعیت در حقوق ایران بنگ. به مواد 976 الي 991 (کتاب دوم از جلد دوم) قانون مدني مصوب 14- 1313

[3] بر اساس ماده واحده مصوب... "مراد از محکومیتهاي کیفری مؤثر گفته شده در قوانین جزایی مصوب مجلس شورای اسلامی عبارت است از:

(۱) محکومیت به حد.

(۲) محکومیت به قطع یا نقص عضو.

(۳) محکومیت لازم الاجرا به مجازات حبس از يك سال به بالا در جرایم عمومی.

(۴) محکومیت به جزای نقدی به مبلغ بیست میلیون ریال و بالاتر (اصلاحی سال ۱۳۸۲).

(۵) سابقه محکومیت لازم الاجرا دوبار یا بیش تر به علت جرمهای عمدي با هر میزان مجازات.

[4] بر اساس ماده 62 مکرر قانون مجازات اسلامي "حقوق اجتماعي عبارت است از حقوقي که قانونگذار براي اتباع کشور جمهوري اسلامي ايران و ديگر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور کرده و سلب آن به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح است. از قبیل:

(۱) حق انتخاب شدن در مجلس شوراي اسلامي، خبرگان و عضویت در شوراي نگهبان و انتخاب شدن به ریاست جمهوري.

(۲) عضویت در انجمنها، شوراها و جمعیتهاي که اعضاي آن به موجب قانون انتخاب میشوند.

(۳) عضویت در هیأتهاي منصفه و امنا.

(۴) اشتغال به مشاغل آموزشي و روزنامه نگاري.

(۵) استخدام در وزارتخانهها، سازمانهاي دولتي، شرکتهای، مؤسسههای وابسته به دولت، شهرداریها، مؤسسههای مأمور به خدمات عمومي، ادارههای مجلس شوراي اسلامي و شوراي نگهبان و نهادهای انقلابي.

(۶) وکالت دادگستري و تصدي دفاتر اسناد رسمي و ازدواج و طلاق و دفترياري.

(۷) انتخاب شدن به عنوان داوري و کارشناسي در مراجع رسمي.

(۸) استفاده از نشان و مدالهاي دولتي و عناوين افتخاري".

[5] بنگ به پاورقي شماره 22

[6] مصوب هیأت وزیران در جلسه مورخ 18/12/1378 با توجه به نظر ریاست محترم مجلس شوراي اسلامي (موضوع نامه شماره 2365 هـ / ب مورخ 16/5/1378)

[7] مصوب هیأت وزیران در مورخ 7/9/1378 بنا بر پیشنهاد وزارت کشور

—

## قانون مطبوعات

2010-08-16 · Archive ID 57

<http://www.arsehsevom.net/fa/?p=57>

عرصه سوم: "نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه محل به مباني اسلام یا حقوق عمومي باشند. تفصیل آنرا قانون معین میکند"- اصل 24 قانون اساسي

مطبوعات یکی از مهمترین عناصر جامعه مدني را تشکیل میدهد. عرصه جامعه مدني بدون حضور مطبوعات مستقل و کارآمد میتواند به يك رشته تشکلهای و انجمنها که در بهترین شرایط به ارائه خدمات و برخي فعاليتهاي نهادينه شده و برنامه ريزي شده میپردازند فرو کاسته شود. مطبوعات در صورت وجود و تمتع از حق آزادي بیان میتوانند مهمترین تکیه گاه جامعه مدني باشند. در واقع مطبوعات به خاطر داشتن التزام به "به روز" بودن، انقلابيترین بخش هر جامعه مدني میباشد. قانون مطبوعات فعلي ايران در سال 1364 تصویب شده و سپس در سال 1379 اصلاحات آن نیز در مجلس شوراي اسلامي مورد تصویب نمایندگان قرار گرفت.

### فصل اول- تعریف مطبوعات

ماده 1- مطبوعات در این قانون عبارتند از نشریاتي که به طور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف در زمینهای گوناگون خبري، انتقادي، اجتماعي، سياسي، اقتصادي، کشاورزي، فرهنگي، ديني، علمي، فني، نظامي، هنري، ورزشي و نظایر اینها منتشر میشوند.

تبصره 1- انتشار فوق العاده اختصاص به نشریه ای دارد که به طور مرتب انتشار می یابد.

تبصره 2- نشریه ای که بدون اخذ پروانه از هیأت نظارت بر مطبوعات منتشر گردد از شمول قانون مطبوعات خارج بوده و تابع قوانین عمومی است.

تبصره 3- کلیه نشریات الکترونیکی مشمول مواد این قانون است.

فصل دوم- رسالت مطبوعات

ماده 2- رسالتی که مطبوعات در نظام جمهوری اسلامی بر عهده دارند عبارت است از:

الف- روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم در يك يا چند زمینه مورد اشاره در ماده 1.

ب- پیشبرد اهدافی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان شده است.

ج- تلاش برای نفی مرزبندی های کاذب و تفرقه انگیز و قرار ندادن اقشار مختلف جامعه در مقابل یکدیگر، مانند دسته بندی مردم بر اساس نژاد، زبان، رسوم، سنن محلی و...

د- مبارزه با مظاهر فرهنگ استعماری ( اسراف، تبذیر، لغو، تجمل پرستی، اشاعه فحشا و ...) و ترویج و تبلیغ فرهنگ اصیل اسلامی و گسترش فضائل اخلاقی.

ه- حفظ و تحکیم سیاست نه شرقی و نه غربی.

تبصره- هر يك از مطبوعات باید حداقل در تحقق یکی از موارد فوق الذکر سهم و با موارد دیگر به هیچ وجه در تضاد نبوده و در مسیر جمهوری اسلامی باشد.

فصل سوم- حقوق مطبوعات

ماده 3- مطبوعات حق دارند نظرات، انتقادات سازنده، پیشنهادهای، توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند.

تبصره- انتقاد سازنده مشروط به دارا بودن منطق و استدلال و پرهیز از توهین، تحقیر و تخریب می باشد.

ماده 4- هیچ مقام دولتی و غیر دولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله ای در صدد اعمال فشار بر مطبوعات بر آید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند.

ماده 5- کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد با رعایت این قانون حق قانونی مطبوعات است.

تبصره 1- متخلف از مواد 4 و 5 به شرط داشتن شاکه به حکم دادگاه به انفصال خدمت از شش ماه تا دو سال و در صورت تکرار به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم خواهد شد.

تبصره 2- مصوبات شورای عالی امنیت ملی برای مطبوعات لازم الاتباع است در صورت تخلف، دادگاه میتواند نشریه مختلف را موقتاً تا دو ماه توقیف و پرونده را خارج از نوبت رسیدگی کند.

تبصره 3- مطالب اختصاصی نشریات اگر به نام پدیدآورنده اثر (به نام اصلی یا مستعار) منتشر شود به نام او و در غیر این صورت به نام نشریه، مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان می باشد.

فصل چهارم- حدود مطبوعات

ماده 6- نشریات جز در موارد اخلال به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی که در این فصل مشخص می شوند آزادند.

1- نشر مطالب الحادي و مخالف موازين اسلامي و ترويج مطالبی که به اساس جمهوري اسلامي لطمه وارد کند.

2- اشاعه فحشا و منكرات و انتشار عكسها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومي.

3- تبليغ و ترويج اسراف و تبذير.

4- ايجاد اختلاف ما بين اقشار جامعه، به ویژه از طريق طرح مسائل نژادي و قومي.

5- تحريض و تشويق افراد و گروهها به ارتكاب اعمالی عليه امنيت، حيثيت و منافع جمهوري اسلامي ايران در داخل يا خارج.

6- فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسائل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح جمهوري اسلامي، نقشه و استحکامات نظامي، انتشار مذاکرات غير علني مجلس شوراي اسلامي و محاکم غير علني دادگستري و تحقيقات مراجع قضايي بدون مجوز قانوني.

7- اهانت به دين مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبري و مراجع مسلم تقليد.

8- افترا به مقامات، نهادها، ارگانها و هر يك از افراد كشور و توهين به اشخاص حقيقي و حقوقي که حرمت شرعي دارند، اگر چه از طريق انتشار عكس يا كاريكاتور باشد.

9- سرقتهاي ادبي و همچنین نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروههاي منحرف و مخالف اسلام ( داخلي و خارجي) به نحوي که تبليغ از آنها باشد (حدود موارد فوق را آيين نامه مشخص مي کند).

10- استفاده ابزاري از افراد (اعم از زن و مرد) در تصاویر و محتوي تحقير و توهين به جنس زن، تبليغ تشریفات و تجملات نامشروع و غير قانوني.

تبصره 1- سرقت ادبي عبارت است از نسبت دادن عمدي تمام يا بخش قابل توجهي از آثار و نوشته هاي ديگران به خود يا غير ولو به صورت ترجمه.

تبصره 2- متخلف از موارد مندرج در اين ماده مستوجب مجازاتهاي مقرر در ماده 698 قانون مجازات اسلامي خواهد بود و در صورت اصرار مستوجب تشديد و لغو پروانه مي باشد.

11- پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و يا مطالب تحريف ديگران

12- انتشار مطلب عليه قانون اساسي

ماده 7- موارد ذیل ممنوع است:

موارد زیر ممنوع و جرم محسوب میشود:

الف - چاپ و انتشار نشریهایی که پروانه برای آن صادر نشده و یا پروانه آن لغو گردیده است و یا به دستور دادگاه به طور موقت یا دائم تعطیل گردیده است.

ب- انتشار نشریه به گونه ای که اکثر مطالب آن مغایر باشد با آنچه که متقاضی به نوع آن متعهد شده است.

ج- انتشار نشریه به نحوی که با نشریات موجود یا نشریاتی که به طور موقت یا دائم تعطیل شده اند از نظر نام، علامت و شکل اشتباه شود.

د- انتشار نشریه بدون ذکر نام صاحب امتیاز و مدیر مسئول و نشانی اداره نشریه و چاپخانه آن.

تبصره- مراکز نشر، چاپ، توزیع و فروش نشریات، مجاز به چاپ و انتشار و عرضه مطبوعات و نشریاتی که از سوي دادگاه صالح یا هیأت نظارت مغایر با اصول مندرج در این قانون تشخیص داده شود، نمی باشند.

فصل پنجم- شرایط متقاضی و مراحل صدور پروانه

ماده 8- انتشار نشریه به مسئولیت اشخاص حقیقی یا حقوقی با سرمایه ایرانی و اخذ پروانه از وزارت ارشاد اسلامی آزاد است.

استفاده نشریات از کمک خارجی مستقیم یا غیر مستقیم ممنوع و جرم محسوب می شود.

تبصره 2- کمک های اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی غیر دولتی که با نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت امور خارجه دریافت گردد مشمول این ماده نخواهد بود.

تبصره 3- واگذاری امتیاز نشریه به غیر اعم از قطعی، شرطی، اجاره و امثال آن ممنوع است و جرم محسوب می شود مگر در صورت درخواست کتبی صاحب امتیاز و تصویب هیأت نظارت.

ماده 9- شخص حقیقی متقاضی صاحب امتیاز باید دارای شرایط زیر باشد:

1- تابعیت ایران.[1]

2- دارا بودن حداقل 25 سال.

3- عدم حجر ورشکستگی به تقلب و تقصیر.[2]

4- عدم اشتغال به فساد اخلاق و سابقه محکومیت کیفری بر اساس موازین اسلامی که موجب سلب حقوق اجتماعی[3] باشد.

5- داشتن صلاحیت علمی در حد لیسانس و یا پایان سطح در علوم حوزه ای به تشخیص هیأت نظارت موضوع ماده 10 این قانون.

6- پایبندی و التزام عملی به قانون اساسی.

ب- اشخاص حقوقی متقاضی امتیاز باید دارای شرایط ذیل باشد:

1- مراحل قانونی ثبت شخصیت حقوقی طی شده باشد و در اساسنامه و یا قانون تشکیل خود مجاز به انتشار نشریه باشد.

2- زمینه فعالیت نشریه مرتبط با زمینه فعالیت شخص حقوقی بوده و محدوده جغرافیایی انتشار آن همان محدوده جغرافیایی شخصیت حقوقی باشد.

تبصره 1- متقاضی امتیاز نشریه موظف است خود یا شخص دیگری را به عنوان مدیر مسئول واجد شرایط مندرج در این ماده معرفی نماید.

تبصره 2- برای نشریات داخلی يك سازمان، مؤسسه و شرکت دولتی یا خصوصی که فقط برای استفاده کارکنان منتشر و رایگان در اختیار آنان قرار می گیرد تنها اجازه وزارت ارشاد اسلامی با رعایت ماده 2 این قانون کافی است.

تبصره 3- با يك پروانه نمیتوان بیش از يك نشریه منتشر کرد.

تبصره 4- صاحب امتیاز در قبال خط مشی کلی نشریه مسئول است و مسئولیت يکا يك مطالبی که در نشریه به چاپ میرسد و دیگر امور در رابطه با نشریه به عهده مدیر مسئول خواهد بود.

تبصره 5- نخست وزیران، وزیران، استانداران، امرای ارتش و شهربانی، ژاندارمری، رؤسای سازمان های دولتی، مدیران عامل و رؤسای هیأت مدیره شرکتها و بانکهای دولتی و کلیه شرکتها و مؤسساتی که شمول حکم در مورد آن مستلزم ذکر نام است، نمایندگان مجلسین، سفرا، فرمانداران، شهرداران، رؤسای انجمنهای شهر و شهرستان تهران و مراکز استانها، اعضای ساواک، روسای دفاتر رستاکیز در تهران و مراکز استانها و شهرستانها

و وابستگان به رژیم سابق که در فاصله زمانی پانزدهم خرداد 1342 تا 22 بهمن 1357 در مشاغل مذکور بوده و همچنین کسانی که در این مدت از طریق مطبوعات، رادیو تلویزیون یا سخنرانی در اجتماعات خدمتگذار تبلیغاتی رژیم گذشته بوده اند، از انتشار نشریه و هرگونه فعالیت مطبوعاتی محرومند.

تبصره 6- هیأت نظارت موظف است جهت بررسی صلاحیت متقاضی و مدیر مسئول از مراجع ذی صلاح (وزارت اطلاعات و دادگستری و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران) استعلام نمایند. مراجع مذکور موظفند حداکثر تا دو ماه نظر خود را همراه مستندات و مدارک معتبر به هیأت نظارت اعلام نمایند. در صورت عدم پاسخ از سوی مراجع مذکور و فقدان دلیل دیگر صلاحیت آنان تأیید شده تلقی می گردد.

تبصره 7- مسئولیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر میشود به عهده مدیر مسئول است ولی این مسئولیت نافی مسئولیت نویسنده و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند نخواهند بود.

تبصره 8- اعضا و هواداران گروههای ضد انقلاب و یا گروههای غیر قانونی و محکومین دادگاههای انقلاب اسلامی که به جرم اعمال ضد انقلابی و یا علیه امنیت داخلی و خارجی محکومیت یافتهاند و همچنین کسانی که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران فعالیت و یا تبلیغ میکنند حق هیچگونه فعالیت مطبوعاتی و قبول سمت در نشریات را ندارند.

ماده 10- اعضای هیأت نظارت بر مطبوعات که از افراد مسلمان و صاحب صلاحیت علمی و اخلاقی لازم و مؤمن به انقلاب اسلامی میباشند، عبارتند از:

الف- یکی از قضات به انتخاب رئیس قوه قضاییه.

ب- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی یا نماینده تام الاختیار وی.

ج- یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس.

د- یکی از اساتید دانشگاه به انتخاب وزیر فرهنگ و آموزش عالی.

ه- یکی از مدیران مسئول مطبوعات به انتخاب آنان.

و- یکی از اساتید حوزه علمیه به انتخاب شورای عالی حوزه علمیه قم.

ز- یکی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی به انتخاب آن شورا

تبصره 1- تصمیمات هیأت نظارت قطعی است، این امر مانع شکایت و اقامه دعوی افرادی ذی نفع در محاکم نخواهد بود.

تبصره 2- دبیرخانه هیأت نظارت با امکانات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل میشود و زیر نظر آن هیأت انجام وظیفه مینماید.

تبصره 3- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ریاست هیأت نظارت بر مطبوعات را بر عهده خواهد داشت و پاسخگویی عملیات هیأت مذکور در مجلس و دیگر مراجع ذی صلاح خواهد بود.

ماده 11- رسیدگی به درخواست صدور پروانه و تشخیص صلاحیت متقاضی و مدیر مسئول به عهده هیأت نظارت بر مطبوعات است.

تبصره- در صورتی که صاحب پروانه یکی از شرایط مقرر در ماده 9 این قانون را فاقد شود. به تشخیص هیأت نظارت مقرر در ماده 10 و با رعایت تبصرههایی آن پروانه نشریه لغو میشود.

ماده 12- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است تخلف نشریات را رأساً یا با تقاضای حداقل 2 نفر از اعضای هیأت نظارت ظرف مدت یک ماه مورد بررسی قرار داده و در صورت لزوم بطور مستقیم و یا از طریق هیأت نظارت، مراتب را جهت پیگرد قانونی به دادگاه صالح تقدیم نماید.

تبصره- در مورد تخلفات موضوع ماده 6 به جز بند 3 و 4 و بند ب و ح و د و ماده 7 هیأت نظارت می تواند نشریه را توقیف نماید و در صورت توقیف موظف است ظرف یک هفته پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه ارسال نماید.

ماده 13- هیأت نظارت مکلف است ظرف مدت سه ماه از تاریخ دریافت تقاضا جهت امتیاز به یک نشریه درباره صلاحیت متقاضی و مدیر مسئول با رعایت شرایط مقرر در این قانون رسیدگیهای لازم را انجام داده و مراتب رد یا قبول تقاضا را با ذکر دلایل و شواهد جهت اجرا به وزیر ارشاد گزارش نماید و وزارت ارشاد اسلامی موظف است حداکثر ظرف دو ماه از تاریخ موافقت هیأت نظارت برای متقاضی پروانه انتشار صادر کند.

ماده 14- در صورتی که مدیر مسئول شرایط مندرج در ماده 9 را فاقد گردد، یا فوت شود و یا استعفا دهد صاحب امتیاز موظف است حداکثر ظرف سه ماه شخص دیگری را که واجد شرایط باشد به وزارت ارشاد اسلامی معرفی کند، در غیر این صورت از انتشار نشریه او جلوگیری می شود، تا زمانی که صلاحیت مدیر به تأیید نرسیده است، مسئولیت های مدیر به عهده صاحب امتیاز است.

ماده 15- اعلام نظر هیأت نظارت مبنی بر تأیید یا عدم تأیید مدیر مسئول جدید، حداکثر سه ماه از تاریخ معرفی توسط وزارت ارشاد اسلامی خواهد بود.

ماده 16- صاحب امتیاز موظف است ظرف شش ماه پس از صدور پروانه، نشریه مربوطه را منتشر کند و در غیر این صورت با یک بار اخطار کتبی و دادن فرصت پانزده روز دیگر در صورت عدم عذر موجه اعتبار پروانه از بین میرود. عدم انتشار منظم نشریه در یک سال نیز اگر بدون عذر (موجه) به تشخیص هیأت نظارت باشد، موجب لغو پروانه خواهد بود.

تبصره - نشریهایی که سالانه منتشر میشود (سالنامه) از ماده فوق مستثنی بوده و در صورت عدم نشر ظرف یک سال بدون عذر موجه پروانه صاحب امتیاز لغو خواهد شد.

ماده 17- پروانههایی که بر طبق مقررات سابق برای نشریات کنونی صادر شده است به اعتبار خود باقی است، مشروط بر این که ظرف سه ماه از تاریخ اجرا این قانون، صاحب امتیاز برای تطبیق وضع خود، با این قانون اقدام نماید.

ماده 18- در هر شماره باید نام صاحب امتیاز، مدیر مسئول، نشانی اداره و چاپخانهایی که نشریه در آن به چاپ میرسد و نیز زمینه فعالیت و ترتیب انتشار نوع نشریه دینی، علمی، سیاسی، اقتصادی، ادبی، هنری و غیره) در صفحه معین و محل ثابت اعلان شود، چاپخانهها نیز مکلف به رعایت مفاد این ماده میباشند.

ماده 19- نشریات در چاپ آگهیهای تجارتي که مشتمل بر تعریف و تمجید کالا یا خدماتی که از طرف یکی از مراکز تحقیقاتی کشور که بر حسب قوانین رسمیت داشته باشند، تأیید گردد با رعایت ماده 12 آیین نامه تأسیس و نظارت بر نحوه کار و فعالیت کانونهای آگهی تبلیغاتی و بندهای مربوطه مجاز میباشند.

تبصره- در مواردی که طبق این ماده، مطبوعات مجاز به درج آگهیهای مشتمل بر تعریف و تشویق از کالا و خدمات هستند، متن این تعریف و تشویق نمیتواند از متن تقدیرنامه رسمی مراکز قانونی مذکور در این ماده فراتر رود.

ماده 20- هر روزنامه یا مجله باید دفاتر محاسباتی پلمپ شده بر طبق قانون تهیه و کلیه مخارج و درآمد خود را در آن ثبت کند و بیلان سالانه درآمد و مخارج را به وزارت ارشاد اسلامی بفرستد، وزارت ارشاد اسلامی هر وقت لازم بداند، دفاتر مالی مؤسسات را بازرسی مینماید.

تبصره- کلیه مطبوعات مکلفند همه ماهه تیراژ فروش ماهیانه خود را کتباً به وزارت ارشاد اسلامی اطلاع دهند.

ماده 21- مدیران مسئول نشریات موظفند از هر شماره نشریه دو نسخه به هر یک از مراجع زیر به طور مرتب و رایگان ارسال نمایند:

الف- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

ب- مجلس شورای اسلامی

ج- دادگستری مرکز استان محل نشر

ماده 22- ورود مطبوعات به کشور و نیز خروج آن بر اساس موازین شرعی و قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی است. ضوابط ورود و خروج آن ظرف شش ماه توسط وزارت ارشاد اسلامی تهیه و به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید.

فصل ششم- جرایم

ماده 23- هرگاه در مطبوعات مطالبی مشتمل بر توهین یا افترا، یا خلاف واقع و یا انتقاد نسبت به شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) مشاهده شود، ذینفع حق دارد پاسخ آن را ظرف یک ماه کتباً برای همان نشریه بفرستد و نشریه مزبور موظف است آن گونه توضیحات و پاسخ ها را در یکی از دو شماره‌های که پس از وصول پاسخ منتشر میشود، در همان صفحه و ستون و یا همان حروف که اصل مطلب منتشر شده است، مجانی به چاپ برساند، به شرط آنکه جواب از دو برابر اصل تجاوز نکند و متضمن توهین و افترا به کسی نباشد.

تبصره 1- اگر نشریه علاوه بر پاسخ مذکور مطالب یا توضیحات مجددی چاپ کند، حق پاسخگویی مجدد برای معترض باقی است. درج قسمتی از پاسخ به صورتی که آنرا ناقص یا نا مفهوم سازد و همچنین افزودن مطالبی به آن در حکم عدم درج است و متن پاسخ باید در یک شماره درج شود.

تبصره 2- پاسخ نامزدهای انتخاباتی در جریان انتخابات باید در اولین شماره نشریه درج گردد. به شرط آنکه حداقل شش ساعت پیش از زیر چاپ رفتن نشریه پاسخ به دفتر نشریه تسلیم و رسید دریافت شده باشد.

تبصره 3- در صورتی که نشریه از درج پاسخ امتناع ورزد یا پاسخ را منتشر نسازد، شاکی میتواند به دادگستری شکایت کند و رئیس دادگستری در صورت احراز صحت شکایت جهت نشر پاسخ به نشریه اخطار میکند و هرگاه این اخطار مؤثر واقع نشود پرونده را پس از دستور توقیف موقت نشریه که مدت آن حداکثر از ده روز تجاوز نخواهد کرد به دادگاه ارسال میکند.

تبصره 4- اقدامات موضوع این ماده و تبصره‌های آن نافی اختیارات شاکی در جهت شکایت به مراجع قضایی نمیشاند.

ماده 24- اشخاصی که اسناد و دستورهای محرمانه نظامی و اسرار ارتش و سپاه و یا نقشه‌های قلاع و استحکامات نظامی را در زمان جنگ یا صلح به وسیله یکی از مطبوعات فاش و منتشر کنند به دادگاه تحویل تا برابر مقررات رسیدگی شود.

ماده 25- هر کس به وسیله مطبوعات، مردم را صریحاً به ارتکاب جرم یا جنایتی بر ضد امنیت داخلی یا سیاست خارجی کشور که در قانون مجازات عمومی پیش بینی شده است، تحریص و تشویق نماید در صورتی که اثری بر آن مترتب شود، به مجازات معاونت همان جرم محکوم و در صورتی که اثری بر آن مترتب نشود، طبق نظر حاکم شرع بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.

ماده 26- هر کس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نیاجامد طبق نظر حاکم شرع بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.

ماده 27- هرگاه در نشریه‌ای به رهبر یا شورای رهبری جمهوری اسلامی ایران [4] و یا مراجع مسلم تقلید اهانت شود، پروانه آن نشریه لغو و مدیر مسئول و نویسنده مطلب به محاکم صالحه معرفی و مجازات خواهند شد.

تبصره- رسیدگی به جرائم موضوع مواد، 27، 26، 25، 24 تابع شکایت مدعی خصوصی نیست.

ماده 28- انتشار عکسها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی ممنوع و موجب تعزیر شرعی است و اصرار بر آن موجب تشدید تعزیر و لغو پروانه خواهد بود.

ماده 29- انتشار مذاکرات غیر علنی مجلس شورای اسلامی و مذاکرات غیر علنی محاکم دادگستری یا تحقیقات مراجع اطلاعاتی و قضایی که طبق قانون افشا آن مجاز نیست ممنوع است و در صورت تخلف، طبق نظر حاکم شرع قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.

ماده 30- انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افترا یا فحش و الفاظ رکیک یا نسیبهای توهین آمیز و نظایر آن نسبت به اشخاص ممنوع است. مدیر مسئول جهت مجازات به محاکم قضایی معرفی میگردد و تعقیب جرائم مزبور موکول به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت، تعقیب در هر مرحلهای که باشد متوقف خواهد شد.

تبصره 1- در موارد فوق شاکی (اعم از حقیقی و حقوقی) میتواند برای مطالبه خسارتی که از نشر مطالب مزبور بر او وارد آمده به دادگاه صالحه شکایت نموده و دادگاه نیز مکلف است نسبت به آن رسیدگی و حکم متناسب صادر نماید.

تبصره 2- هرگاه انتشار مطالب مذکور در ماده فوق راجع به شخص متوفی بوده ولی عرفاً هنگامی که بازماندگان وی به حساب آید، هر یک از ورثه قانونی میتواند از نظر جزایی یا حقوقی طبق ماده و تبصره فوق اقامه دعوی نماید.

ماده 31- انتشار مطالبی که مشتمل بر تهدید به هتک شرف و یا حیثیت و یا افشای اسرار شخصی باشد ممنوع است و مدیر مسئول به محاکم قضایی معرفی و با وی طبق قانون تعزیرات رفتار خواهد شد.

تبصره- در مواد 31، 30 تا زمانی که پرونده در مرحله تحقیق و رسیدگی است، نشریه مورد شکایت حق ندارد نسبت به مورد رسیدگی مطالبی نشر دهد، در صورت تخلف رئیس دادگاه باید قبل از ختم تحقیقات حکم توقیف نشریه را صادر کند، این توقیف شامل اولین شماره بعد از ابلاغ میشود و در صورت تکرار تا موقع صدور رأی دادگاه از انتشار نشریه جلوگیری میشود.

ماده 32- هر کس در نشریههای خود را بر خلاف واقع صاحب پروانه انتشار یا مدیر مسئول معرفی کند، یا بدون داشتن پروانه به انتشار نشریه مبادرت نماید، طبق نظر حاکم شرع با وی رفتار خواهد شد. مقررات این ماده شامل دارندگان پروانه و مدیران مسئولی که سمتهای مزبور را طبق قانون از دست دادهاند نیز میشود.

ماده 33- هرگاه در انتشار نشریه نام یا علامت نشریه دیگری ولو با تغییرات جزئی تقلید شود، به طوری که برای خواننده امکان اشتباه باشد، از انتشار آن جلوگیری و مرتکب به حبس تعزیری 61 روز تا سه ماه و جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال محکوم میشود، تعقیب جرم ومجازات منوط به شکایت شاکی خصوصی است.

ماده 34- به جرائم ارتكابی به وسیله مطبوعات در دادگاه صالحه با حضور هیأت منصفه [5] رسیدگی میشود. [6]

ماده 35- تخلف از مقررات این قانون جرم است و چنانچه در قانون مجازات اسلامی و این قانون برای آن مجازات تعیین نشده باشد، متخلف به یکی از مجازاتهای ذیل محکوم میشود:

الف- جزای نقدی از یک میلیون (1000000) تا بیست میلیون (20000000) ریال.

ب- تعطیل نشریه حداکثر تا شش ماه در مورد روزنامهها و تا یکسال در مورد سایر نشریات.

ج- محرومیت از مسئولیتهای مطبوعاتی حداکثر تا پنج سال.

ماده 36- انتخاب هیأت منصفه به طریق ذیل خواهد بود: [7]

هر دو سال یکبار در مهر ماه جهت تعیین اعضای هیأت منصفه در تهران به دعوت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و با حضور وی و رئیس کل دادگستری استان، رئیس شورای شهر، رئیس سازمان تبلیغات و نماینده شورای سیاستگذاری ائمه جمعه سراسر کشور و در مراکز استان به دعوت مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و با حضور وی و رئیس کل دادگستری استان، رئیس شورای شهر مرکز استان، رئیس سازمان تبلیغات و امام

جمعه مرکز استان یا نماینده وی تشکیل می شود. هیأت مذکور در تهران 21 نفر و در سایر استان ها 14 نفر از افراد مورد اعتماد عمومی را از بین گروه های مختلف اجتماعی (روحانیون، اساتید دانشگاه، پزشکان، مهندسان، نویسندگان، روزنامه نگاران، وکلای دادگستری، دبیران، آموزگاران، اصناف، کارمندان، کارگران، کشاورزان، هنرمندان و بسیجیان) به عنوان اعضای هیأت منصفه انتخاب می کند.

تبصره 1- چنانچه مفاد موضوع این ماده در مهلت مقرر انجام نشود، رئیس کل دادگستری مکلف می باشد نسبت به دعوت از افراد یاد شده و انتخاب هیأت منصفه اقدام نماید.

تبصره 2- چنانچه به هر دلیلی اعضای هیأت منصفه به ده نفر یا کمتر برسد، هیأت مذکور در این ماده موظف است ظرف یک ماه تشکیل جلسه داده و نسبت به تکمیل اعضای هیأت منصفه اقدام نماید.

ماده 37- اعضای هیأت منصفه باید دارای شرایط زیر باشند:

1- داشتن حداقل سی سال سن و تأهل

2- نداشتن سابقه محکومیت موقر کیفری

3- اشتغال به امانت، صداقت و حسن شهرت

4- صلاحیت، علمی و آشنایی با مسائل فرهنگی و مطبوعاتی

ماده 38- پس از انتخاب اعضای هیأت منصفه، موضوع ماده 36 این قانون، مراتب توسط رئیس کل دادگستری استان به اعضا ابلاغ می گردد.

دادگاه رسیدگی از تمامی اعضای هیأت منصفه دعوت می کند تا در جلسه محاکمه حضور یابند. دادگاه با حضور حداقل هفت نفر از اعضای هیأت منصفه رسمیت خواهد یافت. اکثریت آرای حاضران ملاک تصمیم گیری هیأت منصفه خواهد بود. اعضای هیأت موظفند تا پایان جلسات دادگاه حضور داشته باشند.

تبصره 1- تصمیمات هیأت های نظارت و منصفه با اکثریت مطلق عده حاضر معتبر خواهد بود.

تبصره 2- چنانچه در دو جلسه رسیدگی به یک پرونده جرم مطبوعاتی، هیأت منصفه به حد نصاب نرسد، دادگاه در جلسه سوم با حضور افراد حداقل به تعداد پنج نفر رسیدگی نماید.

تبصره 3- دبیرخانه هیأت منصفه با بودجه و امکانات قوه قضاییه تشکیل و زیر نظر هیأت منصفه انجام وظیفه نماید.

ماده 39- هر یک از اعضای هیأت منصفه چنانچه بدون عذر موجه در دو جلسه متوالی یا پنج جلسه متناوب در دادگاه حاضر نشود یا از شرکت در اتخاذ تصمیم خودداری کند یا حکم دادگاه رسیدگی کننده به دو سال محرومیت از عضویت در هیأت منصفه محکوم می شود. رأی دادگاه قطعی است.

تبصره- هر یک از اعضای هیأت منصفه به علت وجود عذر موجه نتواند در جلسه دادرسی عذر خود را کتباً و به طور مستدل به استحضار دادگاه برساند. در غیر اینصورت عذر وی غیر موجه محسوب می گردد مگر عذرهایی که در این فاصله تا جلسه دادگاه حادث شده باشد در هر حال موظف است عذر خواهی خود را به دادگاه اعلام نماید.

عذر موجه همان است که در آیین دادرسی احصا گردیده است.

ماده 40- اعضای هیأت منصفه در ابتدای اولین جلسه حضور خود در دادگاه به خداوند متعال و در برابر قرآن کریم سوگند یاد می کنند بدون در نظر گرفتن گرایش های شخصی یا گروهی و با رعایت صداقت، تقوا و امانت داری در راه احقاق حق و ابطال انجام وظیفه نمایند.

ماده 41- موارد رد اعضای هیأت منصفه همان است که طبق قانون در مورد رد قضاوت پیش بینی شده است.

ماده 42- هرگاه در حین محاکمه اعضای هیأت منصفه سؤالاتی داشته باشند، مراتب را کتباً جهت طرح، تسلیم رئیس دادگاه می نمایند.

ماده 43- پس از اعلام ختم رسیدگی بلافاصله اعضای هیأت منصفه به شور پرداخته و نظر کتبی خود را در دو مورد زیر به دادگاه اعلام می دارند:

الف- متهم بزهکار است یا خیر؟

ب- در صورت بزهکاری آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟

تبصره 1- پس از اعلام نظر هیأت منصفه دادگاه در خصوص مجرمیت یا برائت متهم اتخاذ تصمیم نموده و طبق قانون مبادرت به صدور رأی می نماید.

تبصره 2- در صورتی که تصمیم هیأت منصفه بر بزهکاری باشد دادگاه می تواند پس از رسیدگی رأی بر برائت صادر کند.

تبصره 3- در صورتی که رأی دادگاه مبنی بر مجرمیت باشد، رأی صادره طبق مقررات قانونی قابل تجدید حضور هیأت منصفه لازم نیست.

تبصره 4- حضور هیأت منصفه در تحقیقات مقدماتی و صدور قرارهای قانونی لازم نیست.

ماده 44- هرگاه حکم دادگاه مبنی بر برائت یا محکومیتی باشد که مستلزم سلب حقوق اجتماعی [8] نباشد، از نشریه در صورتی که قبلاً توقیف شده باشد بی درنگ رفع توقیف خواهد شد و انتشار مجدد آن بلامانع می باشد.

فصل هشتم- موارد متفرقه

ماده 45- نظارت دقیق بر عملکرد جرایم و انجام رسالت مطبوعاتی آنان بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. این امر مانع از انجام وظیفه مستقیم هیأت نظارت نخواهد بود.

ماده 46- صاحب امتیاز و مدیر مسئول موظفند کلیه کارکنان نشریه را بیمه نمایند تا در صورتی که به حکم دادگاه یا رأی هیأت نظارت یا به هر دلیل دیگر نشریه تعطیل می گردد تا زمان اشتغال مجدد طبق مقررات قانون کار حقوق قانونی آنان پرداخت شود.

ماده 47- این قانون از جمله در مورد نحوه تشکیل هیأت نظارت و هیأت منصفه از تاریخ تصویب لازم الاجراست و نیز از تاریخ تصویب، کلیه قوانین مغایر با آن از جمله لایحه قانونی مطبوعات مصوب 25/8/1358 شورای انقلاب لغو میگردد.

[1] بنگ. پاورقی شماره 21

[2] مواد 541 و 542 قانون تجارت به ارائه تعریف از ورشکستگی به تقلب و ورشکستگی به تقصیر پرداختهاند:

ماده 541- تاجر در موارد ذیل ورشکسته به تقلب اعلان می شود:

1 - در صورتی که محقق شود مخارج شخصی یا مخارج خانه مشارالیه در ایام عادی بالنسبه به عایدی او فوق العاده بوده است.

2 - در صورتی که محقق شود تاجر نسبت به سرمایه خود مبالغ عمده صرف معاملات کرده که در عرف تجارت موهوم یا نفع آن منوط به اتفاق محض است.

3 - اگر به قصد تاخیر انداختن ورشکستگی خود خریدی بالاتر یا فروشی نازلتر از مظنه روز کرده باشد یا اگر به همان قصد وسائلی که دور از صرفه است بکار برده تا تحصیل وجهی نماید اعم از اینکه از راه استقراض یا صدور برات یا به طریق دیگر باشد.

4 - اگر یکی از طلبکارها را پس از تاریخ توقف بر سایرین ترجیح داده و طلب او را پرداخته باشد.

ماده 542- در موارد ذیل هر تاجر ورشکسته ممکن است ورشکسته به تقصیر اعلان شود:

1 - اگر به حساب دیگری و بدون آنکه در مقابل عوضی دریافت نماید تعهداتی کرده باشد که نظر به وضعیت مالی او در حین انجام آنها آن تعهدات فوق العاده باشد.

2 - اگر عملیات تجاری او متوقف شده و مطابق ماده 413 این قانون رفتار نکرده باشد.

3 - اگر از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب 25 دلو 1303 و 12 فروردین و 12 خرداد 1304 دفتر نداشته یا دفاتر او ناقص یا بی ترتیب بوده یا در صورت دارائی وضعیت حقیقی خود را اعم از قروض و مطالبات بطور صریح معین نکرده باشد (مشتروط بر اینکه در این موارد مرتکب تقلبی نشده باشد).

[3] بنگ، به پاورقی شماره 23

[4] در اصل 107 قانون اساسی مصوب 1358 تحت شرایطی امکان تشکیل شورای رهبری پیش بینی شده بود. در بازنگری سال 1368 این گزینه حذف شد.

[5] بنگ، به پاورقی شماره 6

[6] بر اساس اصل 168 قانون اساسی "رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت میگیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین میکند".

[7] مواد 36 الی 43 این قانون توسط قانون تشکیل هیأت منصفه مصوب 24/12/1384 به صورت ضمنی نسخ شده است.

[8] بنگ، به پاورقی شماره 23

—

## قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

2010-08-16 · Archive ID 58

<http://www.arsehsevom.net/fa/?p=58>

عرصه سوم: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یکی از مهمترین نهادهای عهده دار امر فرهنگ در کشور است. این وزارت به موجب قانون یکی از مراجعی است که صلاحیت صدور مجوز برای انجمنها، تشکلهای و مؤسسات فرهنگی و هنری دارد.

15- صدور اجازه تأسیس، انحلال و نظارت بر فعالیت مؤسسات خبری و نمایندگیهای خبرگزاریها و رسانههای خارجی و صدور اجازه فعالیت برای خبرنگاران خارجی و داخلی در کشور طبق مقررات مربوطه.

16- صدور اجازه تأسیس، انحلال و نظارت بر نحوه کار و فعالیت کانونهای تبلیغاتی، چاپخانهها و مؤسسات تکثیر و مؤسسات وابسته به صنعت چاپ و نظارت بر کیفیت و محتوای آگهیها و کارهای چاپی طبق ضوابط و مقررات قانونی مربوطه.

17- صدور اجازه تأسیس، توسعه یا انحلال مؤسسات آزاد آموزشهای هنری و فرهنگی و سینمایی و نیز انجمنهای فرهنگی و هنری و تصویب آئین نامههای مربوط و نظارت بر اجرای آنها طبق ضوابط و مقررات قانونی مربوطه.

19- نظارت بر فعالیتهای فرهنگی، هنری، تبلیغاتی اقلیتهای دینی و مذهبی شناخته شده در قانون اساسی. [1].

22- صدور اجازه تأسیس یا انحلال مراکز، مؤسسات و مجامع فرهنگی مطبوعاتی، خبری، هنری، سینمایی، سمعی و بصری و مؤسسات انتشاراتی و تبلیغاتی در کشور و نظارت بر فعالیتهای آنها و همچنین ناشرین و کتاب فروشان در چهارچوب ضوابط و مقررات مربوط

23- هدایت و حمایت از فعالیت مراکز و مؤسسات فیلمسازی- سناریو نویسی سینماها، کانونها و مراکز نمایش فیلم، عکاسخانهها و تولید کنندگان نوار سمعی و بصری و صدور اجازه تأسیس و یا انحلال اینگونه واحدها و نظارت بر آنها در چهارچوب ضوابط و مقررات مربوط.

24- نظارت بر فعالیتهای فرهنگی، هنری، تبلیغاتی خارجیان مقیم ایران با همکاری دستگاههای ذی ربط .

30- تأسیس و اداره مؤسسات آموزشی لازم به منظور آموزش افراد مجرب در رشتههای مختلف فرهنگ، هنر، ارشاد و جهانگردی و امور مربوط دیگر بر حسب مورد با همکاری دستگاههای ذی ربط.

تبصره 1- اعمال این بند نباید با ضوابط و مقررات آموزشی کشور مغایر باشد.

تبصره 2- در هر يك از موارد ماده 2 (بندهای 15 و 16 و 17 و 22 و 23) در صورتی که انحلال هر مرکز، مؤسسه، مجمع، کانون، چاپخانه، و یا انجمن به حقوق مکتسبه اشخاص مربوط باشد و افراد ذینفع شاکی باشند انحلال منوط به حکم دادگاه صالح خواهد بود.

[1] بنگ. به پاورقی شماره 5

—

## آئین نامه اجرایی واحدهای صنفی موضوع قانون فعالیت احزاب

2010-08-16 · Archive ID 59

<http://www.arsehsevom.net/fa/?p=59>

عرصه سوم: هیأت وزیران در جلسه مورخ 13/2/1368 با توجه به نامه شماره 5374/64 مورخ 31/1/66 ریاست جمهوری تصویب نمودند تا آئین نامه اجرایی واحدهای صنفی موضوع تصویب نامه 11054 مورخ 1/10/65 به شرح زیر اصلاح گردد.

ماده 1- در این آئین نامه منظور از انجمن، جمعیت، اتحادیه صنفی و امثال آن تشکیلاتی است که به وسیله دارندگان کسب، پیشه، حرفه و تجارت معین تشکیل میگردد و اهداف، برنامه و رفتار آن به گونهای در جهت منافع خاص مربوط به آن صنف میباشد، اعم از اینکه دارای قانون و مقررات خاص باشند یا نباشند. مانند پزشکان، وکلای دادگستری، روزنامه نگاران، صنعتگران، صاحبان دفاتر اسناد رسمی، جامعه دارو سازان و کانون صنفی فرهنگیان، کانون بازنشستگان و امثال آن که در يك محدوده جغرافیایی شهری فعالیت دارند.

تبصره- صنوف مشمول این ماده مکلفند در اساسنامه خود نکات زیر را رعایت کرده و يك نسخه از آن را به وزارت کشور تسلیم نمایند.

1- ارکان تشکیلات (تعریف، وظایف و اختیارات هیأت مدیره و نحوه انتخابات)

2- منابع مالی و آئین نامه مربوطه

3- شرایط عضویت

4- نحوه انحلال

5- حوزه فعالیت

ماده 2- کلیه صنوف مشمول ماده 1 جهت اخذ پروانه فعالیت موظفند مدارك ذیل را در تهران و شهرستانها جهت اخذ پروانه فعالیت به فرمانداری محل تسلیم نمایند.

الف) فرم تکمیل شده تقاضای ثبت طبق نمونه وزارت کشور

ب) فرم مشخصات هر يك از اعضاي هیأت مدیره طبق برگه مشخصات وزارت کشور

ج) تصویر تمام صفحات شناسنامه هر يك از اعضاي هیأت مدیره

ه) عکس جدید هر يك از اعضاي هیأت مدیره 4 قطعه

ماده 3- اتحادیه و انجمنهای فوق الذکر موظفند يك نسخه از نشریات خود را مرتباً به وزارت کشور ارسال نمایند.

ماده 4- مسئولین انجمنها و اتحادیههای صنفی موظفند که برای برگزاری سمینار و اجتماعات عمومی در میادین و پارکها برنامه اجرایی خود را که خارج از شرح وظایف مندرج در قانون نظام صنفی میباشد حداقل 10 روز قبل به اطلاع وزارت کشور رسانیده و مجوز لازم را کسب نماید.

ماده 5- انجمنها و اتحادیههای صنفی حق فعالیت سیاسی و یا وابستگی به احزاب و گروههای سیاسی به نام انجمن و اتحادیه را ندارند.

ماده 6- پرونده مربوط به تقاضای صدور پروانه که طبق آئین نامه اجرایی این قانون تنظیم میشود، حداکثر ظرف يك ماه به وسیله وزارت کشور به کمیسیون ماده 10 قانون احاله و پس از تصویب کمیسیون ظرف 10 روز پروانه با امضا وزیر کشور صادر خواهد شد.

—

## **آئین نامه اجرایی انجمنهای اسلامی واحدهای اداری موضوع قانون فعالیت احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی، صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیت-های دینی شناخته شده**

2010-08-16 · Archive ID 60

<http://www.arsehsevom.net/fa/?p=60>

عرصه سوم: هیأت وزیران در جلسه مورخ 7/5/1368 بنا به پیشنهاد شماره 16422/م مورخ 10/7/1368 وزارت کشور، آئین نامه اجرایی انجمنهای اسلامی واحدهای اداری را به شرح زیر تصویب نمودند.

ماده 1 - تعریف

انجمن اسلامی نهادی است خودجوش، متشکل از نیروهای داوطلب و معتقد به اسلام، ولایت فقیه، قانون اساسی، عامل به احکام اسلام و متقاضی انجام فعالیتهای ایثار گرانه و مبشر تفاهم و وحدت به منظور تعمیق دستاوردهای انقلاب اسلامی در محیط کار و نیز همکاری و معاونت با مسئولین جهت تحقق بخشیدن به اهداف انقلاب اسلامی در هر واحد اداری تشکیل و دارای شخصیت حقوقی مستقل میباشد.

تبصره 1 - واحد اداری عبارت است از وزارتخانه، سازمان دولتی یا مؤسسات عمومی و ادارات کل استانی که به موجب قانون وظایف خاصی را به عهده دارد.

تبصره 2- در واحدهای نظامی، انتظامی و اطلاعاتی و سازمانهای وابسته که دارای دواير عقیدتی سیاسی یا واحدهای مشابه هستند انجمن اسلامی تشکیل نمیگردد.

تبصره 3 - تشکیل انجمن اسلامی در واحدهای اداری خصوصی در صورت وجود داوطلب و شرایط مندرج در آئین نامه بلامانع است.

ماده 2 - اهداف

الف ( اهتمام در شناختن و شناساندن اسلام ناب محمدی و رشد و ترویج ارزشهای متعالی آن از طریق:

1- تشکیل کلاسهای عقیدتی، فرهنگی و سیاسی برای اعضا و علاقمندان.

2- تشکیل کتابخانه، توزیع کتاب، نوار و نشریات اسلامی.

3- برگزاری مراسم مذهبی و برپایی نمازهای جماعت.

4- تشکیل جلسات وعظ و خطابه به مناسبتهای گوناگون.

5- تشکیل نمایشگاهها، اردوها و گردهماییهای مذهبی، فرهنگی، تحقیقاتی و هنری.

تبصره- تعیین ائمه جماعات ادارات و سازمان با تأیید مدیریت مربوطه انجام خواهد شد.

ب) اهتمام در تحقق بخشیدن امر به معروف و نهی از منکر برای پاسداری از ارزشهای اسلامی از طریق:

1- برخورد اصولی و منطقی و ارشادی با کلیه مظاهر فساد و تباهی در جهت ایجاد محیط سالم و مساعد برای رشد و شکوفایی فضایل اخلاقی

2- تلاش در جهت کسب بینش و اخلاق اسلامی و شناخت شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر و اهتمام در تحقق آن با توجه به مراتب زیر

- تماس و مذاکره خصوصی با توجه به مراتب امر به معروف و نهی از منکر در چارچوب احکام شرعی

- گزارش کتبی مستدل و محرمانه به مقام مسئول

- گزارش موضوع به مقامات ذی صلاح نظیر حراست، هیأت رسیدگی به تخلفات اداری، کمیتههای انضباطی و مقامات دستگاه مربوطه و در صورت عدم اخذ نتیجه به مسئولان کشور

ج) حفظ و حراست از دستاوردهای انقلاب اسلامی از طریق حضور در صحنههای عبادی و سیاسی و حرکتیهای مردمی و مقابله با عوامل استکباری شرق و غرب مطابق با مقررات جاری کشور

ماده 3 - ارکان

ارکان انجمن اسلامی عبارتند از مجمع عمومی و شورای مرکزی.

مجمع عمومی بالاترین مرجع تصمیم گیری انجمن اسلامی است که وظایف و اختیارات آن عبارتند از:

1- استماع گزارش شورای مرکزی

2- تعیین خط مشی کل انجمن

3- تغییرات در اساسنامه

4- انتخابات شورای مرکزی جدید

5- انحلال انجمن اسلامی

تبصره 1- اولین مجمع عمومی جهت تصویب اساسنامه و انتخاب شورای مرکزی به دعوت هیأت مؤسس که حداقل تعداد آن 5 نفر خواهد بود تشکیل میشود.

تبصره 2- هیأت مؤسس ضمن مراجعه به فرمانداری یا بخشداري محل نسبت به تکمیل و تحویل مدارك و فرم- های مربوط اقدام مینماید.

تبصره 3- هیأت مؤسس بعد از احراز شخصیت حقوقی انجمن کلیه امور را به اولین شورای مرکزی انتقال خواهد داد.

تبصره 4- در مورد انجمنهای اسلامی موجود شورای مرکزی فعلی به جای هیأت مؤسس عمل خواهد کرد.

تبصره 5- رسمیت جلسات با دعوت از کلیه اعضا و در موارد فوق با حضور 4/3 اعضا معتبر بوده که در کلیه رأی گیرها ملاک اکثریت مطلق اعضا حاضر خواهد بود و در صورت عدم حصول حد نصاب جلسه دوم يك ماه بعد با حضور اعضا حاضر رسمیت خواهد یافت.

ماده 4 - شورای مرکزی

هر انجمن اسلامی دارای يك شورای مرکزی میباشد که ملزم به رعایت قوانین و مقررات مربوط بوده و در مقابل مجمع عمومی و کمیسیون ماده 10 قانون احزاب پاسخگو خواهد بود. حداقل تعداد اعضا آن 5 نفر و حداکثر 9 نفر میباشد.

تبصره - شورای مرکزی نمیتواند بدون دلیل موجه از عضویت متقاضیان واجد شرایط در انجمن اسلامی جلوگیری به عمل آورد.

ماده 5 - در هر واحد فقط يك انجمن اسلامی تشکیل میگردد.

تبصره 1- برگزاری انتخابات شورای مرکزی با تأیید نماینده وزارت کشور و نماینده وزیر یا بالاترین مقام مسئول سازمانهای مستقل رسمیت خواهد داشت.

تبصره 2- در واحدهایی که بیش از يك انجمن اسلامی تشکیل شده باشد با رعایت موارد مقرر در تبصره 1 ماده 5 و همکاری تمامی انجمنهای اسلامی آن واحد انتخابات شورای مرکزی جهت تشکیل يك انجمن اسلامی برگزار خواهد شد.

ماده 6- انجمنهای اسلامی میتوانند به منظور دستیابی بهتر به اهداف مندرج در این آئین نامه و همکاری نزدیک با دیگر انجمنهای اسلامی جلسات مشترک داشته باشند.

ماده 7- انجمنهای اسلامی در واحدهایی تشکیل میگردند که حداقل تعداد کارکنان آن 100 نفر و متقاضیان عضویت حداقل 5 نفر باشند.

تبصره- اجتماع دو یا چند هم سنخ در يك محدوده جغرافیایی برای احراز حد نصاب مقرر جهت تشکیل انجمنهای اسلامی با تأیید فرمانداری محل بلا مانع است.

ماده 8- منابع مالی و امکانات

هزینههای انجمنهای اسلامی از طریق پرداخت حق عضویت اعضا، اعانات مردمی، وقف، هبه غیر از اعمال تجاری تأمین میشود.

تبصره - مسئول واحد موظف است امکانات مورد نیاز را در حد متعارف جهت فعالیت انجمن اسلامی در اختیار قرار دهد.

ماده 9- فعالیت انجمن اسلامی نباید در فعالیت جاری واحد ذي ربط اختلال به وجود آورد و برگزاری برنامه در وقت اداری باید با اجازه مقام مسئول دستگاه باشد.

ماده 10 - کارمندان بخش دولتي نمیتوانند به صورت تمام وقت به انجمن اسلامي مأمور گردند.

ماده 11- اعضاي انجمن اسلامي بايد جزو کارکنان واحد ذي ربط بوده و در همان محل شاغل باشند.

ماده 12- نماینده رئیس جمهور در صورت ضرورت میتواند در مجامع عمومي انجمنهاي اسلامي شرکت نماید.

ماده 13- به منظور تقویت و رسیدگی به مشکلات انجمنها و تحقق تفاهم و همکاری انجمنها و مدیریتهای اداري دفتری در نهاد ریاست جمهوری تشکیل خواهد شد.

تبصره - رویههاي ابلاغي از سوي این دفتر که برای اصلاح و هماهنگی کار انجمنها صادر میشود مجري خواهد بود.

ماده 14- انتخابات شوراي مركزي انجمنها هر دو سال یکبار انجام میشود.

[1] جانشین آئین نامه اجرائي فعالیت انجمنهاي اسلامي مصوب 10/7/1362 هیأت وزیران

—

## قانون کار مصوب بیست و نهم آبان ماه 1369 مجمع تشخیص مصلحت نظام

2010-08-16 · Archive ID 63

<http://www.arsehsevom.net/fa/?p=63>

### فصل ششم - تشکلهای کارگری و کارفرمایی

ماده 130- به منظور تبلیغ و گسترش فرهنگ اسلامي و دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامي و در اجرای اصل بیست و ششم قانون اساسي جمهوری اسلامي ایران [1] کارگران واحدهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی، خدماتی و صنفی می‌توانند نسبت به تأسیس انجمنهاي اسلامي اقدام نمایند.

تبصره 1- انجمنهاي اسلامي می‌توانند به منظور هماهنگی در انجام وظایف و شیوه‌های تبلیغی، نسبت به تأسیس کانونهای هماهنگی انجمنهاي اسلامي در سطح استانها و کانون عالی هماهنگی انجمنهاي اسلامي در کل کشور اقدام نمایند.

تبصره 2- آئین‌نامه چگونگی تشکیل، حدود وظایف و اختیارات و نحوه عملکرد انجمن‌های اسلامي موضوع این ماده باید توسط وزارتین کشور، کار و امور اجتماعی و سازمان تبلیغات اسلامي تهیه و به تصویب هیأت وزیران برسد. [2]

ماده 131- در اجرای اصل بیست و ششم قانون اساسي جمهوری اسلامي ایران [3] و به منظور حفظ حقوق و منافع مشروع و قانوني و بهبود وضع اقتصادي کارگران و کارفرمایان، که خود متضمن حفظ منافع جامعه باشد، کارگران مشمول قانون کار و کارفرمایان يك حرفه یا صنعت می‌توانند مبادرت به تشکیل انجمنهاي صنفی نمایند.

تبصره 1- به‌منظور هماهنگی در انجام وظایف محوله و قانوني انجمنهاي صنفی می‌توانند نسبت به تشکیل کانون انجمنهاي صنفی در استان و کانون عالی انجمنهاي صنفی در کل کشور اقدام نمایند.

تبصره 2- کلیه انجمنهاي صنفی و کانونهای مربوطه به هنگام تشکیل موظف به تنظیم اساسنامه با رعایت مقررات قانوني و طرح و تصویب آن در مجمع عمومي و تسلیم به وزارت کار و امور اجتماعی جهت ثبت می‌باشند.

تبصره 3- کلیه نمایندگان کارفرمایان ایران در شوراي عالي کار، شوراي عالي تأمین اجتماعي، شوراي عالي حفاظت فني و بهداشت کار، کنفرانس بين المللي کار و نظاير آن توسط کانون عالي انجمنهاي صنفی کارفرمایان، در صورت تشکیل، انتخاب و در غير اين صورت توسط وزير کار و امور اجتماعي معرفي خواهند شد.

تبصره 4- کارگران يك واحد، فقط مي توانند يکي از سه مورد شوراي اسلامي کار، انجمن صنفی یا نماینده کارگران را داشته باشند.

تبصره 5- آئين نامه چگونگي تشکیل، حدود وظيف و اختيارات و نحوه عملکرد انجمنهاي صنفی و کانونهاي مربوطه، حداکثر ظرف مدت يك ماه از تاريخ تصويب اين قانون، توسط شوراي عالي کار تهيه و به تصويب هيأت وزيران خواهد رسيد. [4]

تبصره 6- آئين نامه نحوه انتخابات نمايندگان مذکور در تبصره 3 اين ماده ظرف يك ماه پس از تصويب اين قانون به تصويب وزير کار و امور اجتماعي خواهد رسيد.

[1] بنگ. به ص 14 همین مجموعه

[2] هم اينک آئين نامه مصوب 5/2/1380 هيأت وزيران در همین خصوص مجرا مي باشد.

[3] بنگ به ص 14 همین مجموعه

[4] آئين امه مذکور تصويب شده و متن آن در صفحات آتي آورده شده است.

## **آئين نامه چگونگي تشکیل، حدود وظيف و اختيارات و چگونگي عملکرد انجمنهاي صنفی و کانونهاي مربوط، موضوع ماده (131) قانون کار جمهوری اسلامی ایران**

2010-08-16 · Archive ID 64

<http://www.arsehsevom.net/fa/?p=64>

عرصه سوم: هيأت وزيران در جلسه مورخ 6/10/1371 بنا به پيشنهاد شماره 63159 مورخ 8/7/1370 وزارت کار و امور اجتماعي، به استناد تبصره (5) ماده (131) قانون کار جمهوری اسلامي ايران- مصوب 1369- آئين نامه زیر را تصويب نمود:

### **فصل اول - چگونگي تشکیل انجمنهاي صنفی و کانونهاي مربوط**

ماده 1- در اجراي ماده (131) قانون کار جمهوری اسلامي ايران، [1] به منظور حفظ حقوق و منافع مشروع و قانوني و بهبود وضع اقتصادي کارگران و کارفرمایان، که خود متضمن حفظ منافع جامعه نیز باشد، کارگران مشمول قانون کار و کارفرمایان هر حرفه یا صنعت ميتوانند با رعايت مقررات قانوني و اين آئين نامه مبادرت به تشکیل انجمن صنفی نمايند.

ماده 2- کمترین نصاب لازم براي تشکیل انجمن صنفی کارگري در سطح کارگاه ده نفر و در صنف دست کم پنجاه عضو از صنف مربوط، از کارگاههاي مختلف مي باشد. انجمن صنفی کارفرمايي، دست کم با عضویت ده شخصيت حقوقي یا حقيقي تشکیل ميشود.

تبصره - عضویت کارگران و کارفرمایان به اعتبار شغل و فعاليتهاي مختلف در انجمنهاي صنفی متفاوت مجاز است، ولي آنها نميتوانند در بیش از يك انجمن صنفی کارگري یا کارفرمايي به عنوان عضو هيأت مديره یا بازررس انتخاب شوند.

ماده 3- به منظور هماهنگی در انجام وظایف محول شده و قانونی، انجمنهای صنفی کارگري و کارفرمائي هر صنعت یا حرفه يك استان میتوانند مطابق این آئين نامه نسبت به تشکیل کانون انجمنهای صنفی آن صنعت یا حرفه در آن استان اقدام نمایند.

تبصره 1- کانونهای انجمنهای صنفی حرفه یا صنعت خاص در استانها از اجتماع اعضاي اصلي هیأت مدیره دست کم پنج انجمن صنفی مربوط تشکیل میشود. ( این کانونها میتوانند دارای تشکیلات مرکزي در سطح کشور باشند ).

تبصره 2 - تا زمانی که تعداد انجمنهای صنفی خاص حرفه یا صنعت يك استان جهت تشکیل کانون انجمنهای صنفی خاص استان مربوط به حد نصاب لازم نرسیده باشد بر اساس تبصره 1 این ماده انجمنهای صنفی خاص حرفه یا صنعت حداقل پنج استان میتوانند به طور مجزا نسبت به تشکیل کانون انجمنهای صنفی صنعت یا حرفه خاص سراسر کشور اقدام کنند.

تبصره 3 - مجمع کانون عالی انجمنهای صنفی کارگري یا کارفرمائي توسط نمایندگان معرفي شده از سوي کانونهای انجمنهای صنفی حرفه یا صنعت خاص سراسر کشور به تعداد انجمنهای صنفی عضو نمایندگان معرفي شده از طرف انجمنهای صنفی حرفه یا صنعت که موفق به تشکیل کانون سراسري مربوط نشدهاند تشکیل می-شود.

تبصره 4 - تعداد 5 نفر از 9 نفر اعضاي اصلي و دو نفر از چهار نفر اعضاي علي البدل هیأت مدیره کانون عالی انجمنهای صنفی را کانون انجمنهای صنفی صنایع انتخاب و معرفي میکند. هر کانون انجمنهای صنفی حرفه یا صنعت خاص حداکثر میتواند يك نفر از اعضاي هیأت مدیره کانون عالی انجمنهای صنفی کارگري یا کار فرمائي را انتخاب کند.

تبصره 5 - در صورتی که در يك استان بیش از يك انجمن صنفی در يك صنعت یا حرفه تشکیل شود با توجه به تعداد اعضا کلیه انجمنهای صنفی دارای حق رأی بوده و نماینده استان با نظر و انتخاب اعضاي انجمنها در کانون عالی انتخاب میشوند.[2]

ماده 4- کانونهای انجمنهای صنفی صنعت یا حرفه خاص در هر استان میتوانند جداگانه نسبت به تشکیل کانون انجمنهای صنفی صنایع و کانون انجمنهای صنفی حرف آن استان اقدام نمایند.

تبصره - کانون انجمنهای صنفی صنایع یا حرف در هر استان توسط نمایندگان معرفي شده از سوي کانونهای صنفی یا حرفه خاص آن استان به تعداد انجمنهای صنفی عضو و نمایندگان معرفي شده از طرف انجمنهای صنفی که کانون مربوط را ندارند، تشکیل میشود.

ماده 5- کانون انجمنهای صنفی هر استان از نمایندگانی که کانون انجمنهای صنفی صنایع و کانون انجمنهای صنفی حرف آن استان معرفي میکنند، تشکیل میشود.

تبصره - تعداد پنج نفر از نه نفر اعضاي اصلي و دو نفر از چهار نفر اعضاي علي البدل هیأت مدیره کانون استان را، کانون انجمنهای صنفی صنایع انتخاب و معرفي میکند.

ماده 6- کانون عالی انجمنهای صنفی سراسر کشور توسط هیأت مدیره کانون انجمنهای صنفی دست کم پنج استان تشکیل میشود.

فصل دوم - هیأت مؤسس و ارکان انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط

ماده 7- به منظور تأسیس انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط، هیأتی به نام هیأت مؤسس مرکب از دست کم سه نفر از افراد ذي ربط با توجه به نوع تشکل، انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط، برای فراهم آوردن مقدمات لازم تشکیل میشود.

تبصره - وظایف هیأت مؤسس عبارتند از:

1- تهیه پیش نویس اساسنامه با رعایت مواد (12) و (13) این آئین نامه.

2- تهیه فهرست مشخصات داوطلبان عضویت.

3- دعوت از اعضا جهت شرکت در مجمع عمومی به منظور تصویب اساسنامه و انجام انتخابات.

ماده 8- ارکان انجمن صنفی عبارت است از:

1- مجمع عمومی

2- هیأت مدیره

3- بازرسان

تبصره - چگونگی تشکیل مجامع عمومی، حدود وظایف و اختیارات هیأت مدیره و بازرسان در اساسنامه انجمن تعیین خواهد شد.

ماده 9- ارکان کانون انجمنهای صنفی استان به شرح زیر میباشد:

1- مجمع عمومی نمایندگان

2- هیأت مدیره کانون استان

3- بازرسان

تبصره - چگونگی تشکیل مجمع عمومی نمایندگان، حدود وظایف و اختیارات هیأت مدیره کانون استان و بازرسان در اساسنامه انجمن تعیین میشود.

ماده 10 - ارکان کانون عالی انجمنهای صنفی سراسر کشور بدین شرح است:

1- مجمع عمومی سراسری نمایندگان.

2- هیأت مدیره کانون عالی.

3- بازرسان.

تبصره- چگونگی تشکیل مجمع عمومی سراسری نمایندگان، حدود وظایف و اختیارات هیأت مدیره کانون عالی بازرسان در اساسنامه کانون عالی تعیین خواهد شد.

ماده 11- هیأت مدیره انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط مکلفند دست کم سه ماه قبل از پایان دوره، مجمع عمومی را برای تجدید انتخابات دعوت نمایند.

هیأت مدیره انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط تا تعیین هیأت مدیره جدید کلیه مسئولیتهای قبلی را به عهده خواهند داشت.

تبصره 1- بازرسان با يك سوم از اعضا میتوانند در هر زمانی که تشخیص میدهند نسبت به تشکیل جلسه مجمع عمومی اقدام نمایند.

تبصره 2- حداکثر دو ماه پس از پایان دوره، بازرس نسبت به تشکیل مجمع عمومی و تجدید انتخابات اخطار میدهد. يك سوم اعضا حداکثر تا چهار ماه فرصت دارند تا نسبت به تشکیل مجمع عمومی و تجدید انتخابات اقدام نمایند.

تبصره 3- چنانچه حداکثر شش ماه پس از پایان دوره، تجدید انتخابات صورت نگرفته باشد، بازرسان مکلفند انحلال تشکل، انجمن صنفی یا کانون مربوط را به وزارت کار و امور اجتماعی و سایر مراجع ذي ربط اعلام نمایند.

#### فصل سوم - چگونگی ثبت و انحلال انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط

ماده 12 - کمترین اطلاعات و مشخصاتی که باید در اساسنامه انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط درج شود، طرف سه ماه از تاریخ تصویب این آئین نامه بنا به پیشنهاد وزارت کار و امور اجتماعی به تصویب شورای عالی کار خواهد رسید.

ماده 13- کلیه انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط، کانون انجمنهای صنفی در استان و کانون عالی انجمنهای صنفی در کل کشور، به هنگام تشکیل موظف به تنظیم اساسنامه با رعایت مقررات قانونی و طرح و تصویب آن در مجمع عمومی مربوط و ثبت در وزارت کار و امور اجتماعی میباشند.

ماده 14- ثبت اساسنامه انجمنهای صنفی کارگری و کارفرمایی و کانونهای مربوط و هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه، همچنین انتخاب یا تغییر مسئولان، مستلزم تسلیم مدارک زیر به وزارت کار و امور اجتماعی است:

1- دو نسخه تقاضانامه تأسیس انجمنهای صنفی یا کانونهای مربوط در مرحله اول.

2- دو نسخه اساسنامه.

3- دو نسخه صورت جلسه مجمع عمومی در خصوص تصویب یا اصلاح اساسنامه یا انتخاب یا تجدید انتخاب اعضای هیأتهای مدیره، هیأتهای مدیره کانون استان و کانون عالی و بازرسان.

4- آگهی منتشر شده هیأت مؤسس مربوط به تأسیس انجمن صنفی کارگری یا کارفرمایی یا کانونهای مذکور در این آئین نامه در یکی از روزنامههای کثیرالانتشار یا روزنامههای محلی.

5- يك نسخه صورت اسامي شرکت کنندگان در مجمع عمومی که به امضای ایشان رسیده باشد.

ماده 15- وزارت کار و امور اجتماعی پس از دریافت مدارک یاد شده در ماده (14) در صورت تکمیل و صحت مدارک ظرف يك ماه نسبت به ثبت، صدور گواهی صحت انتخابات و انتشار آگهی ثبت در روزنامه رسمی کشور و یکی از روزنامههای کثیرالانتشار به هزینه تشکل ذي ربط اقدام خواهد نمود.

تبصره- وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است هنگام ثبت، مراقبت نماید که وظایف مصوب در اساسنامه با سایر قوانینی که وظایف خاصی را برای صنوف پیش بینی نموده است، از قبیل قوانین نظام صنفی، نظام پزشکی، کانون وکلای دادگستری و ...، تداخل یا مغایرت نداشته باشد.

ماده 16- ثبت دو تشکل، انجمن صنفی یا کانونهای مربوط با يك نام و تحت يك عنوان مجاز نیست.

ماده 17- انحلال انجمنهای صنفی کارگری یا کارفرمایی یا کانونهای مربوط موجب تضییع حق یا اسقاط تکلیف دو طرف قرارداد در پیمانهای دسته جمعی منعقد شده قبلی نخواهد بود.

تبصره - ایفای تعهدات و تصفیه حسابها به عهده هیأتهای تصفیه تشکل، انجمن صنفی کارگری یا کارفرمایی یا کانونهای مربوط، به انتخاب مجمع عمومی خواهد بود. در صورت عدم انتخاب، بازرسان و رئیس هیأت مدیره این وظیفه را عهده دار خواهند بود.

ماده 18- پس از انحلال انجمن صنفی کارگری یا کارفرمایی یا کانونهای مربوط ثبت آن از سوی وزارت کار و امور اجتماعی لغو و مراتب به هزینه آن تشکل در روزنامه رسمی کشور و یکی از روزنامههای کثیرالانتشار جهت اطلاع عموم درج خواهد شد.

تبصره - انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط میتوانند به منظور تأمین بخشی از هزینههای ثبت و آموزش انجمنها، کمک هایی را به وزارت کار و امور اجتماعی اعطا نماید تا در موارد تعیین شده مصرف نماید.[3]

ماده 19- ثبت تشکلهای صنفی موضوع این آئین نامه و نظارت بر انتخابات و فعالیت آنها به عهده وزارت کار و امور اجتماعی است. در صورتی که اداره کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی در وزارتخانه یاد شده، فعالیت انجمن صنفی یا یکی از اعضای هیأت مدیره آن را مغایر با قوانین و مقررات تشخیص دهد، مراتب را جهت اخذ تصمیم، حسب مورد به هیأت حل اختلاف یا دادگاه صالح، ارجاع میکند.

ماده 20- کلیه انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط مکلفند تاریخ تشکیل مجامع عمومی خود را دست کم پانزده روز قبل از تشکیل و بدون احتساب ایام تعطیل، به طور کتبی به وزارت کار و امور اجتماعی اعلام نمایند.

فصل چهارم- وظایف و اختیارات انجمنهای صنفی و کانونهای مربوط

ماده 21- وظایف و اختیارات انجمنهای صنفی کارگری به شرح زیر است:

1- کوشش در جهت استیفای حقوق و خواستههای مشروع و قانونی اعضا.

2- دریافت حق عضویت و کمکهای داوطلبانه به ترتیبی که در اساسنامه مقرر میشود.

3- همکاری در جهت تأسیس و تقویت شرکتهای تعاونی، صندوق قرض الحسنه، همچنین تلاش در جهت تأمین امکانات رفاهی اعضا با رعایت مقررات مربوط.

4- همکاری با وزارت کار و امور اجتماعی در جهت شناخت مشکلات کارگری و اجرای قانون کار.

5- عضویت در کانون انجمنهای صنفی استان پس از تصویب مجمع عمومی مربوط.

6- فعالیت مشترک با کانون انجمنهای صنفی استان و کانون عالی انجمنهای صنفی سراسر کشور در حدود قوانین و مقررات کشور.

7- همکاری با سایر تشکلهای کارگری و کارفرمایی و انجام سایر وظایف و اختیاراتی که به موجب قانون بر عهده انجمنهای صنفی قرار داده شده است.

ماده 22- وظایف و اختیارات کانونهای استان و کانون عالی انجمنهای صنفی کارگری به شرح زیر است:

1- ایجاد هماهنگی بین انجمنهای صنفی و کانونهای انجمنهای صنفی استانها.

2- همکاری با دستگاههای اجرایی و مراجع ذی ربط به منظور حسن اجرای قوانین و مقررات مربوط به تشکلهای کارگری، از راههای مختلف از جمله برگزاری گردهماییهای مربوط.

3- ارائه نظر مشورتی و حقوقی در خصوص تهیه لوایح و طرحهای مربوط به قوانین کار و تأمین اجتماعی، مسایل رفاهی و حقوق قانونی کارگران به مراجع ذی ربط.

4- انتخاب نمایندگان قانونی کارگران در مراجع و مجامع قانونی داخلی و بین المللی با توجه به آئین نامه ماده (136) قانون کار[4] و مقررات مربوط.

5- کوشش در جهت استیفای حقوق صنفی و خواستههای مشروع و قانونی اعضا.

ماده 23- وظایف و اختیارات انجمنهای صنفی و کانونهای انجمنهای صنفی استانی کارفرمایی به شرح زیر است.

1- کوشش در جهت استیفای حقوق صنفی و خواستههای مشروع و قانونی اعضا.

2- جمع آوری اطلاعات، بررسی و تحقیق درباره مشکلات، شناخت نیازها و اولویتها.

3- برنامه ریزی برای تأمین نیازها، توسعه و گسترش فعالیتها.

4- کوشش در ارتقای ظرفیت تولید، انتقال و نوآوری تکنولوژیک.

- 5- سعی در بهبود و کیفیت تولید، با بررسی، شناخت و استقرار روشهای نوین کنترل کیفیت.
- 6- کوشش در جهت هماهنگی در آموزش و تأمین نیروی انسانی مورد نیاز، همکاری با وزارت کار و امور اجتماعی و سایر دستگاهها و نهادهای ذی ربط برای انجام آموزشهای مربوط به حفاظت فنی و بهداشت کار.
- 7- همکاری در جهت تأسیس و تقویت شرکتهای تعاونی مرتبط با وظایف انجمن.
- 8- قبول مسئولیت و همکاری با وزارتخانهها، سازمانها و نهادهای رسمی در انجام وظایف و تکالیفی که این دستگاهها به کانونهای استانی انجمن محول میکنند و آمادگی برای ارائه مشورتهای لازم به آنها.
- 9- عضویت و ایجاد ارتباط با تشکلهای و سازمانهای مرتبط با وظایف انجمنهای صنفی یا کانونهای استانی، در داخل یا خارج از کشور در چهارچوب فعالیتهای صنفی و قوانین و مقررات کشور.
- 10- جمع آوری حق عضویت و کمکهای داوطلبانه به ترتیبی که در اساسنامه مقرر میشود.
- 11- همکاری با انجمنهای صنفی کارگری یا کانونهای استانی و دیگر انجمنهای صنفی کارفرمایی و سایر تشکلهای کارفرمایی.
- 12- ارائه نظر مشورتي و حقوقي در خصوص تهیه لوایح و طرحهای مربوط به قوانین کار و تأمین اجتماعی و مسایل رفاهی و حقوق قانونی کارفرمایان به مراجع ذی ربط.
- ماده 24- سایر اختیارات کانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایی علاوه بر موارد مندرج در ماده (23) به شرح زیر است:
- 1- ایجاد هماهنگی بین انجمنهای صنفی و کانونهای انجمنهای صنفی استانی.
  - 2- همکاری با دستگاههای اجرایی و مراجع ذی ربط جهت حسن اجرای قوانین و مقررات مربوط.
  - 3- انجام تحقیقات لازم به منظور ارائه نظر مشورتي در خصوص تهیه لوایح و طرحهای مربوط به قوانین کار و تأمین اجتماعی.
  - 4- ارائه نظرات حقوقي جهت دفاع از حقوق اعضا.
  - 5- انتخاب نمایندگان قانونی کارفرمایان در مراجع و مجامع قانونی داخلی و بین المللی یادشده در قانون کار و آئین نامههای مربوط.
- [1] بنگ به ص 70 همین مجموعه
- [2] تبصره های 5- 2 توسط هیأت وزیران در جلسه مورخ 11/5/1377 بنا به پیشنهاد شماره 73613 مورخ 4/9/1375 وزارت کار و امور اجتماعی تصویب شده است.
- [3] این تبصره توسط هیأت وزیران در جلسه مورخ 21/9/1372 با عنایت به نظر ریاست محترم مجلس شورای اسلامی و بنا به پیشنهاد شماره 13486 / ف مورخ 24/7/1372 وزارت کار و امور اجتماعی به تصویب رسیده است.
- [4] ماده 136 اشعار میدارد: "کلیه نمایندگان رسمی کارگران جمهوری اسلامی ایران در سازمان جهانی کار، هیأتهای تشخیص، هیأتهای حل اختلاف، شورای عالی تأمین اجتماعی، شورای عالی حفاظت فنی و نظایر آن، حسب مورد، توسط کانون عالی شوراهای اسلامی کار، کانون عالی انجمنهای صنفی کارگران و یا مجمع نمایندگان کارگران انتخاب خواهند شد.
- تبصره 1- آئین نامه اجرائی این ماده با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

تبصره 2- در صورتی که تشکلهای عالی کارگري و کارفرمائي موضوع اين فصل ايجاد نشده باشند، وزير کار و امور اجتماعي مي تواند نسبت به انتخاب نمايندگان مزبور در مجامع، شوراه و هيأتهاي عالي اقدام نمايد".

آئين نامه اجرائي اين ماده در تاريخ 11/6/1371 به تصويب هيأت وزيران رسيده است.

—

## ضوابط و مقررات تأسيس مراکز، مؤسسات، کانون ها و انجمن های فرهنگی و نظارت بر فعاليت آن ها مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی

2010-08-16 · Archive ID 65

<http://www.arsehsevom.net/fa/?p=65>

عرصه سوم: به استناد "اهداف و وظائف شوراي عالي انقلاب فرهنگي" [1] به ويژه بندهاي 3 و 2 و 4 و تبصره بند 3 از قسمت "ب" مصوبه مورخ 5/12/1364 شوراي عالي به منظور تحقق اهداف و اجرائي وظائف قانوني وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي [2] مصوب 12/12/1365 خصوصاً بندهاي 16- 17- 19- 22- 23- 24- ماده 2 قانون، ضوابط و مقررات تأسيس مراکز، مؤسسات، کانونها و انجمنهاي فرهنگي و نظارت بر فعاليت آنها بدین شرح تصويب ميشود:

### فصل اول- کليات و تعاريف

ماده 1- مراکز، مؤسسات، کانونها و انجمنهاي فرهنگي، تشکيلاتي است که با اهداف و مقاصد فرهنگي اعم از انتفاعي يا غير انتفاعي (بر طبق ماده 584 قانون تجارت [3] و آييننامه اصلاحي ثبت تشکيلات و مؤسسات غير تجاري مصوب 1337) [4] و بر اساس شرايط مندرج در اين ضوابط به مسئوليت اشخاص حقيقي يا حقوقي اعم از دولتي، عمومي و خصوصي، افراد واجد شرايط براي فعاليت در يك يا چند قلمرو فرهنگي، هنري و سينمائي و مطبوعاتي با سرمايه ايراني تشکيل مي دهند و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي مجوز تأسيس، نظارت بر فعاليتها و انحلال آنها را صادر مي کند.

ماده 2- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي بر طبق مقررات و شرايط مندرج در اين ضوابط پس از بررسي صلاحيت مؤسس يا مؤسسان و مدير يا مديران مسئول و با توجه به اهداف و موضوعات فرهنگي مندرج در اين اساسنامه آنها که مصاديق و قلمرو آن حسب مورد از سوي وزارتخانه مشخص خواهد شد نسبت به صدور مجوز تأسيس تصميم خواهد گرفت.

ماده 3- تأسيس مراکز فرهنگي اقليتهاي ديني رسمي کشور [5] در محدوده امور فرهنگي آن اقليت نيز منوط به اخذ مجوز طبق اين ضوابط است.

ماده 4- تأسيس مراکز فرهنگي موضوع اين ضوابط از طرف سفارتخانههاي کشورهاي خارجي و سازمانهاي آزاديبخش يا اشخاص غير ايراني با رعايت قوانين راجع به خارجيان مقيم ايران و تأييد وزارت امور خارجه طبق آييننامههاي خواهد بود که به تصويب وزير فرهنگ و ارشاد اسلامي ميرسد.

ماده 5- اهداف فرهنگي مصرح در اصول سياست فرهنگي جمهوري اسلامي ايران الهام بخش فعاليتها و هدفهاي پيشيني شده در اساسنامه مراکز مؤسسات و کانونها و انجمنهاي فرهنگي است و اين قبيل مراکز بايد در اساسنامه تنظيمي به رعايت کامل قوانين و مقررات نظام جمهوري اسلامي ايران و ضوابط فرهنگي ملزم شوند و فعاليت آنها منافاتي با مباني فرهنگ عمومي نداشته باشد.

### فصل دوم- شرايط مؤسسان و مدير مسئول

ماده 6- مؤسس يا مؤسسان و مديرمسئول تشکيلات فرهنگي موضوع ماده 1 بايد واجد اين شرايط باشند:

1- تابعيت جمهوري اسلامي ايران [6]

2- نداشتن سوء پیشینه کیفری مؤثر [7] به تأیید مراجع ذی ربط و برخورداری از حسن شهرت [8].

3- محجور نبودن [9] و عدم ورشکستگی به قلب و تقصیر.

4- دارا بودن 27 سال سن [10]

5- انجام خدمت وظیفه عمومی و یا ارائه برگ معافیت دائم.

6- داشتن امکانات کافی مناسب به تشخیص وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

7- داشتن مدرک کارشناسی یا معادل آن به تشخیص مراجع ذی ربط.

8- صلاحیت علمی و تخصصی یا تجارب کافی متناسب با موضوع (برای تقاضای مراکز تک منظوره) .

9- داشتن 6 ماه سابقه مؤثر فعالیت در مؤسسات و مراکز فرهنگی چند منظوره (برای متقاضی مراکز چند منظوره) .

ماده 7- کارگزاران نظام گذشته اعم از: نخستوزیران، وزیران، استانداران، امرای ارتش و شهربانی و ژاندارمری، رؤسای سازمانهای دولتی، نمایندگان مجلسین، سفرا، فرمانداران، شهرداران، رؤسای انجمنهای شهر و شهرستان تهران و مراکز استانها و اعضای ساواک، رؤسای حزب رستاخیز در تهران و مراکز شهرستانها و استانها و وابستگان رژیم سابق که در فاصله زمانی پانزدهم خرداد 1342 تا بیست و دوم بهمن 1357 در آن مشاغل بوده و همچنین کسانی که در این مدت از طریق مطبوعات، رادیو، تلویزیون یا سخنرانی در اجتماعات، خدمتگزاران تبلیغاتی نظام گذشته بودهاند و همچنین توطئهگران و اقدامکنندگان علیه اسلام و جمهوری اسلامی ایران، از تأسیس مراکز فرهنگی موضوع این ضوابط محرومند.

ماده 8- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با مصاحبهها و بررسیهای لازم و کافی ظرف یک ماه درباره تأیید صلاحیت یا عدم پذیرش تقاضا اعلام نظر خواهد نمود و در صورت اعلام موافقت اصولی با تقاضا، مؤسس یا مؤسسان موظفند در مدت یک ماه از تاریخ اعلام نسبت به ارائه اساسنامه و تحقق شرایط مندرج در آن که در این ضوابط به آن تصریح شده اقدام نمایند.

ماده 9- مؤسس یا مؤسسان در قبال سیاستهای فرهنگی و خط مشی کلی و مدیر مسئول در قبال فعالیتها و امور اجرایی مرکز فرهنگی مسئولند و وظایف و مسئولیتهای هر یک باید به تفکیک اساسنامه پیشنهادی منظور شود.

فصل سوم- شرایط و ضوابط مندرج در اساسنامه

ماده 10- اساسنامه مرکز فرهنگی موضوع این آییننامه باید واجد این نکات باشد:

1- ذکر اهداف فرهنگی و مصادیق فعالیتها و انطباق آنها با شرایط مندرج در این ضوابط و شیوهنامههای صادر شده در محدوده وظایف و اختیارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

2- ذکر نام و نوع فعالیت (غیر تجاری انتفاعی یا غیر انتفاعی) تابعیت و سرمایه و مدت فعالیت و التزامات قانونی مرکز فرهنگی.

3- ارکان و تشکیلات مرکز (مؤسس یا مؤسسان، هیأت مدیره و مدیر عامل یا مدیر مسئول، مجامع عمومی و نحوه تشکیل جلسات و رسمیت آنها و نصاب مقرر برای تصمیمگیری با تعیین حدود و وظایف و اختیارات و مسئولیتهای هر یک به تفکیک) .

4- سرمایه اولیه و منابع تأمین درآمد و دارایی و وضع امور مالی و محاسباتی و نحوه تقسیم سود (در مورد مراکز انتفاعی) یا تخصیص درآمدها (در مورد مراکز غیرانتفاعی) و چگونگی تأمین هزینهها و زیانهای احتمالی.

5- چگونگی اداره و عضو پذیری مراکز فرهنگی در آینده.

6- شرایط انحلال و تعیین تکلیف اموال مرکز فرهنگی پس از انحلال.

7- سایر شرایط و ضوابط با توجه به ضوابط و اهداف فرهنگی و بر اساس مقررات حاکم بر مؤسسات غیر تجاری که با مقاصد فرهنگی و در قلمرو يك يا چند فعالیت پیشبینی شده در ماده يك فعالیت میکنند.

تبصره 1- اساسنامه پیشنهادی متضمن موارد یاد شده در ماده 10 باید در دو نسخه تنظیم و به همراه صورت جلسات پس از امضا به تأیید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برسد.

تبصره 2- در انجمنهای فرهنگی (ادبی، هنری) که نوع فعالیت آنها غیر انتفاعی است تعداد مؤسسان نباید از 3 نفر کمتر باشد ولی در مؤسسات فرهنگی که در قلمرو يك فعالیت فرهنگی تأسیس میشوند رعایت این شرط الزامی نیست و مؤسسات و مراکز فرهنگی که در قلمرو دو فعالیت موضوع این ضوابط تأسیس میشوند تعداد مؤسسان نباید از تعداد فعالیتهای فرهنگی پیشبینی شده در اساسنامه آنها کمتر باشد.

فصل چهارم- نحوه بررسی تقاضای تأسیس و نظارت بر مراکز فرهنگی و چگونگی رسیدگی به تخلفات

ماده 11- به منظور بررسی تقاضاهای دریافتی و تحقیق و رسیدگی به صلاحیت متقاضیان و مدیران مسئول و صدور موافقت اصولی تأسیس مراکز فرهنگی و نظارت بر عملکرد آنها و نیز رسیدگی به موارد تخلف و تعلیق یا لغو جواز صادر شده هیأتی به تشخیص و تعیین وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی متشکل از افراد و مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحت عنوان "هیأت رسیدگی به امور مراکز فرهنگی" تشکیل میشود.

1- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی یا نماینده تام الاختیار وزیر (رئیس هیأت).

2- معاونان امور فرهنگی، هنری، مطبوعاتی، سینمایی و سمعی و بصری و پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

3- سه نفر از صاحب نظران امور هنری، فرهنگی و سینمایی به انتخاب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ماده 12- اعضای هیأت با حکم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی منصوب میشوند و مدت عضویت افراد منتخب 2 سال و تجدید انتخاب آنان برای دورههای بعدی بلامانع است.

ماده 13- جلسات هر 15 روز يك بار تشکیل خواهد شد، دعوت از اعضا و تنظیم دستور جلسه و تهیه صورت جلسات و امور اجرایی هیأت نسبت به پذیرش تقاضاها و بررسی مدارك و طرح شکایات را دبیر هیأت که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به این سمت منصوب میکند انجام خواهد داد و دبیرخانه هیأت به تعداد کافی کارمند دفتری و کارشناس امور حقوقی و فرهنگی خواهد داشت.

تبصره- مصوبات با امضای رئیس هیأت ابلاغ میشود.

ماده 14- دبیر هیأت تقاضاهای دریافتی را پس از تکمیل مدارك در جلسات هیأت مطرح و نتایج را در صورت جلسات منعکس میکند و پس از امضای اعضا و تصویب و تأیید وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، تصمیمات را رئیس هیأت ابلاغ خواهد کرد.

پروانه فعالیت مراکز، مؤسسات، کانونها و انجمنهای فرهنگی با امضای وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر میشود.

ماده 15- به تخلفها در هیأت رسیدگی میشود و در صورت اثبات تخلف، حسب مورد مجازاتهای اخطار شفاهی یا کتبی، تعلیق جواز یا تعطیل موقت مرکز فرهنگی از 3 ماه تا يك سال، تعطیل دائم و لغو مجوز، اعمال و توسط دبیر هیأت ابلاغ خواهد شد.

تبصره- متقاضیانی که صلاحیتشان از سوی هیأت تأیید نشده یا مؤسسات فرهنگی که به علت ارتکاب تخلف به یکی از مجازاتهای پیشبینی شده در ماده 16 (تعلیق و یا تعطیل موقت یا دائم مرکز فرهنگی) محکوم میشوند

میتوانند از تاریخ رؤیت تصمیم هیأت در مدت 20 روز اعتراض خود را با ذکر دلایل و ارائه مدارک به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تسلیم کنند. رأی وزیر در ردّ اعتراض یا قبول آن قطعی و لازمالاجرا است.

ماده 16- هرگاه عمل ارتكابي مركز فرهنگي، عناوين تخلف و جرايم پيشبيني شده در قوانين مجازات اسلامي و ساير مقررات و قوانين جزايي كشوري را توأماً دارا باشد پس از بررسي پرونده موضوع به مراجع صالح قضايي احاله و تا صدور حكم قطعي از فعاليت مركز فرهنگي جلوگیری خواهد شد.

ماده 17- مراجع انتظامي ذيصلاح مكلفند به تقاضاي وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي از ادامه فعاليت مراكز فرهنگي مذكور در مواد 15 و 16 بدون مجوز يا مراكزي كه جواز آنها لغو شده جلوگیری کنند.

#### فصل پنجم- مقررات عمومي

ماده 18- هرگاه مدير مسئول شرايط مندرج در ماده 8 را از دست بدهد يا استعفا دهد يا فوت شود مؤسس يا هيأت مؤسسان موظفند موضوع را به دبیرخانه هیأت گزارش دهند و در مدت 2 ماه فرد واجد شرایطی را به هیأت معرفی کنند. در غیر این صورت هیأت میتواند جواز صادر شده را معلق یا لغو کند.

تبصره 1- تا زمانی که صلاحیت مدیر مسئول جدید به تأیید نرسیده مسئولیتهای او به عهده مؤسسان یا مؤسس خواهد بود.

تبصره 2- اعلام نظر هیأت مبنی بر تأیید یا ردّ مدیر جدید باید در مدت يك ماه از تاریخ معرفی مدیر مسئول جدید به مركز فرهنگي ذي ربط ابلاغ شود.

ماده 19- مراكز فرهنگي موظفند با به كارگيري نامها و نشانهاي مناسبی كه مركز فرهنگي ديگري ثبت نكرده باشد، در توليدات و انتشارات خود، نام مركز، شماره ثبت و مجوز تأسيس و نشاني مركز را در محل مناسبی درج کنند.

ماده 20- مراكز، مؤسسات، كانونها و انجمنهاي در حال فعاليت و فاقد مجوز، موظفند از تاريخ تصويب اين ضوابط در مدت 6 ماه وضع خود را با اين مقررات تطبيق دهند و مدارك لازم را همراه اساسنامه جديد طبق ضوابط و شرايط مندرج در ماده 6 ارائه دهند و پس از تأييد و صدور مجوز جديد نسبت به ثبت آن اقدام کنند، در غير اين صورت با آنها طبق ماده 17 رفتار خواهد شد.

تبصره- مؤسساتي كه تا تصويب اين ضوابط با نامها و نشانهاي معيني فعاليت داشتهاند در ثبت اسامي و مشخصات خود اولويت دارند مشروط بر اين كه طبق مفاد ماده 20 عمل کنند.

ماده 21- هر مركز فرهنگي بايد دفاتر محاسباتي مهر و موم شده بر طبق قانون تهيه و مخارج و درآمدهاي خود را در آن ثبت کند، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي هر وقت لازم بداند ميتواند دفاتر مالي مراكز فرهنگي را بازرسي کند.

ماده 22- مراكز فرهنگي پس از تأييد صلاحيت مؤسسان و مديرمسئول و تصويب اساسنامه و صدور مجوز بايد نسبت به ثبت آن بر طبق اساسنامههاي كه به تأييد هيأت رسیده اقدام و نسخهاي از اساسنامه مهور به مهر اداره كل ثبت شركتها و مؤسسات غير تجاري را با ذكر شماره ثبت و به دبیرخانه هیأت تسلیم کنند و سازمان ثبت نیز موظف است نسبت به ثبت مراكز فرهنگي موضوع اين ضوابط بر طبق اساسنامه مورد تأييد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي اقدام نماید.

تبصره 1- سازمان ثبت اسناد بايد از ثبت مراكز، مؤسسات، كانونها و انجمنهاي فرهنگي فاقد مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي خودداري نماید.

تبصره 2- هرگاه پس از صدور مجوز در مدت 6 ماه نسبت به ثبت مراكز فرهنگي اقدامي نشود مجوز مركز فرهنگي بياعتبار ميشود و با اين قبيل مراكز ثبت نشده به عنوان فاقد مجوز برخورد قانوني خواهد شد.

ماده 23- آییننامه و روشهای اجرایی این ضوابط نسبت به چگونگی تحقیقات و بررسی صلاحیت متقاضیان و وظایف دبیرخانه و نحوه عمل هیأت حسب مورد از سوی معاونتهای ذی ربط تهیه و پس از تنقیح و تدوین در هیأت موضوع ماده 11 و تصویب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی میشود.

ماده 24- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مأمور اجرای این ضوابط و مقررات است و از تاریخ تصویب آن، مقررات مغایر ملغی است و درباره سایر مسائلی که در این ضوابط پیش بینی نشده با توجه به وظایف و اختیارات و مسئولیتهای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به شرح مندرج در قانون اهداف و وظایف این وزارتخانه [11] مصوب 12/12/1365 مجلس شورای اسلامی رفتار خواهد شد.

ماده 25- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی میتواند اجرای تمام یا قسمتی از این ضوابط را نسبت به مراکز فرهنگی که در قلمرو یک فعالیت فرهنگی تأسیس میشوند حسب مورد به معاونتهای ذی ربط یا ادارات کل ستادی یا اجرایی در تهران یا مراکز استانها محول و قسمتی از وظایف و اختیارات هیأت و دبیرخانه هیأت را به آنها تفویض کند.

ماده 26- این ضوابط مشتمل بر 5 فصل و 26 ماده در جلسه مورخ 8/8/1375 شورای عالی انقلاب فرهنگی به تأیید رسید و جایگزین ضوابط عام مصوب جلسات مورخ 22/1 و 13 و 20/2/1367 شورای مشترک کمیسیون-های شورای عالی و مصوبه دویست و شصت و دومین جلسه مورخ 7/8/1370 شورای عالی درباره نحوه تشکیل و صدور مجوز تأسیس انجمنهای فرهنگی (ادبی، هنری) شد و هرگونه تغییری در آن منوط به پیشنهاد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و تصویب شورایعالی انقلاب فرهنگی است.

[1] بنگ. به همین مجموعه ص 97

[2] بنگ. به همین مجموعه ص 57

[3] بنگ. به همین مجموعه ص 15

[4] بنگ. به همین مجموعه ص 17

[5] بنگ. به پاورقی شماره 5

[6] بنگ. به پاورقی شماره 21

[7] بنگ. به پاورقی شماره 22

[8] "حسن شهرت" در حقوق اداری ایران تعریف نشده است و بدین ترتیب ضابطهای است که حاکمیت قانون را خدشه دار میسازد.

[9] به افراد صغیر، سفیه و مجنون، محجور گفته میشود. ماده 1207 قانون مدنی در این باره اشعار میدارد: "اشخاص ذیل محجور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند:

- صغار
- اشخاص غیر رشید
- مجانین."

[10] این بند در جلسه 534 مورخ 5/12/1382 شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده است. بند سابق دارا بودن حد اقل 25 سال و شرط تأهل را لازم میدانست.

[11] بنگ. همین مجموعه ص 57

## ضوابط حمایت از تشکلهای تخصصی صنعتی و مشارکت مردمی در تصدی امور قابل واگذاری و ایجاد رقابت سالم

2010-08-16 · Archive ID 67

<http://www.arsehsevom.net/fa/?p=67>

عرصه سوم: شورای عالی اداری در هشتاد و یکمین جلسه مورخ 2/10/1377 در راستای تکالیف مندرج در قانون برنامه دوم توسعه به منظور کاهش وظایف تصدی دولت ترویج و حمایت از تشکلهای تخصصی صنعتی و مشارکت عامه مردم در تصدی امور قانون واگذاری و ایجاد رقابت سالم بنا به پیشنهاد مشترک وزارت صنایع و سازمان امور اداری و استخدامی کشور آئین نامه زیر را تصویب نمود.

ماده 1- انجمن تخصصی صنایع همگن تشکیلاتی غیر دولتی است که به منظور تأمین و پیشبرد اهداف و مقاصد علمی و تخصصی به صورت مؤسسه‌های غیر انتفاعی با مسئولیت اشخاص حقیقی یا حقوقی تأسیس میگردد.

ماده 2- خانه‌های صنعت استانی نهادی غیر سیاسی و غیر انتفاعی است که از اجتماع انجمن‌های تخصصی همگن استانی به منظور زمینه سازی تقویت و مؤثر سازی نقش و فعالیت این انجمن‌های تأسیس میگردد.

ماده 3- صدور مجوز تأسیس انجمن‌های تخصصی صنایع همگن و تشکیل خانه‌های صنعت استانی و تجدید پروانه و نظارت بر حسن انجام آنها به عهده وزارت صنایع خواهد بود.

ماده 4- انجمن‌های تخصصی صنایع همگن و خانه‌های صنعت استانی صرفاً به فعالیت در زمینه‌های تخصصی علمی و تحقیقاتی خواهند پرداخت و مجاز به فعالیت‌های سیاسی و صنفی نمی‌باشند و در صورت درخواست فعالیت‌های سیاسی دریافت مجوز لازم از کمیسیون ماده 10 قانون الزامی بوده و در صورت نیاز به فعالیت صنفی می‌بایست بر اساس ماده 131 قانون کار [1] نسبت به برگزاری انتخابات و اخذ مجوز لازم از وزارت کار و امور اجتماعی اقدام نماید.

ماده 5- اساسنامه این انجمن‌ها و خانه‌های صنعت استانی و هرگونه تغییر در مواد آن به تصویب وزارت صنایع خواهد رسید.

ماده 6- رسیدگی به درخواست تأسیس و بررسی صلاحیت علمی و عمومی هیأت مؤسس و هیأت مدیره انجمن‌های تخصصی صنایع همگن و خانه‌های صنعت استانی و تصویب آن (ضمن رعایت ماده 7 قانون احزاب) و رسیدگی به تخلفات و تعطیل موقت، لغو پروانه و انحلال آنها با کمیسیونی است که زیر نظر وزیر صنایع تشکیل میگردد.

ماده 7- ترکیب کمیسیون موضوع بند 6 و شرح وظایف آن و نحوه رسیدگی به تخلفات و تعطیل موقت، لغو پروانه و انحلال انجمن‌ها و خانه‌های صنعت استانی مطابق آئین‌نامه‌های خواهد بود که به پیشنهاد مشترک سازمان امور اداری و استخدامی کشور و وزارت صنایع و وزارت کشور به تصویب "کمیسیون امور زیربنایی دولت" خواهد رسید.

ماده 8- این مصوبه بصورت آزمایشی در وزارت صنایع اجرا میشود و طرح نهایی با هدف تعمیم آن در بقیه عرصه‌های تولیدی به تصویب شورای عالی اداری خواهد رسید.

ماده 9- وزیر صنایع مسئول حسن اجرای این مصوبه بوده و سازمان امور اداری و استخدامی کشور گزارش پیشرفت کار را به شورای عالی اداری ارائه خواهد نمود.

[1] بنگ. همین مجموعه ص 70

## ضوابط فعالیت تشکلهای اسلامی دانشگاهها

2010-08-16 · Archive ID 69

<http://www.arsehsevom.net/fa/?p=69>

اشاره- دانشگاهها و مراکز آموزش عالی هر جامعه معرف و مبین بالاترین سطح تفکر و علم آن جامعه محسوب میشود و اصول جهان بینی و نظام اعتقادی و ارزشی جامعه را در خود متجلی میسازند و با تربیت متفکران و دانشمندان و مدیران آینده، در جهت بخشیدن به حرکتهاي گوناگون فکري، اعتقادي، فرهنگي و سياسي جامعه مؤثر واقع میشوند. از اینجا میتوان گفت که دانشگاههاي مختلف جهان، علاوه بر اشتراكاتي که به اعتبار دانشگاه بودن با یکدیگر دارند به اعتبار تعلق به جوامعي با بینشها و ارزشهاي مختلف واجد خصوصياتي هستند که آنها را از یکدیگر متفاوت و متمایز میسازد.

جامعه ایرانی که در انقلاب اسلامي خود با رویکردهاي الهي و معنوي، جهان بینی و نظام ارزشي اسلام را مبنای شئون گوناگون خود قرارداد، خواهان آن است که دانشگاههاي متناسبي با مباني و ارزشهاي اسلامي داشته باشد تا هم بتواند در آن دانشگاهها از مباني و معيارها خود آگاهی و شناخت دقیق تر و ژرفتر حاصل کند و هم با تربیت متفکران و مدیران بر وفق آن مباني و معيارها، به ترویج و تعمیم آنها در کل جامعه مبادرت نماید. ایفای چنین رسالت مهمي نیازمند تلاش و کوشش سازمان یافته دانشگاهیان در پرتو نظم و انضباط و قانونمندی است. آئین نامه حاضر بر مبنای چنین تفکري، با نظر به اصول عمومي و اختصاصي حاکم بر دانشگاهها بر اساس مصوبه شوراي عالی انقلاب فرهنگي و به منظور توسعه و تشویق فعالیتها و حمایت از حقوق سياسي و اجتماعي دانشگاهیان در چارچوب قوانین موضوعه کشور تدوین گردیده است.

### فصل اول- کلیات و تعاریف

ماده 1 - در این آئین نامه تعاریف زیر مورد نظر است:

1-1. دانشگاه: به هر يك از دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشي اعم از دولتي و غیر دولتي اطلاق میشود.

1-2. تبصره- هر مرکز یا واحد دانشگاهي وابسته به دانشگاههاي دولتي در دیگر شهرها و نیز هر واحد دانشگاه غیر دولتي در این آئین نامه همانند دانشگاه محسوب میشود.

2-1. دانشگاهیان: عبارت از دانشجویان و اعضاي هیأت علمي دانشگاه میباشد.

3-1. تشکل اسلامي: جمعيتي مرکب از دانشگاهیان است که پس از دریافت مجوز رسمي فعالیت از مرجع ذي صلاح ( هیأت نظارت دانشگاه- مصرح در فصل سوم این آئین نامه ) در جهت تحقق اهداف اسلامي و ارزشهاي انقلاب و نظام اسلامي مصرح در چهارچوب قانون اساسي و این آئین نامه فعالیت مینماید.

4-1. عضو: به هر يك از دانشگاهیان که نسبت به ثبت نام خود براي عضویت در يکي از تشکلهاي اسلامي اقدام نموده و پذیرفته شده است اطلاق میشود. (عضویت به منزله موافقت با اساسنامه تشکل است).

تبصره- هر فرد تنها میتواند در زمان واحد در يك تشکل اسلامي عضویت داشته باشد و در غیر این صورت عضویت مؤخر قابل قبول است.

ماده 2- محدوده فعالیت:

1-2. هر نوع فعالیت سياسي، فرهنگي و اجتماعي تشکلهاي اسلامي در حدود اساسنامه تشکل در داخل دانشگاه و در چارچوب ضوابط و مقررات دانشگاه و این آئین نامه و سایر قوانین موضوعه کشور مجاز است.

تبصره 1: برای هرگونه فعالیت در خارج از دانشگاه، تشکلهای موظفند طبق قانون احزاب[1] مجوز فعالیت دریافت دارند.

تبصره 2: راه اندازی هر نوع پایگاه اطلاع رسانی رایانهای یا مجوز شوراي فرهنگي دانشگاه صورت میگیرد.[2]

1-3. برگزاری سخنرانی، تجمع، راهپیمایی، میزگرد، تریبون آزاد و نصب تابلوهای تشکلهای دانشجویی با ارائه مجوز از هیئت نظارت دانشگاه امکان پذیر است.

تبصره 1: انتشار هر نوع نشریه‌ای به استثنای نشریات علمی دانشگاهی با مجوز شورای فرهنگی دانشگاه صورت میگیرد.

تبصره 2: شورای فرهنگی دانشگاه در صورت مغایرت هر نوع فعالیت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی با مصالح دانشگاه، ضوابط شرعی و ارزشهای انقلاب اسلامی، مراتب را به ریاست دانشگاه اعلام مینماید و رئیس دانشگاه موظف است در صورت اعلام شورای فرهنگی و یا مشاهده موارد خلاف از آنها جلوگیری کند.

فصل دوم: تشکلهای:

ماده 3 - تشکلهای با طی مراحل زیر تأسیس میگردند:

1-3. حداقل 5 نفر از دانشجویان یا 3 نفر از اعضای هیأت علمی با داشتن شرایط زیر میتوانند به عنوان هیأت مؤسس با ارائه نام مشخصی برای تشکل، تقاضای صدور پروانه فعالیت نمایند:

الف: اعتقاد و التزام عملی به اسلام، ولایت مطلقه فقیه و قانون اساسی

ب: برخورداری از حسن شهرت [3] و اخلاق اسلامی و حداقل دو نیم سال تحصیلی اشتغال به تحصیل در دانشگاه مزبور برای تشکلهای دانشجویی و حداقل دو سال استخدام رسمی یا آزمایشی در دانشگاه مزبور برای تشکل اعضای هیأت علمی

2-3. کسانی که به موجب ماده 7 قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمنهای سیاسی و صنفی [4] از حق تأسیس جمعیت و حزب سیاسی و یا شرکت در هیأت رهبری آن محرومند، نمیتوانند به عنوان هیأت مؤسس تقاضای صدور پروانه برای ایجاد تشکل در مراکز آموزش عالی نمایند.

3-3. در صورت تأیید صلاحیت حداقل لازم اعضای هیأت مؤسس (موضوع بند 1-3) و تأیید نام تشکل، هیأت نظارت دانشگاه حداکثر ظرف پانزده روز کاری موافقت اصولی با تأسیس تشکل را صادر مینماید.

4-3. هیأت مؤسس مکلف است حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ دریافت موافقت اصولی فهرست اسامی اعضا و اساسنامه را به هیأت نظارت تسلیم نماید. در غیر این صورت، درخواست تأسیس کان لم یکن تلقی میشود.

تبصره- التزام به قانون اساسی، ولایت مطلقه فقیه، قوانین موضوعه کشور و آئین نامه‌های مصوب بایستی مصرحاً در اساسنامه تشکل آمده باشد.

5-3. هیأت نظارت پس از دریافت فهرست اسامی اعضا (درحد نصاب لازم) حداکثر ظرف دو ماه نسبت به بررسی و تصویب اساسنامه و صدور مجوز برای تشکل واجد شرایط اقدام مینماید.

6-3. هیأت نظارت موظف است در صورت عدم تصویب اساسنامه، مراتب را به طور کتبی با ذکر دلایل و مستندات به متقاضیان اعلام نماید و متقاضیان میتوانند ظرف مدت یک ماه ضمن تأمین نظر هیأت تقاضای تجدید نظر نمایند.

تبصره 1 - در صورت امتناع هیأت نظارت دانشگاه از صدور پروانه و یا اعتراض هیأت مؤسس تشکل به نظرات هیأت نظارت درباره اساسنامه تشکل، هیأت مؤسس میتواند اعتراض خود را به هیأت نظارت مرکزی (موضوع ماده 5 این آئین نامه) ارسال نماید و هیأت نظارت مرکزی موظف است ظرف حداکثر مدت دو ماه نسبت به اعتراض واصله رسیدگی و اعلام نظر نماید.

تبصره 2. هر نوع تغییر در اساسنامه منوط به تأیید هیأت نظارت دانشگاه میباشد.

7-3. حد نصاب تعداد اعضاي تشکلهای دانشجویی با احتساب هیأت مؤسس 3 درصد کل دانشجویان آن دانشگاه و حداقل 50 نفر میباشد.

8-3. حد نصاب تعداد اعضاي تشکلهای هیأت علمی با احتساب هیأت مؤسس 5 درصد کل اعضاي هیأت علمی آن دانشگاه و حداقل 10 نفر میباشد.

فصل سوم- نظارت:

ماده 4- به منظور حمایت از حقوق سیاسی و اجتماعی دانشگاهیان و انجام وظایف مقرر در این آئین نامه، هیأت نظارت در هر دانشگاه با ترکیب و شرح وظایف زیر تشکیل میشود:

1-4. ترکیب هیأت نظارت دانشگاه:

الف: رئیس دانشگاه (رئیس هیأت)

ب. مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه

ج. نماینده وزارت فرهنگ و آموزش عالی یا بهداشت، درمان و آموزش پزشکی یا دانشگاه آزاد اسلامی حسب مورد

2-4. وظایف هیأت نظارت دانشگاه:

الف. بررسی اساسنامه و صلاحیت اعضاي مؤسس تشکلهای اسلامی

ب. اعلام موافقت اصولی و صدور پروانه فعالیت برای تشکلهای اسلامی

ج. صدور انجام فعالیت تشکلهای

د. نظارت بر حسن اجرای انتخابات تشکلهای اسلامی

هـ. رسیدگی به تخلفات تشکلهای بر اساس آئین نامه مربوط

و. رسیدگی به شکایات واصل شده از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی در ارتباط با فعالیتهای تشکلهای اسلامی

ز. توقف و یا لغو پروانه فعالیت تشکلهای اسلامی

تبصره- هیأت نظارت دانشگاه میتواند پس از تأیید هیأت نظارت مرکزی بخشی از وظایف خود را شامل بندهای (ج، د، ه، و) به شورایی متشکل از معاونت دانشجویی و فرهنگی دانشگاهها، معاونت دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه و نماینده وزارتخانههای علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دانشگاه آزاد اسلامی حسب مورد تفویض نماید.[5]

ماده 5 - به منظور انجام وظایف مقرر در این آئین نامه، هیأت نظارت مرکزی در وزارتخانههای فرهنگ و آموزش عالی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دانشگاه آزاد اسلامی با ترکیب و شرح وظایف زیر تشکیل میشود:

1-5. ترکیب هیأت نظارت مرکزی:

الف. وزیر یا رئیس دستگاه

ب. رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها

ج. یکی از معاونان وزیر یا رئیس دستگاه به انتخاب وی

د. يك نفر از رؤساي دانشگاهها حسب مورد

هـ. نماينده شوراي عالي انقلاب فرهنگي

2- 5. وظائف هيأت نظارت مركزي:

الف. رسيدگي نسبت به درخواستهاي تجديدنظر در تصميمات هيأت نظارت دانشگاهها و تخلفات آنها حداكثر ظرف مدت دو ماه

ب. تدوين و تصويب دستورالعملهاي اجرايي اين آئين نامه حسب مورد.

ج. تدوين و تصويب آئين نامه رسيدگي به شكايات و تخلفات تشكلهاي اسلامي

آئين نامه فوق در 5 ماده و 8 تبصره در جلسه 448 مورخ 9/6/1378 شوراي عالي انقلاب فرهنگي به تصويب رسيد و از تاريخ تصويب، آئين نامههاي مغاير با آن [6] ملغي ميشود.

تكميل آئين نامه تشكلهاي اسلامي دانشگاهيان [7]

ماده 6- كلييه تشكلهاي اسلامي دانشگاهيان كه بر اساس مصوبه جلسه 265 مورخ 28/8/1370 شوراي عالي انقلاب فرهنگي تشكيل شدهاند، قانونياند و رسميت دارند.

1- 6- فعاليتهاي كلييه تشكلهاي اسلامي دانشگاهي از تاريخ تصويب بر اساس مفاد اين آئين نامه خواهد بود.

2- 6 - تشكلهاي اسلامي مزبور موظفند حداكثر ظرف يك سال اساسنامههاي خود را با اين آئين نامه تطبيق دهند.

3- 6- چنانچه بر اساس تشخيص هيأت نظارت مركزي، هر کدام از تشكلهاي مزبور حائز شرايط نبودند با آن تشكل برخورد قانوني صورت ميگيرد.

ماده 7- مسئوليت هماهنگي و توزيع عادلانه كمكهاي دانشگاه به تشكلهاي بر عهده هيأت نظارت خواهد بود.

1- 7- مسئولان ذي ربط تنها مجازند به تشكلهايي تسهيلات ارائه داده و يا اجازه استفاده از امكانات دانشگاهها را بدهند كه مجوز فعال را طبق اين آئين نامه دريافت کرده باشند.

ماده 8- دستورالعملهاي اجرايي اين آئين نامه و همچنين آئين نامه رسيدگي به شكايات و تخلفات تشكلهاي اسلامي در جلسه مشترك هيأتهاي نظارت مركزي وزارتخانههاي فرهنگ و آموزش عالي و بهداشت، درمان و آموزش پزشكي و دانشگاه آزاد اسلامي در محل ديرخانه شوراي عالي انقلاب فرهنگي و در شكل واحد به تصويب نهايي ميرسد.

[1] بنگ. همين مجموعه ص 25

[2] تبصره مذكور در جلسه 511 شوراي عالي انقلاب فرهنگي مورخ هشت بهمن ماه 1381 به تصويب رسده و به اين ماده الحاق شد.

[3] بنگ. به پاورقي شماره 45

[4] بنگ. همين مجموعه ص 25

[5] اين تبصره در جلسه 493 شوراي عالي انقلاب فرهنگي مورخ 9/11/1380 به تصويب رسيده است.

[6] مصوبه جلسه 265 شوراي عالي انقلاب فرهنگي مورخ 1370 تحت عنوان "آئين نامه تشكلهاي اسلامي دانشگاهها" به وسيله اين مصوبه نسخ شد.

[7] آئین نامه تشکلهای اسلامی دانشگاهها مصوب 1378 در 5 ماده ارائه شده بود. شوراي عالي انقلاب فرهنگي در جلسه 449 خود مورخ 6/7/1378 سه ماده 6، 7 و 8 را طي مصوبه‌اي تحت عنوان "تكميل آئين نامه تشکلهای اسلامی دانشگاهيان" به مصوبه قبلي خود افزود.

## آئين نامه چگونگی تشکيل، حدود وظايف، اختيارات و چگونگی عملکرد انجمن‌های اسلامی کارگری

2010-08-16 · Archive ID 72

<http://www.arsehsevom.net/fa/?p=72>

آئين نامه چگونگی تشکيل، حدود وظايف، اختيارات و چگونگی عملکرد انجمنه‌اي اسلامی کارگري مصوب پنجم اردي بهشت ماه 1380 هیأت وزیران

اشاره- هیأت وزیران در جلسه مورخ 5/2/1380 بنا به پیشنهاد شماره 64914 مورخ 19/10/1374 وزارت کار و امور اجتماعي و به استناد تبصره (2) ماده (130) قانون کار جمهوری اسلامی ایران- مصوب 1369 آئين نامه چگونگی تشکيل، حدود وظايف، اختيارات و چگونگی عملکرد انجمنه‌اي اسلامی کارگري را به شرح زیر تصویب نمود:

فصل اول- اهداف، وظايف و اختيارات انجمنه‌اي اسلامی کارگري

ماده 1- به منظور تبليغ و گسترش فرهنگ اسلامی و دفاع از دستاورده‌اي انقلاب اسلامی، کارگران شاغل در واحده‌اي توليدي، صنعتي کشاورزي، صنفي و خدماتي مشمول قانون کار که بيش از پنجاه نفر شاغل داشته باشند، ميتوانند انجمن اسلامی کارگري- که از اين به بعد انجمن ناميده ميشود- تشکيل دهند.

تبصره 2- در هر واحد يك انجمن تشکيل ميشود و چنانچه واحدي از لحاظ استقرار جغرافيايي داراي کارگاهه‌اي متعدد در سطح يك يا چند شهرستان باشد، انجمن بنا به تشخيص هیأت نظارت استان ميتواند در کارگاهه‌اي ياد شده دفتر تشکيل دهد.

ماده 2- حدود وظايف و اختيارات انجمن به شرح زیر است:

1- همکاري در برپايي نماز جماعت و تعظيم شعائر مذهبي، تشکيل جلسات وعظ، خطابه و سخنراني به مناسبت- هاي گوناگون.

2- تشويق کارگران به حضور در صحنه‌اي عبادي و دفاع از دستاورده‌اي انقلاب اسلامی.

3- تشکيل کلاسهاي عقيدتي و فرهنگي و تشويق کارگران به شرکت در آنها.

4- تشکيل کتابخانه يا مرکز مطالعاتي و توزيع کتب و نشریات بين کارگران واحد.

5- نشر جزوه مقاله و نشریه در زمینه‌هاي مذهبي با رعايت ضوابط ابلاغي وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

6- کمک به تشکيل اردوها و گردهماهيهاي مربوط در چهارچوب وظايف و اختيارات و شرکت در آنها.

7- تشويق کارگران در جهت تقويت روحیه استقلال، خودکفايي، ابداع ابتکار، اختراع.

8- تلاش براي ارتقاي روابط برادرانه و اسلامی بين کارگران واحد.

9- تشويق کارگران به همکاري با سازمانه‌اي مسئول در صورت وقوع حوادث غير مترقبه مانند سيل، زلزله و آتش سوزي.

10- اهتمام در ایجاد زمینه‌های لازم جهت مشارکت هر چه بیشتر کارگران واحد در امور مختلف فرهنگی، اجتماعی نظیر ارائه خدمات به نیازمندان و آسیب دیدگان.

11- رسیدگی به خانواده‌های محترم کارگران ایثارگر.

12- تلاش در جهت غنی کردن اوقات فراغت کارگران و خانواده‌های آنها.

13- همکاری در شناسایی و تقویت استعدادها در بین کارگران و خانواده‌های آنان و فراهم آوردن زمینه‌های رشد و شکوفایی آنان.

تبصره- فعالیتهای انجمن باید در کلیه موارد به ترتیبی برنامه ریزی شود تا ضمن هماهنگی با مدیریت واحد مانع اجرای برنامه‌ها و فعالیت واحد نشود.

فصل دوم- شرایط و چگونگی تأسیس

ماده 3- انجمن بنا به پیشنهاد هیأت مؤسس که حداقل مرکب از پنج نفر از افراد دارای شرایط موضوع ماده (10) این آئین نامه باشند، تشکیل میشود.

ماده 4- هیأت مؤسس موظف است، قبل از هر اقدامی به دبیرخانه هیأت نظارت استان مربوط مراجعه و مجوز تشکیل انجمن در واحد مربوط را دریافت کند.

هیأت‌های نظارت استان در صورت احراز صلاحیت هیأت مؤسس، اجازه شروع فعالیت برای تشکیل انجمن را صادر میکنند.

تبصره- انجمن‌های اسلامی که قبلاً تشکیل شده‌اند باید ظرف شش ماه با مراجعه به هیأت نظارت استان وضعیت خود را با این آئین نامه تطبیق دهند. در غیر این صورت و پس از پایان مدت مذکور فعالیت آنها متوقف میشود.

ماده 5- وظایف هیأت مؤسس بشرح زیر است:

1- تهیه آگهی تشکیل انجمن و نصب آن در تابلوی اعلانات یا مکان‌های مناسب که مشتمل بر موارد زیر باشد:

الف- اعلام شرایط عضویت در انجمن با رعایت ماده (6) این آئین نامه.

ب اعلام ثبت نام داوطلبان عضویت در ارکان انجمن.

2- تسلیم يك نسخه از فهرست اسامی متقاضیان عضویت در انجمن و سایر مدارك لازم به دبیرخانه هیأت نظارت استان و دریافت رسید.

3- دعوت اولین مجمع عمومی با حضور نماینده هیأت نظارت استان برای انتخاب اعضای شورای مرکزی و ناظر انجمن.

تبصره- هیأت نظارت استان با تقاضای تأسیسی موافقت خواهد نمود که حداقل سه برابر افراد واجد صلاحیت عضویت در شورای مرکزی، متقاضی عضویت در شورای انجمن و تصدی مسئولیت ناظر باشند.

ماده 6- هر کارگر مسلمانی که عامل به فرائض دینی و مذهبی باشد، حق عضویت در انجمن واحد مربوط را دارد و اعضای هیأت مؤسس موظف به ثبت نام کارگران متقاضی عضویت در انجمن هستند.

تبصره- در صورتی که درخواست عضویت (کارگران متقاضی عضویت در انجمن) توسط هیأت مؤسس یا شورای مرکزی مورد پذیرش قرار نگیرد تصمیم گیری نهایی بر عهده هیأت نظارت موضوع ماده (17) این آئین خواهد بود.

فصل سوم- ارکان و تشکیلات

ماده 8- انجمن اسلامي کارگري داراي ارکان زیر است:

1- مجمع عمومي

2- شوراي مرکزي

3- ناظر

ماده 9- حدود وظايف و اختيارات ارکان انجمن بشرح زیر است و اساسنامه نمونه انجمنها در چهارچوب مفاد اين آئين نامه توسط هيأت موضوع ماده (16) تنظيم و به استانها ابلاغ ميشود.

الف: وظايف و اختيارات مجمع عمومي:

1- تعيين خط مشي و تصويب برنامه سالانه انجمن باتوجه به پيشنهاد ارائه شده توسط شوراي مرکزي

2- بررسي و تصميم گيري در مورد گزارش شوراي مرکزي در مورد عملکرد شورا

3- تصويب آئين نامه مربوط به قبول هدايا و ساير آئين نامههاي مورد نیاز انجمن

4- بررسي و تصويب بودجه و ترازنامه سالانه انجمن يا پيشنهاد شوراي مرکزي

4- بررسي و تصويب بودجه و ترازنامه سالانه انجمن با پيشنهاد شوراي مرکزي

5- تعيين ميزان حق عضويت سالانه اعضا

6- تنظيم تغييرات اساسنامه در چهارچوب اساسنامه نمونه

7- بررسي و اتخاذ تصميم نسبت به ساير اموري که طبق مقررات در صلاحيت مجمع عمومي انجمن است

ب- وظايف و اختيارات شوراي مرکزي:

1- تنظيم برنامههاي سالانه و پيشنهاد خط مشي انجمن جهت تصويب مجمع عمومي

2- ارائه گزارش عملکرد شوراي مرکزي به مجمع عمومي

3- تهيه و تنظيم آئين نامههاي موضوع بند (3) قسمت (الف) جهت تصويب مجمع عمومي

4- تهيه و تنظيم صورتهاي مالي و ترازنامه و بودجه سالانه انجمن و همچنين برآورد ميزان حق عضويت سالانه اعضا جهت تصويب مجمع عمومي

5- اجراي مصوبات مجمع عمومي و فعاليت در جهت تحقق اهداف و وظايف و اختيارات انجمن

6- انتخاب دير شورا براي انجام وظايف اجرايي و اداري و همچنين انجام نمايندگي شورا در مراجع قانوني

پ- وظايف و اختيارات ناظر:

انجام امور نظارت و حساببرسي و بررسي عملکرد شوراي مرکزي انجمن به عهده ناظر است. ناظر مجاز است در جلسات شوراي مرکزي شرکت نموده و با مراجعه به اسناد و مدارك و بررسي فعاليت انجمن گزارش مستدل خود را نسبت به امور ياد شده حداکثر 15 روز قبل از جلسه مجمع عمومي تسليم مجمع مزبور نمايد.

ماده 10- شرايط عضويت در شوراي مرکزي انجمن:

الف- داشتن التزام عملي به اسلام، اصل ولايت فقيه و قانوني اساسي

ب- سابقه حضور و فعالیت در صحنه‌های مختلف انقلاب اسلامی

پ- داشتن حسن شهرت [1] و تدبیر لازم جهت پیشبرد امور انجمن

ت- داشتن حداقل یکسال سابقه کار در واحد ذي ربط

تبصره- تأیید صلاحیت داوطلبان عضویت در شوراي مركزي و ناظر انجمن از اختیارات هیأت نظارت استان است.

ث- نداشتن سابقه محکومیت سیاسی و اجتماعی که موجب محرومیت از حقوق اجتماعی شود.

ماده 11- اعضای شوراي مركزي و ناظر انجمن برای مدت چهار سال انتخاب می‌شوند و تعداد آنان با توجه به تعداد کارکنان واحد مربوط بشرح زیر تعیین می‌شود.

- تا (500) نفر (3) عضو اصلي و (2) عضو علي البدل

- از (501) تا (2000) نفر (5) عضو اصلي و (3) عضو علي البدل

- از (2001) تا (7000) نفر (7) عضو اصلي و (4) عضو علي البدل

- از (7001) نفر به بالا (9) عضو اصلي و (5) عضو علي البدل

ماده 12- انتخابات شوراي مركزي و ناظر بر عهده مجمع عمومي عادي به طور فوق العاده است که حداکثر يك ماه قبل از انقضای مدت فعالیت شوراي مركزي قبلي صورت می‌گیرد.

تبصره- تا تعیین شوراي مركزي و ناظر جدید، شوراي مركزي و ناظر قبلي حداکثر میتوانند تا (6) ماه به کار خود ادامه دهند.

ماده 13- در صورت استعفا، فوت یا برکناری اعضای شوراي مركزي انجمن و ناظر، چنانچه با جانشینی اعضای علي البدل که به ترتیب آرا صورت می‌گیرد اکثریت لازم حاصل نشود، انتخاب مجدد برگزار می‌شود.

تبصره- در صورتی که هر يك از اعضای شوراي مركزي به تشخیص و اعلام هیأت نظارت استان، شرایط عضویت موضوع ماده (10) این آئین نامه را از دست بدهند، از عضویت در شوراي مركزي و تصدی مسئولیت نظارت برکنار می‌شوند.

ماده 14- اعضای شوراي مركزي و ناظر پس از انتخاب در چهارچوب این آئین نامه اعتبار نامه خود را از هیأت نظارت استان دریافت می‌کنند.

ماده 15- ساعاتی که اعضای شوراي مركزي در زمان کار موظف خود در واحد مربوط به انجام وظایف مربوط به انجمن مشغول هستند، جزو ساعات کار آنها محسوب می‌شود. میزان این ساعات با هماهنگی مدیریت واحد توسط هیأت نظارت استان تعیین می‌شود که به هر حال از (25) ساعت در ماه بیشتر نخواهد بود.

فصل چهارم- هیأت نظارت استان و هیأت عالي نظارت

ماده 16- به منظور ایجاب هماهنگی بین هیأت‌های نظارت استانها و سیاستگذاری لازم برای انجمنهای اسلامی کارگري موضوع این آئین نامه همچنین پاسخگویی به استعلامهای هیأت‌های نظارت استان، هیأت مركزي نظارت به ریاست وزارت کار و امور اجتماعی و عضویت وزارتخانه‌های کشور، صنایع و معادن، سازمان تبلیغات اسلامی و نماینده کانون عالی انجمنهای اسلامی کل کشور تشکیل می‌شود.

تبصره- اجرای وظایف موضوع، بندهای (ب، پ و ت) ماده (18) این آئین نامه در مورد سایر واحدهای ملي بنا به پیشنهاد وزیر یا بالاترین مقام اجرایی دستگاه‌های مستقل و هیأت عالي مركزي و تأیید شواري عالي کار مشخص می‌شوند.

ماده 17- به منظور نظارت بر فعالیت انجمنهای اسلامی استان، هیأت نظارت استان به ریاست معاون سیاسی استاندار و عضویت مدیران کل کار و امور اجتماعی، سازمان صنایع و معادن استان، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی استان و دبیرکانون هماهنگی انجمنهای اسلامی استان به انتخاب آنها) تشکیل میشود.

ماده 18- وظایف هیأت نظارت استان بشرح زیر میباشد:

الف- نظارت بر فعالیت انجمنهای اسلامی استان، با رعایت سیاستهای کلی هیأت مرکزی نظارت و مفاد این آئین نامه.

ب- تأیید صلاحیت و تطبیق شرایط هیأت مؤسس با ماده (3) این آئین نامه و صدور اجازه شروع به فعالیت آنان.

پ- تأیید صلاحیت و تطبیق شرایط هیأت مؤسس با ماده (3) این آئین نامه و صدور اجازه شروع به فعالیت آنان.

ت- صدور اعتبار نامه اعضای شورای مرکزی و ناظر انجمن.

ث- تعیین ساعات مجاز برای فعالیت اعضای شورای مرکزی و ناظر انجمن.

ج- اعلام نظر در خصوص تشکیل مجامع انجمنهای اسلامی کارگری با رعایت تبصره (1) ماده (5) این آئین نامه.

چ- پاسخگویی به استعلامهای مربوط به فعالیتهای اسلامی کارگری.

ح- رسیدگی به تخلفات اعضای شورای مرکزی و انجمنهای اسلامی کارگری.

خ- انجام سایر اموری که به موجب این آئین نامه برعهده هیأت نظارت استان گذاشته شده است.

ماده 19- نظارت بر چگونگی فعالیت انجمنهای اسلامی و رسیدگی به تخلفات آنها بر عهده هیأت نظارت همان استان است. هیأت نظارت استان در صورت ضرورت میتواند نسبت به توقف فعالیت انجمن اتخاذ تصمیم نماید و باید مراتب را برای اتخاذ تصمیم نهایی به هیأت مرکزی گزارش کند.

ماده 20- کارفرمایان واحد ضمن همکاری با انجمنهای اسلامی کارگری در جهت تحقق وظایف انجمن و تأمین تسهیلات و امکانات برای فعالیت آن اقدامات لازم را معمول خواهند داشت.

ماده 21- انجمنهای اسلامی کارگری موظف به ثبت و نگهداری اسناد و مدارك و صورت جلسات و دفاتر مربوط میباشند.

فصل پنجم- تشکیل کانون انجمنهای اسلامی

ماه 22- انجمنهای اسلامی میتوانند به منظور انسجام و هماهنگی بیشتر در انجام وظایف و شیوههای تبلیغی در اجرای تبصره (1) ماده (130) قانون کار، [2] نسبت به تأسیس کانون هماهنگی انجمنهای اسلامی در استان و همچنین کانون عالی هماهنگی انجمنهای اسلامی در کل کشور که به ترتیب در این آئین نامه (کانون استان) و (کانون عالی) نامیده میشود، اقدام نمایند.

ماده 23- در صورتی که بیش از نیمی از انجمنهای هر استان، مشروط به آنکه تعداد آنها کمتر از (10) انجمن نباشد متقاضی تشکیل کانون استان باشند میتوانند با هماهنگی هیأت نظارت استان مبادرت به تشکیل کانون استان نمایند.

ماده 24- شوراهای مرکزی انجمنها از بین اعضای خود پنج نفر را به عنوان هیأت مؤسس کانون استان انتخاب و به هیأت نظارت استان معرفی مینمایند.

ماده 25- وظایف هیأت مؤسس کانون استان عبارت است از:

الف- تهیه اساسنامه کانون استان جهت تصویب هیأت عالی نظارت موضوع ماده (16) این آئین نامه.

ب- ثبت نام از اعضاي داوطلب عضويت در ارکان قانون استان.

پ- برگزاري مجمع و انتخابات هیأت مدیره و بازرس قانون استان با هماهنگي هیأت نظارت استان.

ت- ثبت و نگهداري اسناد و مدارك مالي و صورت جلسات و دفاتر مربوط.

تبصره- در هر استان فقط يك قانون استان تشكيل ميشود.

ماده 26- نماينده شوراي مركزي انجمن شهرستانها ميتوانند به عضويت مجمع قانون استان در آيند.

ماده 27- در صورتي كه در بيش از نيمي از استانهاي كشور، قانون تشكيل شده باشد، قانونهاي مزبور ميتوانند نسبت به تشكيل قانون عالي اقدام نمايند.

ماده 28- قانونهاي استان جهت اقدامات لازم براي تشكيل قانون عالي، پنج نفر را از ميان اعضاي قانونهاي استان به عنوان هیأت مؤسس قانون عالي انتخاب و به هیأت عالي نظارت معرفي خواهند نمود.

ماده 29- وظائف هیأت مؤسس قانون عالي عبارت است از:

الف- تهيه و تنظيم اساسنامه قانون عالي با نظارت و تأييد هیأت عالي نظارت

ب- نام نويسي از اعضاي داوطلب عضويت در ارکان قانون عالي

پ- برگزاري مجمع عمومي و انتخاب هیأت مدیره و بازرس قانون عالي با هماهنگي هیأت عالي نظارت

ت- ثبت و نگهداري اسناد و مدارك مالي و صورت جلسات و دفاتر مربوط

تبصره- در سراسر كشور فقط يك قانون عالي هماهنگي انجمنهاي اسلامي تشكيل ميشود كه وظائف محوله را به عهده مي گيرد.

ماده 30- نمايندههاي قانون استان ميتوانند به عضويت مجمع قانون عالي در آيند.

ماده 31- ارکان و تشکيلات قانون استان و قانون عالي عبارتند از:

الف- مجمع عمومي

ب- هیأت مدیره

پ- بازرس

ماده 32- هیأت مدیره و بازرس قانون استان و قانون عالي پس از انتخابات در چهارچوب اين آئين نامه اعتبارنامه خود را از هیأت نظارت استان و هیأت عالي نظارت دريافت ميکنند.

ماده 33- کليه موارد پيش بيني شده براي انجمن در اين آئين نامه، در مورد قانون استان و قانون عالي قابل اجرا ميباشد .

[1] بنگ. به پاورقي شماره 45

[2] بنگ. همين مجموعه ص 70

# آئین نامه اتحادیه تشکلهای اسلامی دانشگاهیان

2010-08-16 · Archive ID 75

<http://www.arsehsevom.net/fa/?p=75>

ماده 1- تعاریف:

الف - "اتحادیه تشکلهای اسلامی دانشگاهیان" مجمعی است قابل اطلاق بر هر يك از:

1- تشکلهای اسلامی دانشجویان

2- تشکلهای اسلامی اعضای علمی

که در چارچوب آئین نامه تشکلهای اسلامی دانشگاهیان در دانشگاهها فعالیت مینمایند و به اختصار در این آئین نامه "اتحادیه" نامیده میشوند.

ب - "عضو" هر يك از تشکلهای اسلامی وابسته به اتحادیه در حکم يك عضو محسوب میشود.

ماده 2- اهداف:

- تلاش جمعی برای نیل به وحدت، هماهنگی و انسجام در میان تشکلهای عضو

- تعمیق نگرش اسلامی، علایق ملی و مردم سالاری دینی

- بهره گیری بهینه از توانمندی اعضای اتحادیه در راستای آئین و میثاق مشترک و منافع ملی

- تقویت روحیه اخلاق جمعی و بنیانهای اعتقادی اعضای اتحادیه

- برقراری ارتباط سازنده با تشکلهای دانشگاهی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین المللی در چارچوب منافع نظام اسلامی

- تقویت بنیانهای مشارکت، رقابت و قانونگرایی

ماده 3- تشکلهای اسلامی دانشجویی با عضویت حداقل 20 تشکل و تشکلهای اسلامی اعضای هیأت علمی با عضویت حداقل 8 تشکل میتوانند اتحادیه‌ای را تشکیل داده و از هیأت نظارت مرکزی ذي ربط پروانه فعالیت در داخل دانشگاه دریافت نمایند.

تبصره 1- مرجع موافقت با تشکیل اتحادیه‌ای متشکل از تشکلهای اسلامی دانشگاهیان دو یا سه دستگاه هیأت نظارت مرکزی مشترک دستگاههای فوق است که برای تأیید حد نصاب مذکور در ماده 3 تصمیم گیری خواهد کرد.

تبصره 2- چنانچه اتحادیه‌ای بخواهد فعالیتی در یکی از واحدهای دانشگاهی عضو انجام دهد باید از طریق واحد عضو از هیأت نظارت آن دانشگاه مجوز لازم را اخذ نماید.

تبصره 3- تشکل عضو يك اتحادیه در آن واحد نمیتواند در اتحادیه دیگر عضو باشد.

ماده 4- رؤس اصلی و ساختار اساسنامه اتحادیه:

رعایت موارد زیر در تدوین محتوا و ساختار اساسنامه از سوی اتحادیه لازم است:

4- 1- مبتنی بودن فعالیتهای اتحادیه بر اهداف مندرج در ماده 2

4- 2- مبتنی بودن فعالیتهای اتحادیه بر آرای اعضا

4- 3- معرفی ارکان اتحادیه و تشکیلات زیر مجموعه آن و نحوه ارتباط اتحادیه با زیر مجموعه

4- 4- شرح وظایف ارکان اتحادیه

4- 5- چگونگی تشکیل جلسات، حد نصاب رسمیت آنها و اخذ تصمیم

4- 6- شرایط عضویت، نحوه عضوگیری و خروج اعضا از اتحادیه

4- 7- اعلام کتبی التزام به قانون اساسی، ولایت مطلقه فقیه، قوانین موضوعه کشور و آئین نامه های مصوب

4- 8- نحوه انحلال اتحادیه

4- 9- چگونگی برگزاری انتخابات در مرتبه اول و سایر دوره ها و همچنین تجدید انتخابات در صورت صدور رأی ابطال انتخابات

4- 10- تعیین مرجع پاسخگو به مراجع قانونی در مقابل عملکرد و فعالیتهای اتحادیه

4- 11- نحوه تغییر در اساسنامه اتحادیه

4- 12- اعلام عمومی ترازنامه مالی اتحادیه و نحوه تصویب آن

تبصره - اتحادیه‌های موجود از تاریخ ابلاغ این آئین نامه، يك سال فرصت دارند نسبت به تطبیق اساسنامه خود با مفاد این آئین نامه اقدام نمایند.

ماده 5- کلیه فعالیتهای خارج از دانشگاه هر اتحادیه باید بر اساس قوانین و مقررات عمومی کشور باشد.

ماده 6- مرجع تصویب دستور العملهای اجرایی این آئین نامه از قبیل مراحل اخذ مجوز، رسیدگی به تخلفات و...

هیأت‌های نظارت مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت علوم تحقیقات و فناوری و دانشگاه آزاد اسلامی می‌باشد.

—

## میثاق بین‌المللی حذف تمام اشکال تبعیض نژادی

2010-11-19 · Archive ID 234

<http://www.arsehsevom.net/fa/?p=234>

مصوبه ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ مجمع عمومی، شماره / ۲۱۰۶ - a

قدرت اجرایی بنا بر ماده ۱۹، ۴ ژانویه ۱۹۶۹

دولت‌های عضو این میثاق:

- با در نظر گرفتن منشور سازمان ملل مبنی بر شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق برابر برای همه انسانها، اعضاء دولت‌ها خود را متعهد می‌دانند که با پیوستن به سازمان ملل جهت دستیابی و تحقق بخشیدن به اهداف آن و احترام و رعایت حقوق بشر و آزادیهای اساسی در سطح جهان و برای همه انسانها، بدون در نظر گرفتن نژاد، جنس، زبان و دین است، همکاریهای لازم را بعمل آورند.

- با در نظر گرفتن منشور جهانی حقوق بشر مبنی بر اینکه تمام انسانها آزاد آفریده شده‌اند و از نظر حیثیت و حقوق با هم برابر هستند و نیز همه حق برخورداری از تمام حقوق و آزادیهای مندرج در منشور را بدون در نظر گرفتن هر نوع امتیاز ویژه‌ای مثل نژاد، رنگ یا منشأ ملی دارند.

- با در نظر گرفتن اینکه همه انسانها در مقابل قانون برابر هستند و حق دارند در مقابل هر نوع تبعیضی و تحریک تبعیض آمیزی بطور برابر از حمایت قانونی برخوردار گردند.

- با در نظر گرفتن اینکه سازمان ملل متحد، منشور اعطاء استقلال به سرزمین‌های مستعمره و ملل، ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ (مصوبه مجمع عمومی ۱۵۱۴) (XV) را بطور جدی تصویب کرده‌است و در آن اعلام نموده که استعمار و تمام عوامل جدا سازی و تبعیض آمیز صرف نظر از چگونگی تشکیل و مکان آن، می‌باید بدون قید و شرط و بیدرنگ پایان پذیرد.

- با در نظر گرفتن منشور سازمان ملل متحد مبنی بر حذف فوری تمام اشکال تبعیض نژادی، ۲۰ نوامبر ۱۹۶۳ (مصوبه مجمع عمومی ۱۹۰۴) (XVIII) در سراسر جهان و نیز ابراز ضرورت حفظ تفاهم و رعایت حیثیت فرد انسانی،

- با اعتقاد به اینکه نظریه برتری نژادی بطور علمی اشتباه است و آن چیزی جزء بی عدالتی اجتماعی نیست و اخلاقاً خطرناک و قابل محکوم کردن می‌باشد، بنابر این چه در تئوری و چه در عمل هیچ توجیهی برای تبعیض نژادی وجود نخواهد داشت.

- با تصدیق دوباره که تبعیض بین انسانها، در زمینه نژاد، رنگ یا منشأ قومی مانع دوستی و روابط صلح آمیز میان ملتها میشود و آرامش و امنیت مردم را سلب مینماید و باعث جلوگیری از همزیستی انسانهایی می‌شود که می‌خواهند در یک سرزمین در کنار یکدیگر زندگی کنند.

- با اعتقاد به اینکه وجود تبعیض نژادی در منافات با آمال جامعه بشری است.

- با اعلام خطر مبنی بر اعمال تبعیض نژادی در بعضی از مناطق جهان و نیز اعمال سیاستهای برتری نژادی و تبعیض نژادی و جدا سازی و تفکیک نژادها از جانب بعضی دولت‌ها که موجب تنفر گردیده‌است.

- با تصمیم به اقدامات لازم جهت سرعت بخشیدن به حذف تبعیض نژادی در تمام اشکال آن و نیز اعلام مبارزه با نظریه نژادی و جلوگیری کردن از آن در جهت تحقق بخشیدن به تفاهم بین نژادها و ساختن یک جامعه بین المللی تهی از تمام اشکال تبعیض و جدا سازی نژادی،

- با یادآوری به میثاق رفع تبعیض در استخدام و تبعیض شغلی که در سال ۱۹۵۸ بوسیله سازمان بین المللی کار به تصویب رسیده و نیز یادآوری به میثاق رفع تبعیض در آموزش که بوسیله سازمانهای آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۹۶۰ به تصویب رسیده است.

- با آرزو به اجرای اصولی که در منشور سازمان ملل متحد مبنی بر حذف تمام اشکال تبعیض نژادی بیان شده است و نیز حمایت از اقدامات عملی اخیر مبنی به پایان دادن به تبعیض نژادی،

(دولتهای عضو این میثاق) مواد زیر را پذیرفته اند:

## قسمت اول

### ماده یکم

۱- در این میثاق واژه «تبعیض نژادی» به معنای هر گونه تبعیض، محرومیت، محدودیت و یا امتیازی بر مبنای نژاد، رنگ، اصل و ریشه ملی یا قومی که بمنظور لغو کردن و یا آسیب رساندن به شناسائی و برخورداری و اجرای تساوی حقوق بشر و آزادیهای اساسی در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سایر زمینه های مربوط به زندگی عمومی طلقی میشود.

۲- تبعیض ها، محرومیتها و محدودیتهائی که بوسیله دولت عضو این میثاق ما بین شهروند و غیر شهروند (بیگانه) اعمال میشود، شامل (تعریف مذکور) نمی باشد.

۳- هیچ چیزی در این میثاق نباید به نحوی تفسیر گردد که مقررات قانونی دولتهای عضو مبنی بر اعطای تابعیت، ملیت و حق شهروند به مفهوم تبعیض در مقابل ملیت خاصی باشد.

۴- دولتهای عضو، اقداماتی ویژه و سریع را بمنظور حفاظت از گروههای نژادی، بومی و یا افراد خاصی که مستلزم حفاظتهای ضروری در جهت برخورداری مساوی از حقوق بشر و آزادیهای اساسی هستند، بعمل خواهند آورد. این اقدامات ویژه بمثابة تبعیض نژادی محسوب نمی شود زیرا پس از رسیدن به این اهداف (برابری و رفع تبعیض نژادی) با همه بطور یکسان رفتار خواهد شد و حقوق ویژه ای برای گروههای بومی یا نژادی افراد بوجود نخواهد آمد.

### ماده دوم

۱- دولتهای عضو تبعیض نژادی را محکوم می کنند و متعهد می شوند که با تمام وسایل و ابزارهای مناسب و بدون تاخیر، سیاست حذف تبعیض نژادی در تمام اشکال آنرا اتخاذ نمایند و تفاهم را میان تمام نژادها تحقق بخشند. بدین منظور:

الف- هر دولت عضوی، متعهد می گردد که در هیچ قانون یا رویه عملی تبعیض نژادی علیه افراد، گروهها یا نهادها شرکت نکند و مطمئن شود که تمام مراجع و مسئولین نهادهای عمومی، ملی (داخلی) و منطقه ای طبق این تعهدات عمل نمایند.

ب - هر دولت عضوی متعهد می شود که هیچگونه مسئولیتی بوسیله افراد یا سازمانها در دفاع از تبعیض نژادی به عهده نگیرد.

ج - هر دولت عضوی اقدامات موثری را در جهت تجدید نظر، اصلاح، لغو و نسخ سیاستهای دولتی، ملی و منطقه ای که بر پایه تبعیض نژادی است، بعمل آورد.

د - هر دولت عضو باید با تمام ابزارهای مناسب مانند وضع قوانین، تبعیض نژادی را که بوسیله افراد، سازمانها و گروهها اعمال میشود ممنوع گرداند تا به این وضع خاتمه داده شود.

ه - هر دولت عضوی متعهد میگردد که سازمانهای جمعی و چند نژادی و حرکتی که باعث از بین رفتن موانع نژادی بین انسانها میشوند را تشویق نماید و در مقابل هر عملی را که به تقویت تقسیمات نژادی کمک میکند، خنثی نماید.

۲- دولتهای عضو با پذیرفتن این تعهدات، اقداماتی واقعی و ویژه‌ای را در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سایر زمینه‌ها در جهت برخورداری گروههای نژادی و افرادی که متعلق به این گروهها هستند از حقوق کامل بشر و آزادیهای اساسی، بعمل خواهند آورد. این اقدامات ویژه بمفهوم نابرابری و جدائی حقوق گروههای نژادی متفاوت نمی‌باشد، زیرا پس از رسیدن به این اهداف (برابری و رفع تبعیض) با همه بطور یکسان رفتار خواهد شد.

#### ماده سوم

دولتهای عضو تبعیض و جدا سازی نژادی را محکوم می‌کنند و متعهد می‌گردند که در قلمرو حکومتی خود از تمام عوامل بوجود آورنده آن، جلوگیری کنند و آن عوامل را ممنوع و از ریشه ساقط نمایند.

#### ماده چهارم

دولتهای عضو تمام سازمانهایی که نظرات و عقاید برتری نژادی گروه و یا قوم ویژه خود را تبلیغ می‌کنند و یا در جهت توجیه تبعیض نژادی برمی‌آیند و تخم نفرت و کینه می‌افکنند، در هر نوع و شکلی، محکوم میکنند و متعهد میشوند که اقدامات فوری و مثبتی در جهت از بین بردن تبعیض نژادی، انگیزها و تحریکات در این زمینه را بعمل آورند. دولتهای عضو همچنین صریحا اصول منشور جهانی حقوق بشر و حقوقی که در ماده ۵ این میثاق مقرر شده‌است را در موارد زیر اعمال خواهند کرد:

الف- برای کلیه تبلیغاتی که بر مبنای برتری نژادی، ایجاد نفرت، تحریک برای تبعیض نژادی و اعمال خشونت آمیز علیه هر نژاد یا گروهی از انسانها که از رنگ و یا منشاء قومی دیگری هستند اعلام جرم و مجازات نمایند. همچنین ارائه هر نوع کمک به فعالیتهای نژادی که شامل کمکهای مالی نیز می‌شود، طبق قانون جرم و قابل مجازات اعلام گردد.

ب - غیر قانونی اعلام کردن کلیه سازمانها و شرکاء آنها که به فعالیت و تبلیغات منسجم تبعیض نژادی می‌پردازند و آنها را در جامعه اشاعه می‌دهند.

ج - عدم اشاعه و تحریکات تبعیض نژادی بوسیله مسئولین امور عمومی و نهادهای ملی (داخلی) و منطقه‌ای.

#### ماده پنجم

دولتهای عضو با اجرا و رعایت موارد اساسی که در ماده ۲ این میثاق مقرر شده‌است، متعهد می‌شوند که تمام اشکال تبعیض نژادی را حذف و ممنوع گردانند و همچنین تضمین میکنند که افراد بدون در نظر گرفتن نژاد، رنگ، ملیت و منشاء قومی در مقابل قانون برابر هستند و بطور یکسان از حقوق زیر برخوردار می‌باشند:

الف- برخورداری از رفتاری برابر در مقابل دادگاه و دیگر ارگانهای قضائی، اداری

ب - برخورداری از امنیت و حفاظت فردی از سوی دولت در مقابل خشونت و آسیب‌های جسمی خواه بوسیله مقامات اداری دولت وارد شده‌است و یا خواه بوسیله گروهها و نهادها

ج - برخورداری از حقوق سیاسی بویژه حق شرکت در انتخابات و رای دادن و نامزد انتخاباتی شدن بر مبنای حق رای برابر و جامع، حق دخالت در امور دولتی و نیز شرکت در امور عمومی و دستیابی به خدمات عمومی در هر سطحی

د - برخورداری از دیگر حقوق مدنی بویژه:

- ۱- حق آزادانه رفت و آمد و اسکان در درون مرزهای دولت
- ۲- حق ترک هر دولتی از جمله دولت خود و رفتن به دولتی دیگر
- ۳- حق داشتن تابعیت
- ۴- حق ازدواج و انتخاب همسر
- ۵- حق مالکیت شخصی و همینطور مالکیت با دیگران
- ۶- حق وراثت
- ۷- حق آزادی اندیشه، وجدان و دین
- ۸- حق آزادی عقیده و بیان
- ۹- حق آزادی شرکت در مجامع و انجمنها

ه - برخورداری از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بویژه:

- ۱- برخورداری از کار، انتخاب آزاد شغل، داشتن شرایط مطلوب و عادلانه کار، حمایت در مقابل بیکاری، حق دستمزد برابر برای کار برابر و داشتن پاداش و حق الزحمه مطلوب و عادلانه
  - ۲- حق تشکیل و پیوستن به اتحادیه‌های کارگری
  - ۳- حق برخورداری از مسکن
  - ۴- حق برخورداری از سلامت، بهداشت عمومی، امنیت و خدمات اجتماعی
  - ۵- حق برخورداری از تحصیل و آموزش حرفه‌ای
  - ۶- حق شرکت در فعالیتهای فرهنگی بطور مساوی
- و - حق ورود به هر مکان یا مرکز خدماتی که مورد استفاده عموم است، مانند: هتل، رستوران، کافه، تاتر و پارک

ماده ششم

دولتهای عضو متعهد میشوند از افرادی که تحت قلمرو حکومتی آنها قرار دارند، در مقابل اعمال تبعیض نژادی که مخالف مفاد این میثاق است و حقوق بشر و آزادیهای اساسی آنها را نقض میکند، از طریق دادگاههای صلاحیت دار حمایت نمایند. همچنین حق غرامت مناسب و رضایت مندانه‌ای را که بخاطر خساراتی که در نتیجه تبعیض به آنها وارد شده است را از دادگاه صالحه درخواست نمایند.

ماده هفتم

دولتهای عضو متعهد میگردند اقدامات موثر و فوری را در زمینه‌های آموزشی، علم، فرهنگ و اطلاعات بمنظور مبارزه با تعصب که به تبعیض نژادی منجر میگردد بعمل آورند و نیز در راه تحقق بخشیدن به تفاهم، مدارا، دوستی میان ملتها و گروههای قومی و نژادی و همچنین تلاش در جهت تبلیغ و اشاعه اهداف و اصول قراردادی سازمان ملل متحد و منشور جهانی حقوق بشر و اعلامیه‌های سازمان ملل مبنی بر حذف تمام اشکال تبعیض، نژادی و اجرای مواد این میثاق،

## قسمت دوم

### ماده هشتم

۱- کمیته حذف تبعیض نژادی (که از این به بعد کمیته خوانده میشود) تشکیل خواهد شد. این کمیته شامل ۱۸ عضو از کارشناسانی که از دانش و صلاحیت اخلاقی بالائی برخوردار هستند و بطور بی طرفانه بوسیله دولتهای عضو از میان تابعین خود انتخاب شده‌اند، تشکیل میشود. این افراد با در نظر گرفتن تقسیمات جغرافیائی مناسب و به نمایندگی از اشکال متفاوت تمدنها و نظامهای قانونی انتخاب می‌شوند تا با صلاحیت شخصی خود، خدمت نمایند. (سمت نمایندگی از طرف دولت خود در کمیته ندارند)

۲- اعضاء کمیته بوسیله رای مخفی و در میان لیست افرادی که بوسیله دولتهای عضو نامزد شده‌اند، انتخاب خواهند شد. هر دولت عضو فقط می‌تواند یک فرد را از میان تابعین خود نامزد انتخابات کمیته نماید.

۳- اولین انتخابات ۶ ماه بعد از تاریخ قدرت اجرائی پیدا کردن این میثاق انجام خواهد گرفت. حداقل ۳ ماه قبل از تاریخ هر انتخاباتی، دبیر کل سازمان ملل بوسیله یادداشتی از دولتهای عضو می‌خواهد نامزدهای خود را ظرف ۲ ماه تعیین نمایند. دبیر کل فهرستی به ترتیب حروف الفبا از افرادی که به این ترتیب نامزد شده‌اند، همراه با نام دولتهای نامزد کننده، تهیه خواهد کرد و آنرا برای دولتهای عضو ارسال می‌نماید.

۴- انتخابات اعضاء کمیته در نشست دولتهای عضو و با تأیید دبیر کل سازمان ملل متحد برگزار خواهد شد. حد نصاب رسمیت یافتن این نشست، شرکت دوسوم دولتهای عضو می‌باشد. افرادی که برای کمیته انتخاب می‌شوند، کسانی هستند که بیشترین تعداد رای را آورده‌اند و از رای اکثریت مطلق نمایندگان دولتهای عضو حاضر برخوردار شده‌اند.

۵- الف: اعضاء کمیته به مدت ۴ سال انتخاب خواهند شد. مدت ۹ عضو انتخاب شده در اولین انتخابات و در پایان دو سال منقضی میشود. بیدرنگ بعد از اولین انتخابات نام (جایگزین) این ۹ عضو بوسیله قرعه و توسط رئیس جلسه، تعیین خواهند شد. ب: برای پرکردن جای خالی و بلامتصدی، دولتی که عضو کارشناس آن، اجرای وظائف خود را در کمیته متوقف کرده‌است، کارشناس دیگری را از میان تابعین خود تعیین خواهد کرد. این کارشناس باید مورد تأیید کمیته واقع گردد.

۶- دولتهای عضو مسئولیت پرداخت هزینه‌های اعضاء کمیته را در ارتباط با وظائف اجرائی آنها در کمیته بعهد خواهند گرفت. (رجوع شود به مصوبه ۱۶ دسامبر ۱۹۹۲ شماره ۱۱۱/۴۷ مجمع عمومی)

### ماده نهم

دولتهای عضو متعهد میشوند گزارش اقدامات خود در زمینه‌های قانونگذاری، قضائی، اداری و سایر اقداماتی که برای اجرای مقررات این میثاق بعمل آورده‌اند را جهت رسیدگی به ترتیب زیر به کمیته تقدیم دارند:

الف- یکسال بعد از قدرت اجرائی پیدا کردن میثاق گزارشی از طرف دولت مربوطه، تقدیم خواهد شد.

ب - بعد از آن هر دو سال یکبار و نیز هر زمان که کمیته درخواست نماید، دولت مربوطه گزارش خود را تقدیم میدارد. کمیته ممکن است اطلاعات بیشتری از دولتهای عضو درخواست نماید.

۲- کمیته از طریق دبیر کل گزارش سالانه فعالیتهای خود را همراه با پیشنهادات و توصیه‌های عمومی که بر اساس رسیدگی به گزارشات و اطلاعات دولتهای عضو دریافت کرده‌است را به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم خواهد نمود. همچنین پیشنهادات و توصیه‌های عملی همراه با نظراتی که دولتهای عضو ابراز کرده‌اند، ضمیمه گزارش خواهد بود.

### ماده دهم

۱- کمیته مقررات اجرائی اش را خود تعیین خواهد کرد.

۲- کمیته تعداد کارمندان را به مدت دو سال خود انتخاب خواهد کرد.

۳- دبیر کمیته بوسیله دبیر کل سازمان ملل گمارده خواهد شد.

۴- نشست‌های کمیته بطور معمول در مرکز سازمان ملل برگزار خواهد شد.

ماده یازدهم

۱- اگر دولت عضوی دریابد که دولت عضو دیگری مقررات این میثاق را اجرا نمیکند، می‌تواند موضوع را بعنوان شکایت جهت بررسی در کمیته مطرح نماید و کمیته شکایت مزبور را به دولت عضو مربوطه ارسال میدارد. در مدت ۳ ماه دولت دریافت کننده شکایت توضیحات و اظهارات را بطور کتبی و برای روشن شدن موضوع و در صورت امکان چاره جوئی آن، به کمیته تقدیم خواهد نمود.

۲- اگر ظرف شش ماه پس از دریافت اولین شکایت، موضوع مورد شکایت با مذاکرات دوجانبه و سایر اقدامات آشکار دیگر به رضایت هر دو طرف مربوطه منجر نگشت، هر یک از دولتهای مربوطه حق خواهند داشت که با ارسال یادداشت مجددی به کمیته و همچنین به دولت مربوطه دیگر، موضوع را به کمیته ارجاع دهند.

۳- کمیته موضوعات (شکایات) دریافتی را بنابر بند ۲ این ماده بعد از محقق شدن اینکه تمام اقدامات چاره جوینه داخلی طی شده است اما طرفین به نتیجه‌ای نرسیده‌اند، بر طبق اصول و قوانین عمومی بین المللی شناخته شده به رسیدگی خواهد پرداخت. این قاعده در مواردی که شکایت به نحو غیر معقولی طولانی گردد، اجرا نخواهد شد.

۴- هر موضوعی (شکایتی) که به کمیته ارجاع میشود، کمیته در رابطه با آن موضوع (شکایت) از دولتهای عضو مربوطه درخواست خواهد کرد که اطلاعات تکمیلی دیگری را ارسال نمایند.

۵- وقتی موضوعی (شکایتی) بنابر این ماده مورد رسیدگی قرار گرفت، دولتهای عضو مربوطه می‌توانند در روند رسیدگی موضوع، نماینده‌ای را بدون حق رای به کمیته بفرستند.

ماده دوازدهم

۱- الف- بعد از اینکه کمیته تمام اطلاعات لازم را فراهم نمود، رئیس کمیته یک کمیسیون ویژه حل اختلاف (که از این به بعد فقط کمیسیون خوانده میشود) را که شامل ۵ نفر از اعضاء یا غیر اعضاء کمیته هستند، تعیین خواهد کرد. اعضاء کمیسیون با رضایت و هم رایی دولتهائی که با هم اختلاف دارند، انتخاب خواهند شد تا بتوانند با انجام وظائف سودمند خود و رعایت مواد این میثاق، بطور مسالمت آمیز موضوع را حل و فصل نمایند.

ب - اگر دولتهای مورد منازعه در باره ترکیب تمام یا قسمتی از اعضاء کمیسیون در مدت ۳ ماه به توافق نرسیدند، آن عده از اعضاء که در باره آنها توافق نشده است از بین اعضاء کمیته و با رای مخفی و با اکثریت دو سوم اعضاء کمیته انتخاب خواهند شد.

۲- اعضاء کمیسیون که با صلاحیت شخصی خود انجام وظیفه خواهند نمود نباید تابعیت دولتهای مورد منازعه و یا دولتی که عضو این میثاق نیست را دارا باشند.

۳- کمیسیون، رئیس و آئین نامه‌های داخلی اش را خود انتخاب و به تصویب خواهد رساند.

۴- جلسات کمیسیون بطور معمول در مرکز سازمان ملل متحد یا هر مکان مناسب دیگری که بوسیله کمیسیون تعیین گردد، برگزار خواهد شد.

۵- دبیر خانه طبق ماده ۱۰ بند ۳ این میثاق، خدمات دفتری موضوعاتی (شکایاتی) که از طرف دولتهای مورد منازعه به کمیسیون ارجاع میشود را انجام میدهد.

۶- دولتهای مورد منازعه کلیه هزینه‌های اعضاء کمیسیون را بطور مساوی و طبق برآوردی که دبیر کل سازمان ملل بعمل می‌آورد، بعهده خواهند گرفت.

۷- دبیر کل اختیار خواهد داشت که در صورت لزوم هزینه‌های اعضاء کمیسیون را قبل از آنکه دولتهای مورد منازعه آنرا پرداخت کنند، طبق بند ۶ این میثاق، پرداخت نماید.

۸- اطلاعاتی که بوسیله کمیته فراهم می‌گردد را میتوان در دسترس کمیسیون قرار داد و همچنین کمیسیون می‌تواند اطلاعات دولتهای مربوطه و سایر اطلاعات را خواستار شود.

ماده سیزدهم

۱- وقتی کمیسیون به رسیدگی کامل موضوع پرداخت، می‌بایست گزارشی تهیه کند که در آن گزارش تحقیقات عملی موضوع منازعه بین دولتها منعکس شده‌است و همچنین شامل توصیه‌هایی برای حل مسالمت‌آمیز مورد منازعه دربرداشته باشد. این گزارش باید به رئیس کمیته تقدیم گردد.

۲- رئیس کمیته گزارش کمیسیون را برای هر یک از دولتهای مورد منازعه ارسال خواهد داشت. آن دولتها در مدت ۳ ماه میباید به اطلاع رئیس کمیته برسانند که آیا آنها توصیه‌های کمیسیون را که ضمیمه گزارش بوده‌است، پذیرفته‌اند یا خیر.

۳- بعد از مدت زمانی که طبق بند ۲ این ماده تعیین شده‌است، رئیس کمیته گزارش کمیسیون را به دولتهای مربوطه و دیگر دولتهای عضو این میثاق ارسال خواهد نمود.

ماده چهاردهم

۱- دولتهای عضوی میبایست در هر زمان با صدور بیانیه‌ای اعلام نماید که صلاحیت کمیته را جهت دریافت و رسیدگی کردن به شکایاتی که از طرف افراد و گروهها، مبنی بر نقض حقوق این میثاق که در قلمرو آن دولت انجام گرفته‌است، برسمیت شناخته‌اند. اگر دولت عضوی چنین بیانیه‌ای را صادر نکرده باشد کمیته هیچ شکایتی علیه آن دولت را نخواهد پذیرفت.

۲- هر دولت عضوی که مطابق بند ۱ این ماده بیانیه‌ای صادر کرده‌است، می‌تواند یک هیئت صلاحیت دار را جهت دریافت و رسیدگی کردن به شکایات افراد و گروههای مدعی قربانی نقض حقوق این میثاق، تعیین نماید. همچنین این هیئت میتواند شکایات افرادی که از دستیابی به حل مشکلات خود در منطقه عاجز شده‌اند، با حکم قانونی داخلی و در قلمرو خود دریافت دارد.

۳- اسناد هر یک از بیانیه‌های صادر شده طبق بند ۱ این ماده و نام هر یک از هیئت‌هایی که طبق بند ۲ این ماده بوسیله دولتهای مربوطه تعیین شده‌اند، نزد دبیر کل سازمان ملل سپرده خواهد شد تا او رونوشت آن اسناد را به دیگر دولتهای عضو ارسال دارد. یک شکایت نامه ممکن است در هر زمان با یادداشتی که به دبیر کل تسلیم میشود، پس گرفته شود. اما پس گرفتن این شکایت نامه، به رسیدگی شکایاتی که قبلاً به دست کمیته رسیده‌است و یا در جریان رسیدگی است موثر نخواهد بود.

۴- اسناد دادخواست نامه‌ها نزد هیئتی که تعیین شده‌است طبق بند ۲ این ماده ثبت و نگهداری خواهد شد و مندرجات رونوشت تائید شده این اسناد که در بایگانی دبیر کل سالانه سپرده میشود و مفاد آن که در دسترس همگان نیست، بوسیله رابط‌های مناسب جهت آگاهی در اختیار گذاشته خواهد شد.

۵- در مواقع عدم رضایت از هیئت تعیین شده بررسی شکایات، طبق بند ۲ این ماده شکایت کنندگان حق دارند که ظرف ۶ ماه موضوع را به کمیته ارجاع دهند.

۶- الف- کمیته شکایت دریافتی را به اطلاع دولت عضوی که متهم به نقض مقررات این میثاق شده‌است می‌رساند، اما هویت افراد و گروهها را بدون رضایت آنها فاش نخواهد کرد. کمیته همچنین شکایات بی‌امضاء را نخواهد پذیرفت.

ب - دولت دریافت کننده شکایت، در مدت ۳ ماه توضیحات و اظهارات کتبی روشنی همراه با راه حل‌ها و چاره جوئی‌هایی که در مورد موضوع بنظرش می‌آید را به کمیته تقدیم خواهد کرد.

۷- الف- کمیته به کمک اطلاعاتی که از دولت عضو مربوطه و شاکی، دریافت کرده است، به بررسی شکایت خواهد پرداخت. کمیته به شکایات شاکیانی که کلیه راه‌های چاره جوئی داخلی را طی نکرده‌اند، رسیدگی نخواهد کرد. این قاعده در مواردی که شکایت به نحو غیر معقولی طولانی گردد، اجرا نخواهد شد.

ب - کمیته پیشنهادات و توصیه‌های خود را به دولت مربوطه و شاکی اعلام خواهد داشت.

۸- کمیته خلاصه‌ای از شکایات و در صورت لزوم خلاصه‌ای از توضیحات و اظهارات دولتهای عضو مربوطه را همراه با پیشنهادات و توصیه‌های خود در گزارش سالانه منعکس خواهد کرد.

۹- کمیته فقط در شرایطی می‌تواند وظائف خود را نسبت به بندهای فوق انجام دهد که حداقل ۱۰ دولت عضو این میثاق، صلاحیت آنرا بنابر بند ۱ این ماده برسمیت شناخته‌اند.

ماده پانزدهم

۱- مقررات این میثاق حقوق اعطاء شده به ملتها را جهت دستیابی به اهداف اعلامیه، اعطای استقلال به دولتها و ملتهای مستعمره، مصوبه ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ ۱۵۱۴ (XV) مجمع عمومی و سایر اسناد بین المللی سازمان ملل و موسسات تخصصی آن، به هیچ وجه محدود نخواهد کرد.

۲- الف- کمیته‌ای که بنا بر ماده ۸ بند ۱ این میثاق تشکیل شده است، رونوشت شکایات را دریافت خواهد نمود و نظریات و توصیه‌هایی که در مورد این شکایات صورت گرفته است را به هیئت‌های سازمان ملل که مستقیماً به موضوعات مربوط به اصول این میثاق و در حیطه وظائف خودشان نسبت به مسئولیتهای اداره سرزمینهای غیر خودمختار و تحت قیمومت، مصوبه ۱۵۱۴ (XV) مجمع عمومی رسیدگی می‌کنند، تقدیم خواهند داشت.

ب - کمیته رونوشت‌های مربوط به امور قانونگذاری، قضائی، اداری و سایر اقدامات مستقیمی که نسبت به مقررات این میثاق بوسیله اولیاء امور در سرزمینهایی که در زیر بند این ماده انجام گرفته است را از هیئت‌های صلاحیت دار سازمان ملل دریافت خواهد کرد. همچنین نظریات و پیشنهاداتی در این مورد را به هیئت اظهار خواهد نمود.

۳- کمیته گزارشی از خلاصه شکایات و گزارشات دریافتی از هیئت‌های سازمان ملل و نیز نظرات و توصیه‌های کمیته در ارتباط با این شکایات و گزارشات را به مجمع عمومی تقدیم خواهد نمود.

۴- کمیته از دبیر کل سازمان ملل درخواست خواهد کرد که کلیه اطلاعات مربوط به مقررات این میثاق و نیز در صورت لزوم مقرراتی که مربوط به سرزمینهای مذکور در بند ۲(a) این ماده است را در اختیارش قرار دهد.

ماده شانزدهم

مقررات این میثاق که رسیدگی کردن به شکایات و رفع منازعات است بدون اینکه به سایر اقداماتی که بر اساس قراردادهای سازمان ملل و یا موسسات تخصصی آن در این زمینه انجام گرفته است لطمه‌ای وارد کند، می‌باید اجرا گردد. همچنین مقررات این میثاق نباید دولتهای عضو را از متوسل شدن به سایر اقدامات و انعقاد قراردادهای بین المللی عمومی و ویژه که برای رفع منازعات بین آنها انجام میگیرد، باز دارد.

ماده هفدهم

۱- این میثاق برای دولتهای عضو سازمان ملل و اعضاء موسسات تخصصی آن و هر دولت عضوی که اساسنامه دادگاه بین المللی جزائی را پذیرفته است و یا دولت عضوی که بوسیله مجمع عمومی سازمان ملل برای عضویت در این میثاق دعوت شده است، آماده امضاء می‌باشد.

۲- این میثاق تابع به تصویب (قانون اساسی هر دولت) است. اسناد تصویب نزد دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

ماده هیجدهم

۱- این میثاق طبق ماده ۱۷ بند ۱ برای پیوستن دولتها آماده است.

۲- پیوستن به این میثاق با سپردن سند الحاقی نزد دبیر کل سازمان ملل متحد انجام خواهد گرفت.

ماده نوزدهم

۱- این میثاق ۳۰ روز پس از تاریخ سپردن بیست و هفتمین سند تصویب یا الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل، قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد.

۲- برای هر دولتی که بعد از سپردن بیست و هفتمین سند تصویب یا الحاق، این میثاق را تصویب می کنند و یا به آن می پیوندند، ۳۰ روز بعد از تاریخ سپردن سند تصویب یا الحاقی خود، این میثاق برای آنها قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد.

ماده بیستم

۱- دبیر کل سازمان ملل حق شرطهای (Reservation) که در زمان تصویب یا الحاق، توسط دولتهای عضو این پیمان و یا دولتهائی که می خواهند عضو شوند، ابلاغ شده است را دریافت خواهد کرد و آنها را به اطلاع کلیه دولتهای عضو خواهد رساند. هر دولتی که به حق شرطی اعتراض داشته باشد، می تواند ظرف ۹۰ روز از تاریخ اعلام اعتراض خود، طی یادداشتی به دبیر کل آنرا نپذیرد.

۲- حق شرطی که مغایر با اهداف این میثاق باشد، پذیرفته نخواهد شد. همچنین حق شرطهائی که مانع از انجام کار هیئت های تاسیسی این میثاق میشوند، پذیرفته نخواهد شد. اگر حق شرطی با اعتراض حداقل دو سوم دولتهای عضو این پیمان، مبنی بر عدم تطابق آن با اهداف میثاق و یا مانعی جهت انجام وظیفه ارگانهای مربوطه روبرو شود، آن حق شرط پذیرفته نخواهد شد.

۳- حق شرط ممکن است در هر زمان بوسیله یادداشتی به دبیر کل پس گرفته شود. در زمان دریافت یادداشت این حق شرط لازم الاجرا می شود.

ماده بیست و یکم

هر دولت عضوی میتواند با یک یادداشتی به دبیر کل سازمان ملل خروج (انصراف) خود را از میثاق اعلام دارد. خروج از میثاق یکسال پس از تاریخ دریافت یادداشت از سوی دبیر کل قابل اجرا است.

ماده بیست و دوم

اگر بین دو یا چند دولت عضو اختلافی در مورد تفسیر یا اجرای این میثاق بوجود آید و این اختلاف بوسیله مذاکره و یا روشهای روشنی که در میثاق ارائه شده است، رفع نگردد، با درخواست هر یک از اعضاء دعوی اختلاف به دیوان دادگستری بین المللی جهت تصمیم گیری ارجاع می شود، مگر آنکه طرفهای دعوی از طریق دیگری برای حل اختلاف به توافق رسند.

ماده بیست و سوم

۱- درخواست برای اصلاح و تجدید نظر موادی از میثاق در هر زمان و بوسیله هر دولت عضوی با یادداشتی که به دبیر کل سازمان ملل تسلیم میشود، انجام میگردد.

۲- مجمع عمومی سازمان ملل نسبت به این درخواست و اقدامات احتمالی آن تصمیم خواهد گرفت.

ماده بیست و چهارم

دبیر کل سازمان ملل طبق ماده ۱۷ بند ۱ این میثاق مراتب ویژه زیر را به اطلاع کلیه دولتها خواهد رساند:

الف- امضاءها، مصوبه ها، پیوستها بنا بر ماده ۱۷ و ۱۸

ب - تاریخ قدرت اجرایی پیدا کردن این میثاق طبق ماده ۱۹

ج - شکایات و بیانیه‌های دریافتی طبق ماده ۱۴-۲۰-۲۳

د - خارج شدن از میثاق بنا بر ماده ۲۱

ماده بیست و پنجم

۱- متن‌های این میثاق که به زبانهای چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی است از اعتبار یکسانی برخوردار می‌باشند و آنها در بایگانی سازمان ملل سپرده خواهند شد.

۲- دبیر کل سازمان ملل گواهی تأیید شده این میثاق را به کلیه دولتهایی که به هر یک از مقوله‌های این میثاق بنا بر ماده ۱۷ بند ۱ وابسته‌اند، ارسال خواهد داشت.

دولت ایران این میثاق را در تاریخ ۱۷ اسفند ۱۳۴۵ امضاء نموده و در ۳۰ تیر ۱۳۴۷ به تصویب مجلس شورای ملی رسانده است. (مجموعه قوانین سال ۱۳۴۷ چاپ روزنامه رسمی ص ۲۲۳)

ترجمه: سایت دیدگاه

—

## تلاش برای قانونمند کردن سلطه نظامی امنیتی بر سازمان‌های جامعه

مدنی

2010-12-16 · Archive ID 36

<http://www.arsehsevom.net/fa/?p=36>

عرصه سوم، اذر ماه ۱۳۸۹- سازمان‌های جامعه مدنی که در دوره کوتاه آزاد سازی سیاسی و حاکمیت اصلاح‌طلبان در ایران، فرصت رشد کمی و تا حدودی کیفی یافته بودند، و به مرور در حال اجرای نقش نظارتی و انتقادی خود از قدرت سیاسی بودند، در دور جدید حاکمیت اقتدارگرایان و بویژه پس از انتخابات پرمناقشه ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ با چالش‌های اساسی روبرو شدند. برخی از این سازمان‌ها مستقیماً مورد حمله نیروهای امنیتی قرار گرفتند و بسته شدند، برخی پیش از بسته شدن توسط نیروهای امنیتی، فعالیت‌های خود را کاهش داده و عملاً منفعل شدند، و برخی دیگر تلاش کردند که خود را با شرایط موجود انطباق داده و به حیات خود به آرامی ادامه دهند. اما این سازمان‌های باقی مانده جامعه مدنی در حالیکه دولت را برای کنترل خود به چالش کشیده‌اند، خود نیز با چالش بزرگ حفظ استقلال روبرو هستند.

۲۴ مهرماه ۱۳۸۹، درغیاب سازمان‌های مدنی پویا و منتقد و روزنامه‌های آزاد، خبری مبنی بر نشست هم‌اندیشی سازمان‌های مردم‌نهاد و نمایندگان وزارت کشور، در صفحه‌های تارنماهای فارسی منتشر شد. گزارش‌های این نشست در رسانه‌های دولتی ایران بسیار سنجیده و کوتاه بودند، اما دو نکته اساسی که منجر به این نشست شده، قابل تأمل است: اول اینکه دولت در حال سازماندهی آن دسته از سازمان‌های جامعه مدنی است که همچنان می‌خواهند در حوزه‌های اجتماعی فعال بمانند و به تصور دولت، ظرفیت تبعیت از دولت اقتدارگرا را دارند.

دوم اینکه این سازماندهی در تداوم سرکوب جنبش حقوق مدنی ایران است و حاکمیت تلاش می‌کند از تجربه کوتاه اما بسیار سنگین یک‌سال و نیم گذشته در قلع و قمع سازمان‌های جامعه مدنی استفاده کرده و با پیش‌بینی‌های لازم در قانون، بطور قانونمند مانع ادامه فعالیت سازمان‌های پیشتاز در نقد قدرت شود.

این سازماندهی همه جانبه است؛ یعنی از یکسو طرح پیشنهادی برای تاسیس و نظارت بر فعالیت سازمان‌های غیردولتی در مجلس توسط تعدادی از نمایندگان به مجلس ارائه و توسط کمیسیون تخصصی اجتماعی مجلس بررسی شده و آماده طرح در صحن علنی برای تصویب و تبدیل آن به قانون است و از سوی دیگر از نظر

اجرایی، تدارکات شناسایی، سازماندهی و کنترل این تشکلهای از طریق اجرای طرح آمارگیری از سازمانهای غیردولتی در سراسر کشور و صدور شماره شناسایی ملی از سوی وزارت کشور در حال انجام است.

جمهوری اسلامی ایران با تمام قوا، از یکسو با اعمال سیاست سرکوب و از سوی دیگر سیاست جایگزینی از طریق قانونی کردن شیوههای تأسیس و نظارت بر سازمانهای مدنی به روشهای امنیتی و نظامی و در اختیار گرفتن این سازمانها بطور عملی درصدد است که آنها را به بازوهای اجرایی دولتی با نگرش امنیتی و نظامی تبدیل کند. از نظر حاکمیت، عرصه دانشگاه، روزنامهها، انتشارات، احزاب سیاسی و محیطهای کاری کاملاً در کنترل نیروهای امنیتی هستند و فقط عرصه آزاد روابط میان مردم در جامعه برای ارائه خدمات اجتماعی و خیریه‌ای است که دولت را نگران کرده است چرا که امکان سر بلند کردن نیروهای شاداب و پویا و منتقد از درون آن در آینده نزدیک وجود دارد. به همین دلیل حاکمیت برای کنترل قانونمند این بخش از جامعه پیشاپیش وارد عمل شده است. اما جای هیچ شک و تردیدی نیست که این شیوه نگرش امنیتی به سازمانهای فعال مدنی در جامعه، اگر چه جامعه مدنی را برای حفظ استقلال با مشکل روبرو می‌کند، اما دولت را نهایتاً به سمت مقابله با این نهادهای مردمی خواهد کشاند.

آن دسته از سازمانهای جامعه مدنی که همچنان باقی مانده و نفس می‌کشند عمدتاً سازمانهایی هستند که به خدمات مردمی و حمایتی مشغولند و کمتر در حوزههای پیشتاز تغییرات اجتماعی، نقد و جایگاه مردم در نظام حکومت مداری فعالند. طبیعی است که در شرایطی که دولت هیچگونه آزادی بیان، تجمع و تشکیلی برای اعضای جامعه مدنی قائل نیست و هر گونه فعالیت سازمانهای جامعه مدنی با برخوردهای امنیتی و نظامی روبرو می‌شود، وجود این سازمانهای مردمی ارزشمند است. هر چند این سازمانها به جای ریشه‌یابی اعتیاد، فقر، بیکاری، مسائل محیط زیست و مشکلاتی که زنان و جوانان با آنها دست و پنجه نرم می‌کنند و به جای پرداختن همه جانبه به این مسائل، فقط کار نجات معتادین را بطور موقت در پیش می‌گیرند و به خدمات رسانی موقت مشغولند.

با این حال اما همین سازمانها نیز در صورتی که بتوانند استقلال خود را تاحدی حفظ کنند، می‌تواند در غیاب سازمانهای مدنی پیشتاز جامعه را زنده نگه دارد، چرا که نه تنها بخشی از بدنه جامعه را فعال نگاه می‌دارد بلکه در فرآیند فعالیت‌های ارتباطی با اعماق جامعه از یکسو و شیوههای امنیتی نظامی دولتی در برخورد با مسائل از سوی دیگر، به حقایق دست خواهند یافت که تحولات سازمانی آنها را در پی خواهد داشت.

همانگونه که اکثر سازمانهای تحول‌یافته جامعه مدنی در دوره اصلاحات درواقع از دل همان سازمانهای تأیید شده دولتی تحت عنوانهای انجمنهای اسلامی دانشجویان، انجمنهای اسلامی کار، و سازمانهای غیر دولتی زیست‌محیطی سر بیرون آورده بودند.

امروز مجلس و دولت، از طریق وزارت کشور و وزارت اطلاعات در همکاری کامل با قوه قضائیه، درصدد قانونی کردن مداخلات کامل نظامی و امنیتی در حوزه سازمانهای جامعه مدنی هستند.

سازمانهای جدید برای ثبت باید اول مراحل کامل تأیید توسط وزارت اطلاعات و هیئتهای عالی نظارتی را که ترکیب آنها کاملاً نظامی، امنیتی و ایدئولوژیک است، طی کنند و اداره کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی از ثبت هر سازمانی که وظایف آنها به وظایف سازمانهای غیر دولتی مربوط می‌شود قبل از طی مراحل تأیید توسط هیئت عالی منع شده‌اند.

از سوی دیگر تمامی سازمانهایی که قبلاً نیز توسط اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی ثبت شده‌اند اگر در این مسیر تأیید نشوند، به دستور هیئت عالی، شماره ثبت آنها باطل و رسماً غیر قانونی اعلام می‌شوند. بر اساس این طرح جدید، انحلال غیر اختیاری سازمانهای غیر دولتی که قبلاً فقط در اختیار مراجع قضایی بود و نیروهای امنیتی را تا حدی با مشکل انحلال این سازمانها روبرو می‌کرد، کاملاً در اختیار هیئت عالی قرار می‌گیرد.

یعنی در طرح جدید، هیئت عالی هم اجازه ثبت می‌دهد و هم یک سازمان را منحل می‌کند که هر دو این اختیارات خلاف مواد ۵۸۴ و ۵۸۵ قانون تجارت کشور است. باید توجه داشت که کلیه مراحل مشارکت و همکاری سازمانها در پروژههای دولتی و غیر دولتی، همکاری و ارتباط با سازمانهای بین‌المللی و حتی آژانسهای

سازمان ملل، شرکت در سمینارها و همایش‌ها و دوره‌های آموزشی خارج از کشور و حتی برگزاری تجمع و راهپیمایی‌های مرتبط با فعالیت‌های سازمان‌های غیر دولتی فقط با تأیید هیئت عالی امکان‌پذیر است.

عرصه سوم بر این باور است که باید مردم و گروه‌های ذی‌نفع را از این طرح در حال تصویب و اقدامات دولت در حوزه سازمان‌های غیر دولتی و اثرات جبران ناپذیر این اقدامات امنیتی نظامی آگاه کرد و هر چه سریع‌تر باید این بحث به عرصه عمومی راه پیدا کند و جلوی تصویب این طرح گرفته شود.

عرصه سوم معتقد است که قوانین ناظر بر سازمان‌های غیر دولتی نباید ایجابی و محدود کننده باشند، بلکه برعکس باید تضمین کننده آزادی‌های اساسی و بنیادین در حق تشکل، تجمع و آزادی بیان سازمان‌های غیر دولتی بوده و نهایت تسهیل در تاسیس و فعالیت آن‌ها اعمال شود تا آن‌ها بتوانند به عنوان بازیگران اصلی و موثر در فرآیند توسعه پایدار ایفای نقش کنند. این قوانین باید تسهیل کننده حضور در عرصه‌های بین‌المللی برای تبادل تجربه و همکاری با هم‌تایان بین‌المللی باشد. در حالی که طرح پیشنهادی برای تصویب نه تنها هیچ یک از این اصول را تضمین نمی‌کند بلکه صددرد در جهت نابودی سازمان‌های جامعه مدنی نوپا در ایران است.

بنابراین شایسته است که روزنامه‌نگاران و فعالان جامعه مدنی در داخل و خارج کشور طرح ساماندهی سازمان‌های غیر دولتی را به چالش بکشند. امروز وظیفه نمایندگان مجلس است که نه تنها طرح پیشنهادی را تصویب نکنند بلکه با طرح سوالات سنجیده، فرصت را برای ایفای نقش واقعی سازمان‌های غیر دولتی در نظارت بر قدرت و پیشبرد جامعه به سوی توسعه پایدار و دموکراسی فراهم کنند.

عرصه سوم از جامعه بین‌المللی بویژه از گزارشگر ویژه سازمان ملل در آزادی تشکل می‌خواهد که به پشتیبانی از جامعه مدنی ایران و در مقابله با قانون‌مند کردن مسیر نقض حق آزادی تشکل سازمان‌های جامعه مدنی در ایران به سرعت و قبل از تصویب این طرح مداخله کند.

عرصه سوم برای کمک به پیشبرد این بحث در سطح سازمان‌های جامعه مدنی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، طرح پیشنهادی و طرح اصلاحی برای نظارت بر تاسیس و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی توسط کمیسیون تخصصی مجلس شورای اسلامی را نقد و سخنان اخیر نیروهای دولتی را در نشست هم‌اندیشی سازمان‌های مردم‌نهاد تحلیل کرده است، با این امید که در تلاشی همگانی از جوانمردی جامعه مدنی در ایران جلوگیری شود.

مجموعه مطالب منتشر شده از سوی عرصه سوم درباره این پیش‌نویس را از لینک زیر دانلود کنید: خطر غیر قانونی شدن همه سازمان‌های غیر دولتی پیشرو در ایران

—

## بررسی پیش‌نویس قانون ناظر بر تاسیس و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی

2010-12-16 · Archive ID 37

<http://www.arsehsevom.net/fa/?p=37>

عرصه سوم: پیش‌نویس قانون ناظر بر تاسیس و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی در چند هفته آینده برای تصویب به صحن علنی مجلس خواهد رفت.

در سال ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ دو پیش‌نویس پیشنهادی برای قانون سازمان‌های غیردولتی به مجلس تقدیم شد، طرح پیشنهادی سال ۱۳۸۶ توسط تعدادی از نمایندگان مجلس و طرح سال ۱۳۸۷ توسط مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به مجلس ارائه شده‌اند. مجلس در کمیسیون تخصصی امور اجتماعی، پیش‌نویس پیشنهادی سال ۱۳۸۶ را مبنا قرار داده و در آن تغییرات فراوانی اعمال کرد. این طرح اصلاحی بعنوان آخرین پیش‌نویس در دستور کار مجلس قرار خواهد گرفت.

طرح پیشنهادی ارائه شده توسط مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس به تغییرات اعمال شده توسط کمیسیون تخصصی مجلس نزدیک تر است، اما نکته مهم این است که حتی کمیسیون تخصصی مجلس از طرح دفتر مطالعات سیاسی فراتر رفته و تجربیات یک سال و نیم اخیر در مبارزه با جامعه را بکار گرفته است تا سازمان‌های غیر دولتی کاملاً در کنترل نیروهای امنیتی و نظامی قرار بگیرند.

نکات بسیار مهمی در این دو پیش نویس و در نسخه‌ای که توسط کمیسیون تخصصی مجلس اصلاح شده است، وجود دارد که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود.

مهمترین نکته این است که بر خلاف ماده ۱۸۲ قانون برنامه توسعه مصوب سال ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی، که از وظایف تشکلهای غیر دولتی «تقویت نظارت‌های سازمان یافته مردمی بر فعالیت دستگاه‌های دولتی» تعریف شده است، دو پیش نویس اخیر و نسخه اصلاح شده کمیسیون تخصصی مجلس در واقع این نقش را برای سازمان‌های غیر دولتی قائل نیستند.

بر اساس مقدمه نوشته شده بر طرح پیشنهادی سال ۱۳۸۶، تمام هدف این طرح، مداخله قانونمند در روابط میان سازمان‌های غیر دولتی و سایر حوزه‌ها و در کنترل گرفتن این روابط، دور کردن کامل این سازمان‌ها از عرصه سیاسی و نقد قدرت سیاسی، کنترل روابط بین المللی سازمان‌های غیر دولتی، مداخله در روابط سازمان‌های غیر دولتی و گروه‌های ذینفع، و نهایتاً در اختیار داشتن چگونگی حضور این سازمان‌ها در عرصه‌های تصمیم گیری است.

در واقع طبق پیش نویس سال ۱۳۸۶ و نسخه اصلاحی طرح پیشنهادی در کمیسیون تخصصی مجلس، هدف اصلی، تدوین یک قانون برای تاسیس و نظارت بر سازمان‌های غیر دولتی است.

همانگونه که در ساختارهای مختلف پیش بینی شده در این سه سند و بویژه در سند اصلاحی کمیسیون مجلس برای نظارت بر سازمان‌های غیر دولتی دیده می‌شود، تمام تلاش بر این است که دستگاه‌های امنیتی، قضایی، نظامی، نمایندگان مساجد، بسیج و همه ارگان‌های ایدئولوژیک وابسته به حکومت، همه سازمان‌های غیر دولتی را از طریق مراحل تأیید برای تاسیس و نظارت بر فعالیت‌ها کنترل کنند.

عنوانی که در کمیسیون تخصصی مجلس بر این طرح گذاشته شده است خود نیز موید این است که هدف، نظارت بر تاسیس و فعالیت‌های سازمان‌های غیر دولتی است. (1) در حالیکه از وظایف سازمان‌های غیر دولتی نظارت بر حاکمیت و قدرت است و نظارت بر سازمان‌های غیر دولتی بر عهده اعضای این سازمان‌ها و گروه‌های ذینفع مردمی است.

همانگونه که در بندهای بعدی مشاهده خواهید کرد، از یکسو از دغدغه‌های اصلی طراحان این پیش نویس، حوزه روابط سیاسی و روابط بین المللی سازمان‌های غیر دولتی است و از سوی دیگر این طرح تلاشی برای تبدیل سازمان‌های غیر دولتی به عاملین اجرای طرح‌های دولتی است، و اساساً برای نقش نظارتی سازمان‌های غیر دولتی بر قدرت در این طرح‌ها برخلاف ماده ۱۸۲ قانون برنامه توسعه مصوب ۱۳۷۹ هیچ ذهنیتی وجود ندارد.

بررسی فرآیند تغییراتی که از سال ۱۳۸۶ که اولین طرح پیش نویس تهیه شده تا طرح اصلاح شده در کمیسیون تخصصی مجلس، نشان می‌دهد که تغییرات کاملاً به سمت کنترل امنیتی و نظامی و کاهش قدرت سازمان‌های غیر دولتی حرکت کرده است، و بنظر می‌رسد که در راستای یکسال و نیم سرکوب دولتی در کنترل جنبش مردمی است که در آن جامعه مدنی و نمایندگان آن خواسته‌های آشکار حقوق مدنی مردم را طلب می‌کرد. تجربه‌های نیروهای امنیتی و نظامی در سرکوب این جنبش بعنوان مواد پیشگیری کننده در این طرح کاملاً بکار گرفته شده است.

مجموعه مطالب منتشر شده از سوی عرصه سوم درباره این پیش‌نویس را از لینک زیر دانلود کنید: خطر غیر قانونی شدن همه سازمان‌های غیر دولتی پیشرو در ایران

پانوشته‌ها:

[1] عنوان: "طرح ناظر بر تاسیس و فعالیت سازمان‌های مردم نهاد (غیر دولتی)"

